

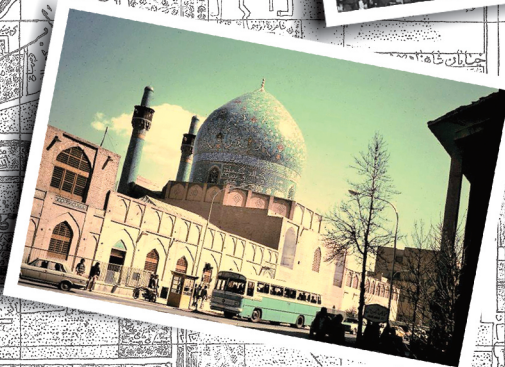
اصفهان

به روایت توسعه

گزارشی از فراز و فرودهای

توسعه شهری اصفهان در دوره‌های معاصر

به روایت هوشنگ پیرویای ولی و محمد طاهری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صفهان زیبا

شناختنامه

صاحب امتیاز: شرکت فرهنگی، هنری، مطبوعاتی پیام اصفهان زیبا
مدیرعامل: سید علیرضا حسینی
معاونت رسانه: محمدحسین اعترازیان

نویسنده: احمد مهره‌کش
ناظر علمی: عبدالمهدی رجایی
مدیر صفحه‌آرایی: علیرضا مظاهری
طراح و گرافیست: علی نصر آزادانی

عکس: حمیدرضا نیکومرام
چندرسانه‌ای: سید میلاد میردامادی

فهرست

۵	مقدمه
۱۳	پیشگفتار
۱۹	اصفهان مدرن
۱۹	ظهور در خیابان
۳۹	زایش تراژدی
۵۷	آغاز نامتوازن
۷۷	آرزوهای بزرگ
۱۰۵	سپاه و سفید
۱۲۳	دیکتاتوری در سازندگی
۱۳۷	در جاده توسعه

از اواسط دهه هشتاد شمسی با فراگیر شدن رسانه‌های برخط و تحول در نظام توزیع اخبار، کارکرد مطبوعات دچار تغییرات اساسی شد. نتیجه این تغییرات اجتناب‌ناپذیر، حرکت محتوای روزنامه‌ها از اخبار روزمره به تحلیل‌ها، نقدها و گفت‌وگوهای عمیق‌تر بود. روزنامه اصفهان زیبا در همین دوران متولد شد و به اقتضای رسالتی که بر دوش خود می‌دید در سه ساحت کلان، فعالیت‌هایش را سامان داد: ساحت اول فعالیت روزنامه با تأسیس آن و تربیت نسل اول خبرنگاران مستعد شکل گرفت. در این ساحت، روزنامه اصفهان زیبا به عنوان رسانه‌ای حرفه‌ای دامنه فعالیت‌های خود را در گروه‌های خبری تحلیلی متنوع گستراند. روزنامه از اواسط دهه نود قدم در ساحت دوم گذاشت. در این ساحت با تخصصی‌تر شدن فعالیت‌ها، ضامئم و ویژه‌نامه‌های روزنامه اصفهان زیبا متولد شدند. در ساحت سوم نیز روزنامه با حفظ و ارتقای داشته‌های دوساحت دیگر، فعالیت‌های خود را در فضای مجازی گسترش داده است.

روزنامه اصفهان زیبا هم اکنون در جایگاه اول روزنامه‌های استان اصفهان قرار گرفته و تلاش می‌کند سرمایه محتوایی خود را بازخوانی کرده و ارتقا دهد. به همین مناسبت تدوین مجموعه «اصفهان نما» با دغدغه ثبت و طبقه‌بندی محتوای فاخر و ماندگار روزنامه در موضوعات مختلف در دستور کار معاونت رسانه این روزنامه قرار گرفت.

اولین جلد این مجموعه پیش از این با عنوان «نیمه‌پنهان شهر» با موضوع گفت‌وگوهای منتشرشده در صفحه مفاخر روزنامه اصفهان زیبا درخصوص جایگاه تاریخی و تمدنی تخت فولاد منتشر شد.

«اصفهان به روایت توسعه» دومین جلد از این مجموعه می‌باشد که حاصل گفت‌وگوهای احمد مهره‌کش دبیر صفحه حرکت تاریخی روزنامه اصفهان زیبا با هوشنگ پوریای ولی و محمد طاهری، دوتن از مسئولین با سابقه شهرداری اصفهان درباره مسیر توسعه شهر در دوره معاصر است. عبدالمهدی رجایی نیز به عنوان ناظر علمی، بر روند تدوین این جلد از مجموعه «اصفهان نما» نظارت داشته است. امیدواریم این مجموعه بتواند یاریگر پژوهشگران و علاقه‌مندان به اصفهان در جهت شناخت هرچه بهتر این اسطوره‌شهر تاریخی باشد.

معاونت رسانه

روزنامه اصفهان زیبا

مقدمه

از چند راه می‌توان به گذشته نگاه کرد و به درکی از آن رسید. اول از طریق مطالعه کتاب‌های تاریخی و سفرنامه‌هاست، راه دیگر از طریق خواندن روزنامه‌ها و مطبوعات دیروز است، راه سوم مطالعه اسناد و نامه‌های اداری و غیراداری می‌باشد که از همان زمان باقی مانده‌اند. راه چهارم که در ظاهر آسان‌ترین و در واقع سخت‌ترین راه است، انجام مصاحبه فعال و استفاده از سازوکار «تاریخ شفاهی» است. در مصاحبه با فعالان، شاهدان و مطلعین می‌توان به داده‌هایی دست یافت که حتی در سه منبع پیشین هم یافت نمی‌شوند. روش جمع‌آوری داده‌ها که بیشتر در بازنویسی «تاریخ نزدیک» به کار می‌رود، در قرن بیستم رواج یافت. باید به این نکته توجه داشت که آگاهی در میان همگان به اشکال مختلف وجود دارد و بر همین اساس این امکان وجود دارد که نگارش تاریخ از محافل آکادمیک خارج

شده و همگانی گردد که روش مصاحبه یکی از این اقدامات است. «به دلیل ویژگی انعطاف پذیری روش مصاحبه، باید گفت که این روش یکی از بنیادی ترین و شاید موثرترین روش های گردآوری اطلاعات است.» (نورایی و ابوالحسنی، ۱۳۹۴، ص ۱۰)

صاحب این قلم که در کتاب ها و آثار متعدد، تاریخ بلند اصفهان را از دریچه مطبوعات، اسناد و کتاب های تاریخی نگریسته است، این بار با کمک شرکت فرهنگی هنری مطبوعاتی پیام «اصفهان زیبا» و همکاری مشتاقانه آقای احمد مهره کش، دبیر صفحه حرکت تاریخی این روزنامه، موفق شدیم با دوتن از مطلع ترین افراد در حوزه مسائل شهری اصفهان چندین جلسه مصاحبه ترتیب داده و در روزنامه اصفهان زیبا (سال ۱۴۰۴-۱۴۰۳) به چاپ برسانیم. بسیار بجا بود که این مصاحبه ها به صورت یکجا و در قالب یک کتاب هم به چاپ برسد که بحمدالله و با کمک موسسه اصفهان زیبا این مهم محقق گردید.

گویندگان خاطرات و تاریخ شهرداری اصفهان چه کسانی هستند؟

هوشنگ پوریای ولی در معرفی خود عنوان کرده است: «من هوشنگ پوریای ولی، در سال ۱۳۴۵ کار تحصیل دانشگاهی ام را در دانشکده ادبیات اصفهان شروع کردم که در آن زمان در خیابان آذر کوچه شاهزاده ابراهیم بود. در آن موقع دانشکده ادبیات اصفهان چند رشته داشت: ادبیات فارسی، ادبیات عرب، تاریخ، زبان انگلیسی، زبان فرانسه، فلسفه و علوم تربیتی. رشته جغرافیای طبیعی را تازه چند نفر از اساتید تحصیل کرده اروپا و آمریکا تأسیس کرده بودند و جغرافیای انسانی هم در سال ۴۵ توسط مرحوم دکتر سیروس شفقی که تحصیل کرده آلمان بود، تازه تأسیس شده بود. من در رشته زبان و ادبیات فارسی مشغول به تحصیل شدم. اما در میانه تحصیل و در سال دوم دانشکده اطلاع پیدا کردم

که برای تجهیز نیروی انسانی شهرداری‌های کشور برنامه‌ای تدارک دیده شده است تا با همکاری اتحادیه شهرداری‌ها و دانشگاه تهران و وزارت کشور برای شهرداری‌ها نیرو تربیت شود. این برنامه شامل دوره مدیریت خاصی بود که از طریق آن، افراد با مدرک دیپلم و لیسانس و حتی دکترا برای کارمندان بخش‌های اداری و مالی و مدیریت کلان شهرداری‌ها گزینش می‌شدند. به هر حال من وارد این دوره شده و بعد از در شهرداری جذب شدم. پس از آن کارم را در اردیبهشت ۱۳۴۷ در شهرداری همایون‌شهر (خمینی‌شهر) آغاز کردم. پس از یک سال کار به دلیل این که دانشجوی دانشکده ادبیات هم بودم، تصمیم گرفتم که به شهرداری اصفهان منتقل شوم. اولین سمت من در شهرداری اصفهان، رئیس امور اداری ناحیه یک بود. در آن زمان شهرداری اصفهان سه ناحیه داشت: ناحیه یک در غرب چهارباغ، ناحیه سه در شرق چهارباغ و جنوب زاینده رود هم ناحیه دو بود. من یک سال در شهرداری ناحیه یک بودم و بعد به ناحیه چهار رفتم و پس از آن معاون ناحیه شدم. سپس شهرداری ناحیه چهار را برعهده گرفتم. بعدها همین طور در نواحی مختلف مشغول به کار بودم تا امروز که در خدمت شما هستم.»

آن چنان که آشکار است مصاحبه شونده از سال ۱۳۴۷ به طور مستقیم در بالاترین نهاد تصمیم‌گیرنده برای شهر، یعنی شهرداری مشغول به کار بوده است. بنابراین منبعی است که می‌توان به گفته‌های او اعتماد کرد و بر آگاهی و دانش او در مسایل مربوط اطمینان داشت.

چیزی که در این معرفی کوتاه نیامده است، ارتباط عمیق پوریای ولی با گنجینه‌ها و آدم‌های با ارزش شهر اصفهان است. پوریای ولی از نادر افرادی در شهرداری بود که قدر و ارزش کسانی مانند عباس بهشتیان را می‌دانست و مخاطب و پیگیر پیشنهادات او در شهرداری بود. نه تنها عباس بهشتیان که بزرگان دیگری همچون دکتر لطف‌الله هنرفر، جمشید مظاهری، سیروس شفق و ... هم مورد تفقد و توجه او قرار داشتند و پوریای ولی تا آن جا که در توان داشت این بزرگان را در به ثمر رساندن امور مربوط

به شهر یاری می‌کرد. من نیز به نوبه خود در پروژه‌های بسیاری، از دانش بی‌کران پوریای ولی استفاده کرده‌ام. به یاد دارم در زمان اجرای پروژه چهارباغ، او چندین بار به همراه همکارانم، به صورت میدانی به چهارباغ آمد و ساعت‌ها درباره گذشته چهارباغ و مکان‌ها و آدم‌های آن با ما صحبت کرد. همچنین در زندگی نامه‌ای که راجع به عباس بهشتیان می‌نوشتم، او هر آنچه درباره بهشتیان می‌دانست که اغلب هم ارتباطات و تجربیات شخصی بود، در طبق اخلاص نهاده و در اختیار من گذاشت. در این میان هر وقت راجع به گوشه‌ای از شهر یا آدمی از آدم‌های آن به دیوار «نادانی» برخوردم، با مراجعه به پوریای ولی یا تماس با ایشان گره از مشکل من گشوده می‌شد. بی‌جا نیست اگر بگوییم هوشنگ پوریای ولی تاریخ مجسم شهر اصفهان است. شاید هیچ کس را نتوان در این شهر یافت که از لحاظ «تبارشناسی» و «خاندان شناسی» مانند پوریای ولی آگاه باشد.

در سال ۱۴۰۳ پروژه دیگری را با هوشنگ پوریای ولی در اصفهان زیبا با عنوان طرح بازخوانی و بازنویسی «تاریخ بلدیة/شهرداری اصفهان» به صورت مصاحبه‌محور و تبدیل آن به یادداشت شفاهی آغاز و در صفحه «حرکت تاریخی» روزنامه منتشر کردیم. از همان آغاز کار دانستیم که نزد شخص مناسبی آمده‌ایم. چرا که پوریای ولی در بسیاری از پروژه‌های شهری یا خود دخالت مستقیم داشته یا آن که ناظر و شاهد آن بوده است. او از سال ۱۳۴۷ در شهرداری مشغول به کار بود و تا دهه هفتاد که از آن تشکیلات بازنشسته شد، به طور دقیق فعالیت‌های شهرداری را زیر نظر داشت.

مصاحبه‌های ما از زمان وقوع انقلاب مشروطیت آغاز شده است؛ وقتی که بنا به قانون مجلس شورای ملی (دوره اول) تشکیلاتی به نام «بلدیة» تأسیس شد و مدیریت و امور شهر را بر عهده گرفت. این تشکیلات در دوره رضاخان دگرگون و در دوره پهلوی دوم، با گسترش بی‌رویه شهر اصفهان، حوزه فعالیت آن صد چندان گردید. بعد از انقلاب اسلامی هم شهرداری اصفهان حوزه فعالیت خود را گسترش داد و

البته به همین نسبت چالش‌های آن نیز افزون شد.

ما در این مصاحبه‌ها با پشت پرده بسیاری از پروژه‌های شهری آشنا می‌شویم؛ مانند این که پارک غدیر در زمان شهرداری ملک مدنی از این نقطه کلید خورد که محمدرضا حکیمی، دانشمند معروف، به اصفهان آمد و پیشنهاد کرد برای تجلیل از مقام ولایت، پارکی به نام «پارک غدیر» در اصفهان ساخته شود. باقی ماجرا و تملک زمین و سپس فروش نصف زمین مذکور توسط شهردار بعد را در متن کتاب بخوانید. یا اینکه چرا جهان نما تغییر کاربری داد یا اصل ماجرای تخریب حمام خسروآقا چه بود.

ما در مصاحبه‌های خود روند فعالیت‌های شهرداری و در واقع رشد شهر اصفهان را به صورت دهه به دهه جلو برده و شکل تلاش کرده‌ایم تا حد ممکن توالی زمان و خط آن را از دست ندهیم تا معلوم شود کدام خیابان و کدام پروژه در کدام دهه اجرا شده است. همچنین سعی کردیم نشان دهیم که این پروژه‌ها در زمان مدیریت کدام شهردار بوده و در چه فضایی کلید خورد. در این میان بدون آن که خود خواسته باشیم، با چالش‌های مدیریت شهری نیز آشنا شدیم. مثلاً این که زمین کارخانه زاینده‌رود که برای برپایی تالار شهر اختصاص داده شده بود، به نهاد دیگری واگذاری گردید یا اتوبان خرازی که قرار بود ۱۲۰ متر پهنا داشته باشد، چرا تنگ تر و گره ترافیکی در آن ایجاد شد و یا تغییر کاربری‌ها و بلندمرتبه‌سازی‌ها، که از آفت‌های بزرگ مدیریت شهری در کلان شهرهاست، چرا و چگونه و توسط کدام افراد در اصفهان باب گردید.

در پشت همه این‌ها موضوع با اهمیت انتقال تجربیات هم وجود دارد. اصولاً یکی از دلایل نوشتن خاطرات افراد، انتقال تجربیات است. در این کتاب پوریای ولی تجربیات بسیاری در حوزه مدیریت شهری را منعکس کرده است. مثلاً روی آوردن به «طرح خودیاری» برای آسفالت کوچه‌ها که باعث شد هم شهرداری و هم مردم به خواسته‌های خود برسند یا موضوع آزادسازی یا خریدهایی که به صورت

توافقی میان فروشنده و شهرداری انجام می‌پذیرفت و باز هم رضایت دو طرف را در پی داشت. در هر صورت اگر انتقال تجربیات صورت نگیرد، هر فرد و هر حلقه مدیریتی، اشتباهات گذشتگان را دوباره تکرار خواهد کرد.

در این کتاب تاریخ تحولات عمرانی و شهری اصفهان از سال ۱۲۸۵ تا سال ۱۳۸۲ شمسی یعنی از دوران مدیریت اولین شهردار اصفهان که شخصی به نام «کلانتر» بود تا مدیریت آقای جوادی که در سال ۱۳۸۲ به انتها رسید، مورد مذاقه و بازگویی قرار گرفته است.

در این مجموعه مصاحبه شخص دیگری نیز پوریای ولی را همراهی می‌کرد، یعنی محمد طاهری، از سابقه‌داران شهرداری اصفهان. او که متولد ۱۳۲۷ در اصفهان است، دوران دبیرستان را در مدرسه هراتی گذرانده و مدرک کارشناسی خود را در رشته ادبیات و زبان انگلیسی از دانشگاه اصفهان اخذ کرده است. وی که از مدیران شهری در حوزه شهرداری اصفهان بود، در مناطق مختلف شهرداری کار کرده است. او در حوزه تحقیق و پژوهش شهری هم سرآمد می‌باشد و بنابر علاقه‌ای که به مطالعه و نوشتن داشته، توانسته تاکنون ۶ جلد کتاب در این حوزه به چاپ برساند که یک نمونه تهیه و تدوین کتاب «تجربه شهر» است که شامل مستندسازی تجربه ۶۰ مدیر شهری در اصفهان است. او همچنین کتاب‌های مختلفی هم در زمینه سازمان‌های مختلف شهرداری مثل باغ رضوان تدوین کرده یا در دست تهیه دارد. وی در سال ۱۳۴۹ با اجرایی شدن قانون نوسازی، وارد نهاد شهرداری اصفهان شد و مسئولیت‌هایی همچون رئیس دبیرخانه انجمن شهر در سال ۵۵، معاون مناطق ۵ و ۴ و ۳ در دوره قبل از انقلاب و شهردار مناطق ۱ و ۳ و ۷ در دوره بعد از انقلاب را عهده‌دار بوده است. وی همچنین پایه‌گذار سازمان نوسازی بهسازی شهرداری اصفهان و اولین مدیر مجموعه فرهنگی تفریحی باغ غدیر بوده است. طاهری هم‌اکنون رئیس کانون بازنشستگان شهرداری اصفهان را برعهده دارد.

لازم به ذکر است که برای ویراستاری مصاحبه‌ها تلاش کردیم ضمیرها را از «اول شخص» به «سوم شخص» تغییر دهیم. همچنین تلاش کردیم با افزودن اسناد و تصاویر مربوط به هر دهه در متن کتاب، تا حدودی آن را مستندسازی نماییم. از سازمان اسناد ملی باید تشکر کرد که کار جمع‌آوری و ارائه اسناد را بر عهده دارند. بخشی از تصاویر هم آن‌هایی است که محمد طاهری آن‌ها را در اختیار ما قرار داد. امید است این کتاب بتواند گوشه‌های دیگری از تاریخ بلند شهر اصفهان معاصر را بازگویی و بازنمایی کند. بی‌گمان اگر این بخش‌های تاریخ شهر ثبت و ضبط نشوند، یا فراموش شده و یا تحریف می‌گردند. این کوشش ما در اصل برای فرار از فراموشی است. این کتاب را به همه کسانی که برای اعتلای اصفهان کوشش کردند، تقدیم می‌نماییم.

عبدالمهدی رجائی، احمد مهره‌کش
اصفهان، تابستان ۱۴۰۵

پیشگفتار

یکی از سازمان‌هایی که در گذر زمان با تغییرات و تحولات زیادی همراه بوده، سازمان شهرداری است که از سازمان‌های جدید ایران می‌باشد. طی قرن‌ها مرسوم بود که مردم خود خدمات بلدی را در حدود وسعت محیط زندگی خویش و بر اساس وجدان شخصی یا معتقدات دینی یا آداب و رسوم محلی، بدون مداخله حکومت و دولت انجام می‌دادند و این موضوع هم مثل غالب امور دیگر، جنبه خصوصی داشت. نمونه بارز آن آب و جارو و تمیز کردن روزانه حریم بیرونی و دورنی خانه‌های خودشان بود که هنوز هم کم‌وبیش و بیشتر در محلات قدیمی شهر مرسوم است.

از زمانی که ارتباط اروپائیان با ایران افزایش پیدا کرد، کم‌کم مظاهری از تجدد هم وارد ایران شد.

یکی از نمونه‌های اولیه تجدد در ایران، نظافت شهرها و تسطیح کوچه‌ها بود. نمونه نخست این نوع تجدد مآبی در ایران، سنگ‌فرش و تسطیح کردن کوچه‌های ارگ پادشاهی در سال ۱۲۶۱ هجری قمری (۱۲۲۴ هجری شمسی) در آغاز سلطنت ناصرالدین‌شاه بود تا راه کالسکه‌رو در آن مسیر هموار شود.

به مرور که آثار تجدد در ایران افزایش یافت، ایجاد نهادی برای تنظیم و ساماندهی امور شهری نیز بیشتر از گذشته احساس شد. به همین دلیل در زمان مظفرالدین‌شاه و برای نخستین بار، در اولین ماه‌های مجلس مشروطه، قانون انجمن بلدیه به تصویب رسید و انجمنی منتخب از مردم، به سرعت اداره شهر را به دست بلدیه سپرد و به دنبال آن، ادارات مربوط به بلدیه به عنوان نهادی نوپا تشکیل شد.

نخستین قانون بلدیه که از قوانین کشورهای فرانسه و بلژیک اقتباس شده بود، در تاریخ ۲۰ ربیع‌الثانی سال ۱۳۲۵ (۱۲۸۴ هجری شمسی) در ۱۰۸ ماده به تصویب رسید؛ لکن هیچگاه اجرا نشد. پس از آن در سوم بهمن سال ۱۳۰۳ شمسی، قانون دیگری برای تکمیل سازمان شهرداری به تصویب رسید و بعد از آن در سال ۱۳۰۴، قانون جامع‌تری به نام قانون بلدیه در ۷۰ ماده مصوب شد و نهایتاً در سوم خرداد سال ۱۳۰۹ قانونی جدید، وظایف و مسئولیت‌های شهرداری را تعیین کرد. بر اساس ماده ۵ این قانون، ریاست بلدیه باید از طرف وزارت داخله (وزارت کشور) معین و منصوب شود و دوره وکالت آن‌ها نیز دو سال شمسی بود.

در دوره مشروطیت که بلدیه به شکلی رسمی تاسیس شد و به تاسیس مجلس شورای ملی رسید، بر طبق قانون مزبور حفظ منابع شهری در راستای حوائج اهالی و آذوقه شهر و نظافت و روشنایی و تقسیم آب، برعهده بلدیه بود و پس از آن به تدریج تعیین عوارض شهری هم به

وسیله بلدیہ انجام شد. به گونه ای که مجلس دوم به تاریخ پنجم ربیع الاول ۱۳۲۸ (۱۲۸۹ شمسی) قانونی را مصوب کرد که به موجب آن از بارکش هایی مثل گاری، دوچرخه، اسب، قاطر، الاغ و شتر عوارض دریافت شود و وصول آن نیز برعهده وزارت مالیه و مامورین تفتیش دروازه ها بود. بعد از آن، قانون تشکیل شهرداری و انجمن شهرها و قصابات، مصوب ۴ مرداد ۱۲۸۹ در ۷ فصل و ۵۰ ماده، جایگزین قانون سابق شد. طبق ماده ۴ این قانون، انجمن شهر به مدت ۴ سال انتخاب می شد و انتخاب شهردار (طبق ماده ۲۹) برعهده انجمن شهر و به این صورت بود که این انجمن با رای مخفی، سه نفر را برای تصدی شهرداری، به وسیله فرماندار به وزارت کشور پیشنهاد می داد و وزارت کشور برای یکی از آن ها حکم ریاست شهرداری را صادر می کرد.

در تاریخ ۱۱ آبان ۱۳۳۱ بر طبق قانون اعطای اختیارات مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۳۱ که به نخست وزیر وقت، دکتر مصدق داده شد، قانون شهرداری با عنوان «لایحه قانونی شهرداری» در ۸ فصل و ۹۰ ماده و ۱۴ تبصره تصویب و ابلاغ گردید. طبق ماده ۲۹ قانون مذکور، انتخاب شهردار که به مدت دو سال منصوب می گشت، بر عهده انجمن شهر گذاشته شده و عمر انجمن شهر نیز برابر ماده ۳ آن قانون، ۴ سال تعیین شده بود.

در ۱۱ تیرماه ۱۳۳۴، قانونی مشتمل بر ۹ فصل و ۹۵ ماده از تصویب کمیسیون های مشترک مجلس گذشت که در اغلب موارد محتوای آن همان قانون قبلی بود. از آن تاریخ تاکنون، قانون شهرداری به دفعات اصلاح و مواردی به آن الحاق شده است و از آن زمان تاکنون بلدیہ یا همان شهرداری رفته رفته به یکی از بزرگترین نهادهای مدیریت شهری تبدیل شد.

شهرداری اصفهان

در اصفهان تنها اندکی پس از تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی، انتخابات انجمن بلدیه برگزار شد و بلدیه اصفهان به عنوان دومین اداره بلدیه در کشور، شروع به فعالیت کرد؛ به گونه‌ای که شهر اصفهان سه ماه پس از تصویب قانون بلدیه در ۲۱ شهریور ۱۲۸۶، با فراهم کردن مقدمات، به تشکیل انجمن بلدیه و اداره بلدیه اقدام کرد. در بدو تاسیس، اداره بلدیه اصفهان در محلی به نام عمارت «باغ کاج» قرار داشت که در جنب چهل ستون واقع بود. پس از آن و در سال ۱۳۱۳، محل شهرداری به باغ بزرگی به نام باغ ستاره انتقال پیدا کرد که در محله چرخاب فعلی قرار داشت. بعد از باغ ستاره، محل شهرداری به میدان مجسمه (میدان انقلاب فعلی) در طبقه دوم ساختمانی که متعلق به یکی از سرمایه‌داران اصفهان به نام امین‌الشریعه اشراقی بود، منتقل شد.

در سال ۱۳۱۸ و در زمان تصدی آقای الهامی بر شهرداری اصفهان، اولین پی‌ریزی شهرداری مرکزی در محل فعلی شهرداری صورت گرفت که بنا به مشکلاتی، این امر چندسالی به تعویق افتاد تا اینکه در سال ۱۳۲۳ در زمان تصدی آقای دولت‌آبادی، ساخت ساختمان شهرداری مرکزی به شکل جدی شروع شد و در سال ۱۳۲۵ در زمان تصدی ابراهیم غفاری بنای ساختمان شهرداری مرکزی به بهره‌برداری رسید.

گسترده‌ی خدمات شهرداری و پراکندگی پروژه‌های عمرانی و فرهنگی در نقاط مختلف شهر، باعث شده است شهر در ابعاد گوناگون آن متحول شود و در ادامه نیز با بهینه‌سازی ساختار شهر و زیباسازی تحسین‌برانگیز آن، شهرداری اصفهان توانسته این شهر را به عنوان الگویی برای شهرهای دیگر تبدیل کند که تحقق این مقصود، جز با اهتمام جمعی و سخت‌کوشی

مدیران و کارکنان شهرداری و به کارگیری نیروهای متخصص و کارآمد و تلاش شبانه‌روزی آن‌ها از بدو تاسیس که عمری بیش از صد سال دارد، امکان‌پذیر نبوده است.

چگونگی حرکت شهرداری اصفهان در مسیر توسعه موضوع اصلی گفت‌وگوهایی بود که با دو تن از پیشکسوتان شهرداری اصفهان که سابقه پنجاه سال خدمت در شهرداری و ارکان وابسته به آن را دارند، انجام شد و در قالب سلسله گزارش‌هایی در صفحه حرکت تاریخی روزنامه اصفهان‌زیبا منتشر گردید. آنچه در ادامه به نظر مخاطبان می‌رسد مجموعه‌ای مدون و منسجم از این گزارش‌هاست.



اصفهان مدرن ظهور در خیابان

اصفهانی که اکنون در آن زندگی می‌کنیم، معضلات بسیاری دارد؛ از زمین و آب و هوا گرفته تا محله‌های درون شهر و اقتصاد صنعتی و مهاجران بی‌هویت. رد پای بسیاری از این مشکلات را می‌توان در ورود ایران به عصر مدرنیته دید؛ اما سوای آن، هر شهر سیر تکامل خاص خود را نیز دارد و نهادهایی که در این شهرها پس از انقلاب مشروطه در ایران شکل گرفتند، بسیاری از نیازها را رفع و بسیاری از مسائل را ایجاد کردند و اصفهان هم از این قاعده مستثنا نیست.

بلدیه یا شهرداری یکی از همین سازمان‌هاست. این سازمان که اولین بار در ۱۲۸۵ و پس از انقلاب مشروطه بوجود آمد، هم در رفع بسیاری از مشکلات مؤثر بود، هم بر توسعه شهرها اثر مستقیم گذاشت و هم سبب ایجاد تعارض‌های بسیاری با مردم شد. در همین راستا بر آن شدیم تا تاریخ شهرداری و شهر اصفهان را بررسی کنیم.

مدیریت شهری پیش از انقلاب مشروطیت

قبل از اینکه قانون بلدیه نوشته و شهر از طریق آن اداره شود، همه شهرها به وسیله حاکم، بیگلریگی یا داروغه اداره می‌شدند که این شخص امور مربوط به نظمیه و بلدیه را باهم انجام می‌داد؛ از سوی دیگر هر شهری به محله‌های مختلف تقسیم می‌شد و هرکدام از این محله‌ها یک کدخدا داشت که برای نظم بخشیدن به محله‌ها و رتق و فتق امور با داروغه در ارتباط و موظف بود به داروغه پاسخ دهد. بنابراین شهر به وسیله داروغه و ارتباط او با کدخدا اداره می‌شد و تشکیلات و ساختار شهری خاصی نداشت.

حوزه وظایف داروغه و کدخدا

بیشترین وظیفه داروغه و کدخدا بحث تامین امنیت محله‌ها بود. در بیشتر مواقع وقتی دزدی

اتفاق می افتاد، به دلیل نبود شهربانی، کدخدا و داروغه مسئول پیگیری این مسئله بودند تا مال فرد مال باخته به او بازگردد. این را می توان از اخبار جراید آن دوران نیز متوجه شد؛ به عنوان مثال، در اخبار روزنامه فرهنگ اصفهان که قبل از مشروطه در اصفهان منتشر می شد، این موضوع قابل مشاهده است. در گزارش های این روزنامه به طور مکرر وقایعی از این دست می آمد که در کدام محله، دزدی شده و اموال کدام تاجر به غارت رفته است. وقتی در محله ای دزدی می شد، از کدخدا و داروغه التزام می گرفتند تا اموال تاجر را پیدا کنند و به او بازگردانند؛ پس یکی از وظایف عمده مدیریت شهری سنتی که داروغه آن را برعهده داشت، تامین امنیت بود.

نظافت شهر قبل از ایجاد شهرداری

قبل از ایجاد بلديه، نظافت شهر به معنای امروزی در شهرهای آن زمان مطرح نبود؛ زیرا شهرها تا قبل از پیدایش بلديه در وضعیت پیشامدرن قرار داشتند و در این وضعیت، نظافت شهر فقط با آبپاشی به معابر اصلی انجام می شد. این کار برعهده فردی به اسم «سوفور» بود که از مادی ها یا خانه های مردم آب برمی داشت و خیابان های اصلی را آبپاشی می کرد؛ به عبارت دیگر نظافت شهر، فقط در همین مورد خلاصه می شد و برنامه و برنامه ریزی مدونی برای رتق و فتق این امور وجود نداشت.

مدیریت شهری پس از انقلاب مشروطیت

قبل از انقلاب مشروطه نظام دیوان سالاری و اداری کشور، قدیمی، فرسوده و مبتنی بر دستورهای از بالا به پایین شاه بود؛ اما زمانی که انقلاب مشروطه رخ داد، نظام دیوانی کشور دگرگون شد و قانون مجلس شورای ملی به جای دستور شاه، ملاک عمل قرار گرفت. در نتیجه وضع قانون در مجلس،

نهادهای دیگری برای اجرای قانون به وجود آمدند تا از این طریق و با محدود کردن اختیارات شاه، امور مملکتی را سامان بخشند. یکی از این نهادها، بلدیه یا شهرداری بود. در دوره مظفرالدین شاه برای نخستین بار، تشکیلاتی به نام «بلدیه» تأسیس شد و نخستین قانون بلدیه که از قانون کشورهای فرانسه و بلژیک اقتباس شده بود، در ۲۰ ربیع الثانی سال ۱۳۲۵ قمری در ۱۰۸ ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید. اما پس از تشکیل، با مشکلات زیادی مواجه گردید که عملاً کارایی این نهاد را مختل کرد. یکی از این مشکلات، فقدان بودجه کافی برای انجام پروژه‌های شهری بود. در بهمن ۱۳۰۰ شمسی، قانون دیگری برای تکمیل سازمان بلدیه و سپس در سال ۱۳۰۴ قانون جامع‌تری به نام قانون بلدیه در ۷۰ ماده از تصویب مجلس گذشت و سرانجام قانون دیگری در سوم خرداد ۱۳۰۹ شمسی وظایف و مسئولیت‌های بلدیه را مشخص کرد.

بر اساس ماده ۵ این قانون، ریاست بلدیه از طرف وزارت داخله (وزارت کشور) معین و منصوب می‌شد. بعد از این در ۱۱ آبان ۱۳۳۱، بر طبق قانون اعطای اختیارات مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۳۱، قانون شهرداری دیگری با عنوان «لایحه قانونی شهرداری» در ۸ فصل و ۹۰ ماده و ۱۴ تبصره تصویب و ابلاغ شد. از آن تاریخ تاکنون قانون شهرداری‌ها به دفعات اصلاح و مواردی به آن الحاق شده است.

وظایف بلدیه در زمان تأسیس

در آن دوران نویسندگان قوانین کشور، اغلب به غرب نگاه داشتند و چون در غرب، انجمن شهر و ارکان مدیریت شهری از سوی مردم انتخاب می‌شدند، در ایران نیز تشکیل انجمن شهر را به انتخاب از سوی مردمواگذار و شرح وظایف آن را در قانون بلدیه به تفصیل ارائه و تصویب کردند. وظیفه این انجمن این بود که یک نفر را به عنوان مدیر شهر یا شهردار انتخاب کرده تا او امور شهر را اداره کند.

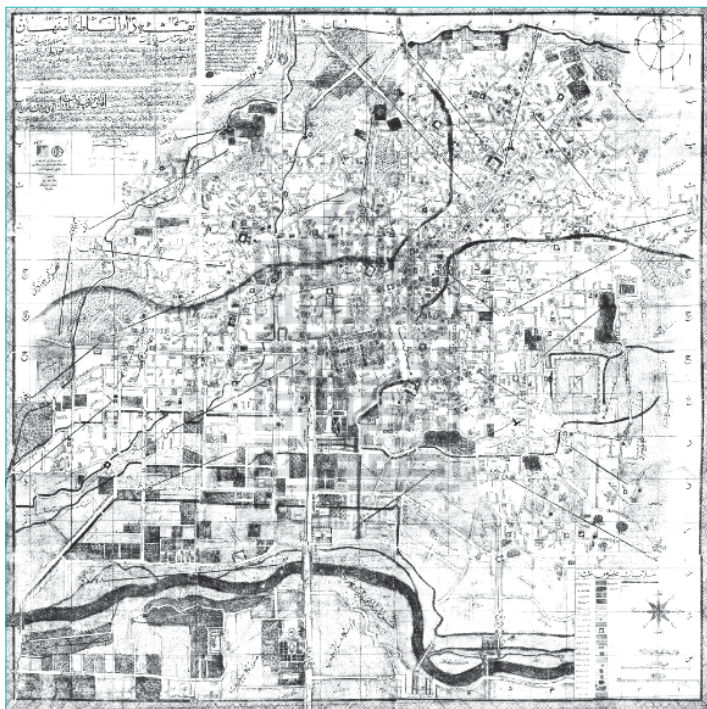
بعد از تدوین قانون بلدیه، مواردی همچون تأسیس کتابخانه یا نظارت بر قیمت کالاها و همچنین امور بهداشت مردم به منظور جلوگیری از شیوع بیماری‌های مسری هم برعهده شهرداری قرار داده شد؛ ولی عملاً این موارد تا سال‌ها بعد اجرایی نشد.



نظامنامه
داخلی انجمن
بلدی اصفهان

محدوده شهر اصفهان در ابتدای تاسیس بلديه

شایان ذکر است از زمان آقامحمدخان قاجار تا ۱۳۰۳ شمسی که اولین نقشه دقیق شهر اصفهان توسط سیدرضاخان ترسیم شد، حدود و ثغور شهر اصفهان تغییر زیادی نداشت و همان مقدار قبل باقی مانده بود. در مدت این دو قرن اگرچه بر وظایف مدیر شهر افزوده شده بود و رئیس بلديه بیشتر از داروغه، مسئولیت داشت، اما ابعاد شهر از نظر جمعیتی و جغرافیایی تغییر چندانی نکرده بود؛ بنابراین نتیجه گرفت که تأسیس بلديه، حکایت از شناسایی نیازهای جدید در شهر و در نتیجه لزوم ایجاد نظام مدیریت جدید برای رفع این نیازها داشت.



نقشه دارالسلطنه اصفهان منسوب به نقشه سید رضاخان

تقویت شهرداری با قانون جدید

همان‌طور که ذکر شد، به‌رغم تصویب قانون بلدیه در ۱۲۸۵ شمسی، بسیاری از کارهایی که در حیطه وظایف بلدیه بود، سال‌ها روی زمین ماند و به‌درستی اجرا نشد تا اینکه در ۱۳۰۹ برای سامان‌مندی بهتر بلدیه و شهر، در مجلس، قانونی به اسم «قانون شهرداری‌ها» در مجلس مورد تصویب قرار گرفت. در این قانون شرایطی برای ورود افراد به انجمن شهر در نظر گرفته شد تا هرکسی نتواند وارد انجمن شهر شود. به موجب این قانون شرایطی از قبیل باسوادی، محبوبیت، شهرت به حسن رفتار و ورشکسته‌نبودن برای احراز صلاحیت داوطلبان ذکر شده بود. بعضی از متنفذان مثل امیرقلی امینی که در روزنامه اخگر یادداشت‌های مختلفی می‌نوشت، از دوره دوم و سوم، به‌طور پیوسته در این انجمن عضویت داشتند؛ حتی برخی از کارخانه‌داران و تجار اصفهان هم بعداً عضو انجمن شهر شدند.

یکی از تغییراتی که در قانون رخ داد و به تضعیف انجمن شهر انجامید، سلب حق انتخاب شهردار از انجمن شهر بود. در این قانون این حق انتخاب از انجمن شهر به وزارت داخله یا وزارت کشور منتقل شد؛ بنابراین این انجمن دیگر وظیفه انتخاب شهردار را نداشت؛ بلکه بیشتر به یک انجمن مشورتی تبدیل شد تا بتواند در موارد گوناگون به شهردار تذکر و مشورت دهد.

شروع خیابان‌کشی در اصفهان

استخوان‌بندی شهر اصفهان از نظر خیابان‌کشی، در سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ شکل گرفت؛ خیابان‌های مثل خیابان چهارباغ پایین، خیابان‌های دور شهر، خیابان هاتف، نشاط، کاشانی فعلی، مطهری، کمال اسماعیل، شیخ‌بهایی و بسیاری از خیابان‌های دیگر همگی در همین دوره زمانی احداث شدند.

البته این تغییر و تحول در کالبد شهری، در تمام شهرهای ایران نیز رخ داد؛ چون در آن زمان سیاست کلان کشور این بود که شهرهای ایران صورت یک شهر مدرن را به خود بگیرند و از حالت روستاهای بزرگ خارج شوند.

آنچه مسلم است تا سال ۱۳۰۶ به جز خیابان چهارباغ، هزارجریب (چهارباغ بالای فعلی که آن هم خالی از سکنه و مغازه بود)، خواجه و عباس آباد، خیابان دیگری به صورت عریض وجود نداشت و مردم اغلب در کوچه‌های پریچ و خم و تنگ رفت و آمد می‌کردند. تقریباً از سال ۱۳۱۴ برخی از خیابان‌های اصلی در شهر ایجاد شد. این زمان مصادف بود با استخدام یک مهندس آلمانی به نام نیمسکرن در شهرداری اصفهان و دومین مهندس این شهرداری. در این دوره، نقشه شهر اصفهان تهیه و معابر و کوچه‌هایی که راه‌های اصلی شهر بود به صورت خیابان‌های ۱۶ الی ۲۰ متری طراحی و تعریض آن اجرا شد.

لازم به ذکر است که خیابان‌های مدرس و فروغی و میدان دروازه تهران در شمال، خیابان سروش و بزرگمهر به عرض ۲۰ متر در شرق، خیابان فرح‌آباد (ارتش)، خیام و خرم تا میدان دروازه تهران به نام خیابان‌های دور شهر بودند که در این بازه زمانی ایجاد شدند.

تغییر در بافت محله‌ها

تا قبل از سال ۱۳۲۰ به دلیل خیابان‌کشی‌های متعددی که صورت گرفت، بافت بسیاری از محله‌ها دچار تغییر شد. برای نمونه زمانی که شهرداری اقدام به احداث خیابان شیخ‌بهایی کرد، مجبور شد این خیابان را از وسط بافت قدیمی و تاریخی آن محله عبور دهد. به همین دلیل شهرداری با ایجاد خیابان و آزادسازی مورد نیاز برای آن در بافت این محله قدیمی شکاف ایجاد کرد که همین امر

موجب شد یکپارچگی این محله متزلزل شود و از بین برد.

گسترش اصفهان با ایجاد خیابان‌های جدید

ایجاد خیابان‌ها فقط به تغییر در بافت محله‌ها منجر نشد، بلکه پیامد مهم دیگری نیز داشت. برخی از خیابان‌هایی که بلدیه در شهر کشید، موجب شد اصفهان از اطراف گسترش پیدا کند. به عنوان مثال، در نقشه ۱۳۰۳ اصفهان، خیابان چهارباغ پایین وجود نداشت؛ حتی به وضوح مشخص است که خیابان چهارباغ عباسی بعد از دروازه دولت دیگر امتداد نیافته بود و در این نقطه، خیابان به انتها می‌رسید. اما در سال‌های بعد یعنی در سال ۱۳۱۴ شهرداری به ایجاد باغ همایون یا چهارراه تختی فعلی اقدام کرد. در این منطقه قبل از خیابان‌کشی چهارباغ پایین، باغ‌های زیادی وجود داشت و مابقی بافت آن منطقه نیز مسکونی بود. اما بلدیه برای اینکه بتواند خیابان چهارباغ پایین را احداث کند، مجبور شد حدود بیش از ۱۶۰ خانه را آزادسازی و تخریب کند. در نهایت خیابان چهارباغ پایین ساخته و در شمال اصفهان یک خیابان شمالی جنوبی ایجاد شد.

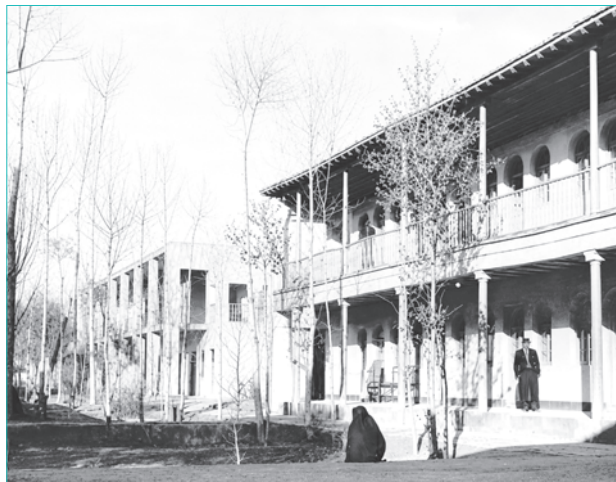
ساخت اولین بیمارستان اصفهانی

شهرداری در آن دوره حوزه وظایف گسترده‌ای برعهده داشت؛ به گونه‌ای که اضافه بر خیابان‌کشی، نظارت بر حوزه بهداشت و درمان هم برعهده شهرداری بود. یکی از پروژه‌های در دست شهرداری که به حوزه بهداشت و درمان مربوط می‌شد، احداث بیمارستان بود. قبل از آنکه شهرداری به این فکر بیفتد که خود بیمارستانی برای شهر بسازد، بیمارستان مرسلین (عیسی بن مریم فعلی) در خیابان شمس آبادی فعلی وجود داشت که توسط انگلیسی‌ها ساخته شده بود؛ اما این بیمارستان جوابگوی نیاز شهر نبود؛ به همین دلیل انجمن شهر و مردم تصمیم گرفتند برای شهر بیمارستان

جدیدی بسازند.

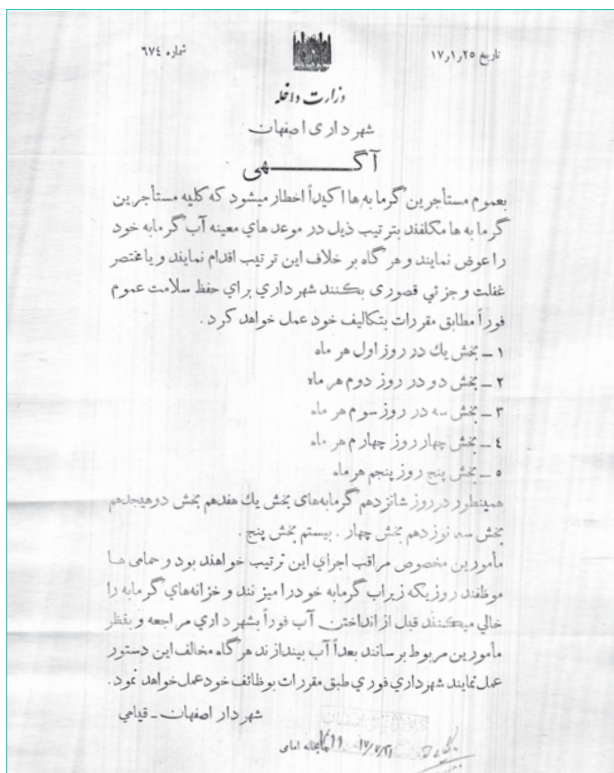
در همین راستا، شهرداری اقدام به ساخت بیمارستان خورشید در سال ۱۳۰۹ کرد. زمینی که بیمارستان خورشید در آن قرار دارد، به حاج آقا نورالله نجفی تعلق داشت که آن را برای ساخت بیمارستان وقف کرده بود. شهرداری هم ساخت بیمارستان در این زمین را تأیید کرد و بعد از اینکه متولیان بیمارستان توانستند هزینه ساخت آن را تأمین کنند، ساخت بیمارستان را شروع کردند. در سال ۱۳۱۲ بیمارستان امین در محل گورستان متروکه جنبان که سنبلستان هم نامیده می شد، توسط حاج میرزا حبیب‌اله امین و اخوان ساخته و به بلدیة اصفهان واگذار شد. شهرداری هم آن را تکمیل و نهایتاً بخش‌های جراحی و داخلی آن شروع به کار کرد.

علاوه بر ساخت بیمارستان، شهرداری در زمینه بر بهداشت عمومی مردم هم نظارت داشت. یکی از کارهایی که شهرداری اصفهان در این رابطه انجام داد و برخی از آن به عنوان یکی از بزرگ‌ترین دگرگونی بهداشتی یاد می‌کنند، حذف خزینة از حمام‌های عمومی و تجهیز آن‌ها به دوش بود و در ادامه



**بیمارستان تازه
تأسیس خورشید**

جراح خانه
بیمارستان خورشید
سال ۱۳۱۱



آگهی شهرداری
خطاب به حمام های
شهر اصفهان در
زمینه رعایت بهداشت
حمام
سال ۱۳۱۷

نیز هرساله در آئین نامه های بهداشتی خود خطاب به صاحبان حمام های عمومی شرایط رعایت بهداشت آب مصرفی را به آن ها اعلام می کرد. به این شکل از شیوع و گسترش بسیاری از بیماری های واگیردار و مسری از جمله کچلی ممانعت به عمل آمد.

نظارت بر اصناف



اعلام شهرداری
اصفهان به اصناف
برای اخذ مجوز
سال ۱۳۱۷

نظارت بر اصناف و صدور مجوز بر آغاز به کار هر واحد صنفی نیز جزو وظایف شهرداری بود. در همین راستا، شهرداری موظف بود برای اصناف مختلف نظام‌نامه تنظیم کند و برای مالکان مغازه‌ها و شاگردان آن‌ها در اصناف مختلف، بسته به حوزه فعالیت آن‌ها کارت سلامت صادر کند.

ازبین بردن گورستان اختصاصی محله‌ها

یکی دیگر از کارهای مهم آن زمان، اعلام ممنوعیت دفن اموات در گورستان‌های محلی شهر بود. در دوران قدیم، هر محله برای دفن اموات ساکنان آن محل، یک گورستان مخصوص به خود داشت. در خیابان کاشانی گورستان سستی فاطمه قرار داشت و مردم محله چهارسوق، پیکر اموات خود را در آنجا دفن می‌کردند. وقتی این ممنوعیت از طرف شهرداری اعلام شد، بلدیه زمین‌های این گورستان را تملک کرد و با کمک خیران و متنفذان شهری در زمین‌های آن هلال احمر، یتیم‌خانه، دارالمساکین، مدرسه شبانه‌روزی و پرورشگاه ساخت. بخشی از زمین‌های آنجا را نیز به فروش رساند و بخش باقی‌مانده را به ساخت بیمارستان ۱۰۰ تختخوابی اختصاص داد که اکنون به بیمارستان کاشانی



پرورشگاه کودکان
اصفهان که در محل
قبرستان سستی فاطمه
و در سال ۱۳۱۳
ساخته شد

معروف است. احداث این مرکز پزشکی در زمان شهرداری آقای الهامی در سال ۱۳۱۸ انجام شد. مشابه این اتفاق در محله ابن سینا هم رخ داد. همنچنین بلدیه قبرستان سنبلستان را که در خیابان ابن سینا واقع شده بود، متروکه کرد و شفاخانه سنبلستان را در آن ساخت که بعداً به بیمارستان امین مشهور شد. امین‌التجار و معین‌التجار، دو برادر و دو تاجر و خیر معروف بودند که یکی از آن دو یعنی امین‌التجار با اضافه کردن چند بخش و ساختمان به این شفاخانه، آن را گسترش داد و بیمارستان امین را راه‌اندازی کرد.

صنعتی شدن اصفهان با کارخانه‌های نساجی

در دوره پهلوی اول با شروع توسعه صنعتی، صنعت نساجی در کشور آغاز به کار کرد؛ بر همین اساس سرمایه‌داران اصفهانی تصمیم گرفتند این صنعت را در اصفهان بوجود بیاورند؛ برخلاف بسیاری از شهرها همچون یزد، بندرعباس و بوشهر که فقط یک کارخانه نساجی در آن بوجود آمد، در اصفهان ۹ کارخانه نساجی بزرگ راه‌اندازی شد که یکی از آن‌ها کارخانه معروف «ریسباف» است که با سهامداری تعدادی از سرمایه‌گذاران ایجاد شد. سودآوری در صنعت نساجی اصفهان باعث شد کارخانه‌های «وطن»، «زاینده‌رود»، «پشمباف»، «رحیم‌زاده»، «صنایع پشم» و غیره ایجاد شود. راه‌اندازی این کارخانه‌ها شکل و شمایل شهر را تغییر داد؛ به‌گونه‌ای که شهر اصفهان به دو قسمت تقسیم شد. قسمت جنوب زاینده‌رود به دلیل وجود کارخانه‌های متعدد، حالت صنعتی داشت و قسمت شمال زاینده‌رود هم دارای بافت مسکونی بود؛ اضافه بر این تأسیس این کارخانه‌ها اقتصاد شهر را نیز دگرگون و اقتصاد شهری در جهت اقتصاد صنعتی و نساجی سوق پیدا کرد.

اصفهان؛ منچستر انگلستان

یکی از دلایل تأسیس این تعداد کارخانه نساجی در اصفهان الگوبرداری مدیران شهری اصفهان از انگلستان بود. آن‌ها در نظر داشتند با الگوبرداری از شهر منچستر انگلستان که قطب نساجی آن کشور بود، اصفهان را به منچستر ایران تبدیل کنند؛ بنابراین متمکنانی همچون کازرونی‌ها و برادران همدانیان را تشویق کردند تا وارد این عرصه شوند؛ در ادامه نیز شرکت‌های سهامی را برای اداره این کارخانه‌ها راه‌اندازی کردند؛ به عنوان مثال، یکی از بزرگ‌ترین سهام‌داران کارخانه ریساف اصفهان، آقای سید محمد جواد کسایی پدر استاد کسایی، نی نواز



حاج محمد جعفر
کازرونی و کارگران
کارخانه وطن

معروف اصفهانی و همچنین عضو انجمن شهر بود. کسایی با درآمدی که از این راه به دست آورد، توانست یکی از مهمترین و ماندگارترین اقدام عمرانی را برای شهر اصفهان انجام دهد. او در دوره تصدی زین العابدین قیامی بر شهرداری اصفهان، اقدام به کاشت درختان خیابان عباس آباد کرد که تا امروز نیز این درختان موجب شده این خیابان یکی از زیباترین و معروفترین خیابانهای اصفهان باشد.

رشد جمعیت شهر اصفهان تا سال ۱۳۲۰

با رشد کارخانه‌های صنعتی در اصفهان، جمعیت زیادی نیز به این شهر مهاجرت کردند که موجب افزایش جمعیت شهر اصفهان شد. این وضعیت مسئولان را برای ایجاد محلی برای سکونت افراد تازه‌وارد و مهاجر به فکر چاره انداخت؛ با این شرط که محدوده شهر گسترش پیدا نکند؛ بنابراین شهرداری در ابتدا نیاز داشت محدوده و حریم شهر اصفهان را تعیین و مشخص کند.

تعیین محدوده شهر اصفهان برای اولین بار

در سال ۱۳۱۳، شهرداری اصفهان و اداره مالیه (اداره دارایی فعلی) در همکاری با هم پروژه‌ای را به اسم پروژه «تأسیس خیابان دور شهر» راه‌اندازی کردند. هدف از این پروژه ایجاد یک رینگ حفاظتی در اطراف شهر به منظور تعیین محدوده شهر بود. اضافه‌براین، پیرامون اصفهان روستاهای زیادی قرار داشت و باید حدود و ثغور شهر اصفهان مشخص و از روستاها متمایز می‌شد تا با ایجاد محله‌های جدید برای اسکان جمعیت مهاجر شهر به روستا نزدیک نشود و گسترش پیدا نکند؛ در نتیجه خیابان‌های بزرگمهر، سروش، فروغی، خرم، خیام، وحید و درنهایت خیابان دانشگاه کنونی کشیده شد. این رینگ حفاظتی هم‌اکنون به رینگ یک شهر اصفهان معروف است. گفتنی است آن زمان در اطراف خیابان بزرگمهر صحرا و زمین‌های کشاورزی زیادی وجود داشت و تا دهه ۴۰ هم به همین

کند و مردم برای حل مشکلاتشان به شهرداری مراجعه کنند؛ به عنوان مثال، در جراید آن دوران آمده است که در مواقع گوناگون مردم در اعتراض به گرانی میوه، گرانی نان، گرانی گوشت و سایر اجناس، به شهرداری مراجعه می‌کردند که این نشان‌دهنده سیطره شهرداری در آن دوران بر گستره شهر بود.

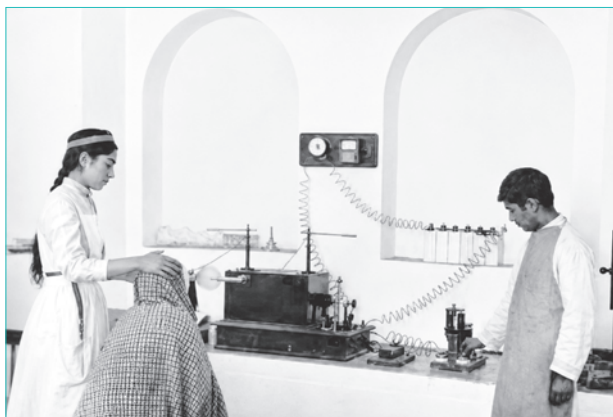
احداث میدان طیاره

یکی از اقدامات مهم انجام شده در سال ۱۳۱۴، ساخت میدان طیاره یا میدان فرودگاه بود که بیشتر برای فرود هواپیماهای نظامی و تشریفاتی مورد استفاده قرار می‌گرفت. برای انجام این پروژه، قسمتی از جنوب خیابان سعادت‌آباد، اطراف بقعه میرزا رفیع‌ای نائینی را که قبور مردم در آنجا قرار داشت، تسطیح کرده و فرودگاه را در آنجا دایر کردند.

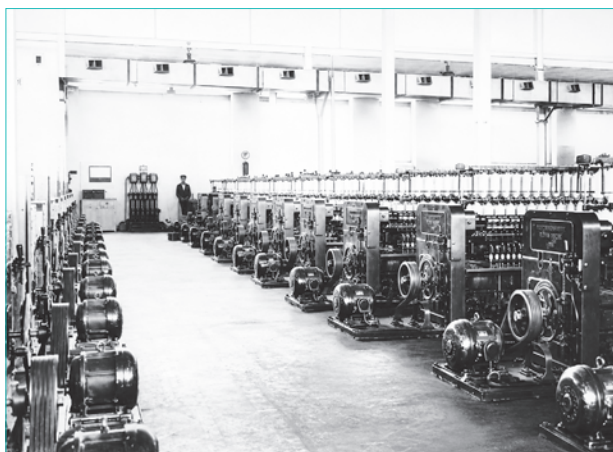
خلاصه کلام

به طور مختصر باید اشاره کرد که با منسوخ شدن نظام داروغه‌محور در شهر و تاسیس شهرداری، وظایف این نهاد دولتی افزایش پیدا کرد و علاوه بر نظافت شهر، مدیریت امور جاری بهداشتی و امور جاری اصناف را نیز برعهده گرفت. از ۱۳۰۹ که انتخاب شهردار مستقیماً به مرکز سپرده شد، شهرداری قدرت بیشتری به دست آورد. در این دوران تا پایان ۱۳۲۰، پیکره اصلی شهر از نظر خیابان‌کشی ریخته شد، چهره اصفهان تاحدی تغییر کرد، برای اولین بار محدوده شهر مشخص شد، اقتصاد اصفهان به سمت صنعت نساجی سوق پیدا کرد و به طور کلی، ردپای مدرنیته از کالبد شهری تا اقتصاد شهری، در اصفهان به وضوح مشاهده شد. به عبارت دیگر، در این دوران، عصر جدیدی در اصفهان شروع شد که محور اصلی آن توسعه بر مبنای تغییر بافت محله‌های شهر و تسهیل امکانات شهری برای بهتر صنعتی شدن بود.

بیمار در حال گرفتن
گرافی با اشعه ایکس
در بیمارستان جلفا



یک کارخانه نساجی
در اصفهان در دوره
رضاخان





زایش تراژدی

روندی که پس از سقوط نظام قاجار شروع شد، به تدریج در همه سطوح کلی زندگی اجتماعی خود را نشان داد. از اقتصاد تا فرهنگ و کالبد شهری، همه وجوه زندگی اجتماعی درگیر فرایند مدرنیته شد و تأثیر خود را بر زندگی شهری برجای گذاشت. با آغاز رشد صنعتی در اصفهان و گسترش شهرنشینی در آن، به تدریج چهره شهر نیز تغییر کرد و از شکل روستایی خارج شد و جلوه‌ای از شهرهای مدرن را به خود گرفت. در این دوره، پیکره و استخوان‌بندی اصلی شهر اصفهان مشخص و حدود و ثغور آن تعیین و به تدریج از مجموعه روستاهای اطراف آن جدا شد. خیابان‌کشی‌های متعدد در این دوره و تغییر در بافت محله‌ها شهر مؤید این موضوع است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت شهر اصفهان نیز تا سال ۱۳۲۰ متأثر از اتفاقات کل کشور، به سرعت در جاده توسعه و صنعتی شدن قرار گرفت. اما اتفاق‌های عمرانی و شهری در دهه ۲۰ و ۳۰ در اصفهان به‌گونه‌ای دیگر رقم خورد و از شتاب توسعه‌ای که قبلاً وجود داشت، کاسته شد. اما ارائه طرح کوکس برای اصفهان، مدیریت شهری را وارد دوره تازه‌ای کرد.

کشور سیاست‌زده و پرهرج و مرج

بعد از شهریور سال ۱۳۲۰، شهرداری دچار سیاست‌زدگی شد که ناشی از هرج و مرج سیاسی نشئت گرفته از اثرات جنگ جهانی دوم و اشغال ایران به وسیله قوای متفقین بود. به عبارت دیگر، به دلیل هرج و مرج ناشی از جنگ جهانی دوم تا سال ۱۳۲۴، کار اساسی در شهر اصفهان صورت نگرفت، سیاست و فعالیت‌های سیاسی بر توسعه شهری اولویت داشت و در این میان مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ نیز کارخانه‌های اصفهان را دچار مشکلات عدیده‌ای کرده بود. در این زمان، انجمن‌های شهری هم تضعیف شدند و به دلیل اینکه شهرداران از طرف وزارت کشور تعیین می‌شدند و دولت هم یکپارچگی و قدرت لازم را نداشت، فعالیت عمرانی چشمگیری

در شهر اصفهان اتفاق نیفتاد. اما از سال ۱۳۲۴ به بعد که مقداری از آشفتگی سیاسی در ایران کاسته شد، وزارت کشور توانست استانداران توانمندتری را به استان‌ها بفرستد و اختیارات بیشتری به آن‌ها بدهد تا فعالیت پروژه‌های شهری شروع شود و شتاب گیرد.

پروژه سدسازی کنار رودخانه و موانع کار

در سال ۱۳۳۰ شخصی با گرفتن یک سند مالکیت توانست زمین کف رودخانه زاینده‌رود را که در نزدیکی دهانه‌های سی‌وسه‌پل قرار داشت و به شکل یک بیشه بود، به نام خودش ثبت کند. این فرد برای اینکه بتواند سند مالکیت این قسمت از رودخانه را بگیرد، در بستر رودخانه درختکاری کرد و بعداً با مراجعه به اداره ثبت اسناد با این ادعا که این قسمت از رودخانه را با درختکاری آباد کرده است، از اداره ثبت، به اسم خود یک سند شش دانگ گرفت و بخشی از رودخانه را به ملک شخصی خود تبدیل کرد. از طرف دیگر، در همان زمان و در دوره تصدی مصطفی مستوفی در شهرداری، پروژه سدبندی در رودخانه توسط شهرداری از کنار پیاده‌روی خیابان کمال اسماعیل در کنار سی‌وسه‌پل تا پل خواجهو اجرا شده بود.

وقتی این سداحداث شد، شهرداری از رفت‌وآمد به این بیشه که نام «بیشه تارخ» را بر روی آن گذاشته بودند، جلوگیری کرد. به دلیل مزاحمتی که سد برای این بیشه به وجود آورد، مالک بیشه از شهرداری شکایت کرد و در دادگاه به استناد سند مالکیت صادره از اداره ثبت، شهرداری اصفهان محکوم شد و اعتراض شهرداری مبنی بر اینکه کف رودخانه در اموال عمومی قرار دارد، راه به جایی نبرد. لازم به ذکر است که سدبندی یعنی حاشیه‌سازی و سنگ‌چینی اطراف رودخانه که کارکرد آن، این بود که در موقع پربابی اجازه نمی‌داد آب وارد خیابان‌های اطراف شود.

اصفهان به روات توسعه

مالکیت بیشه ابطال شد

اما قضیه در همینجا خاتمه نیافت. بعد از آن، حاج آقا حسین میرشمس شهبهانی که در دادگستری و دیوان عالی کشور اشتغال داشت، دوباره این پرونده را به جریان انداخت و موجب شد اعتراض شهرداری به مالکیت بستر رودخانه توسط یک شخص مجدداً بررسی شود؛ بنابراین پرونده به دادگاه اصفهان اعاده و ارسال شد. بعد از ارائه مستندات به دادگاه در ارتباط با قدمت تاریخی سی‌وسه‌پل و اثبات تعلق زمین بستر رودخانه در نزدیکی دهانه‌های سی‌وسه‌پل به اموال عمومی، سند مالکیت بیشه مذکور هم باطل شد.

دیواره زاینده‌رود و شکایت از شهردار وقت

در اینجا لازم به ذکر است که درباره سدبندی اطراف زاینده‌رود و شکایت دیگری نیز که از شهرداری انجام گرفت توضیح داده شود. شهرداری در حین اجرای پروژه سدبندی، بین خیابان کمال اسماعیل تا بستر زاینده‌رود دیواره‌ای ایجاد کرد. این دیواره، علاوه بر اینکه مانعی برای ورود و خروج به بیشه تارخ



بیشه‌های موجود
در بستر زاینده‌رود
و سدبندی دهانه
سی‌وسه‌پل

بود، موجب شد تعداد زیادی درخت نیز قطع شود. به همین دلیل برعلیه شهردار وقت، یعنی مستوفی شکایت و اعلام جرم شد. زمانی که وی برای ارائه توضیحات در دادگاه حاضر شد مصادف بود با بارندگی شدید و سیل بزرگی که رودخانه را فراگرفته بود. او در دفاعیات خود، از قضات دادگاه درخواست کرد تا به کنار زاینده رود بیایند و وضعیت آنجا را از نزدیک مشاهده کنند. او در دفاع از خود گفت که اگر اقدام به قطع درختان و ایجاد دیواره در کنار زاینده رود نکرده بود، طغیان آب رودخانه سیل موجب وارد شدن خسارت‌های زیادی به شهر می‌شد. به همین دلیل وی توانست خود را در دادگاه از جرم آسیب زدن به درختان و قطع آن‌ها، تبرئه کند.

خیابان مسجدسید

بعد از سال ۱۳۳۰، انجمن شهر مقداری قوت گرفت و متعاقب آن نیز شهرداری هم از حالت ضعف خود خارج شد؛ به همین دلیل در این دوره شاهد انجام تعدادی پروژه از طرف شهرداری هستیم. یکی از این پروژه‌ها، ایجاد خیابان مسجدسید در سال ۱۳۳۳ بود. این خیابان، تنها خیابانی بود که بعد از دوره پهلوی اول با عرض پهن در اصفهان احداث شد. خیابان مسجدسید از سه راه باغ حجی (چهارراه تختی کنونی) تا سه راه حمام وفایی (چهارراه وفایی کنونی) ادامه داشت. در سال ۱۳۳۶، شهرداری سه راه باغ حجی را به چهارراه تبدیل و در ادامه خیابان مسجدسید، خیابان عبدالرزاق کنونی را ایجاد کرد. این نکته مهم شایان ذکر است که مرکز اصلی اصفهان قدیم میدان کهنه بوده که بعداً در دوره صفویه این مرکز به نقش جهان منتقل می‌شود. بنابراین، احداث خیابان عبدالرزاق از نظر اتصال یکی از مراکز اصلی شهر به خیابانی ماشین‌رو که غالباً اتوبوس در آن رفت‌وآمد داشت، دارای اهمیت است. از طرف دیگر، خیابان‌هایی که در زمان رضاشاه کشیده شد، مثل خیابان چهارباغ پایین یا خیابان نشاط و هاتف

و حتی خیابان کاشانی فعلی که در آن زمان به آن شاپور می‌گفتند، همگی شمالی جنوبی بودند. اما اصفهان مانند هر شهر دیگری نیاز به خیابان‌های شرقی غربی هم داشت؛ بنابراین خیابان مسجدسید و عبدالرزاق احداث گردید تا این نیاز شهر برآورده شود.

تعارض شهرداری با مردم در زمان آزادسازی خیابان مسجدسید

اما احداث این خیابان، سرآغاز یکی از مهمترین تعارضات در مدیریت شهری بود، یعنی آزادسازی شهرداری اصفهان در زمان ایجاد خیابان مسجدسید، سعی کرد تا حد امکان، بافت قدیم محله را حفظ کند؛ با این حال بخش کمی از بازارچه بیدآباد کنار مسجدسید تخریب شد. در آن زمان قانون نوسازی وجود نداشت؛ بلکه شهرداری بر اساس قانون توسعه معابر عمل و ذیل این قانون، در کمیسیون ماده ۱۴، با افرادی که نیاز بود ملک آن‌ها را تخریب کند، مذاکره می‌کرد. با این حال، اختیارات این کمیسیون محدود بود و آن پولی را که بابت خرید خانه یا مغازه یا مستملکات به مردم می‌داد، مورد رضایت آن‌ها نبود؛ به همین دلیل، فرایند آزادسازی موجب اعتراض بسیاری از ساکنان محله مسجد سید شد. متعاقب اجرای این پروژه و به دلیل اینکه مردم با آزادسازی در پروژه‌های شهری، آشنایی چندانی نداشتند، به تدریج این گزاره در ذهن مردم شکل گرفت که شهرداری عمداً خانه‌های مردم را تخریب کرده است؛ در صورتی که این فرایندی طبیعی در شهرداری برای انجام یک پروژه مثل احداث خیابان جدید بود؛ ولی امکانات و اعتبارات محدودی در اختیار داشت و آن هزینه‌ای که به مردم پرداخت می‌کرد، نمی‌توانست نگرانی آن‌ها را در زمینه تامین ملک جایگزین رفع کند.

یکی از مهمترین اتفاقاتی که در آن زمان بر ذهن مردم اثر منفی گذاشت، تخریب یک نانوايي در آزادسازی های خیابان مسجدسید و ریختن آوار بر سر نانوا و فوت او بود که موجب شد مردم از آزادسازی

برای ایجاد خیابان ذهنیت منفی داشته باشند. البته بعداً برای جبران این خسارت، شهرداری دختر او به صورت رسمی استخدام کرد تا بتواند در غیاب پدرش، کسب درآمد و مخارج خانواده را تأمین کند.

تردد اتوبوس‌ها؛ علت خیابان‌کشی‌ها

افزایش تعداد اتوبوس در شهر نسبت به سالیان قبل، نیاز به ایجاد خیابان را نیز بیشتر کرد. البته بسیاری از مردم هنوز از داشتن ماشین و خودروی شخصی بی‌بهره بودند، با این حال، ارتباط منطقه قدیم شهر به دروازه دولت (تقریباً مرکز شهر بود و به اطراف شهر هم راه داشت)، به مسیرهای سریع و هموار نیاز بود؛ به همین دلیل برای تسهیل رفت و آمد مردم باید راه‌هایی ایجاد می‌شد تا اتوبوس بتواند از آن عبور کند؛ بنابراین از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ خطوط یک تا هشت اتوبوس‌رانی توسط افرادی در بخش خصوصی راه‌اندازی شد. این اشخاص کسانی بودند که اتوبوس خریداری کرده و با مجوزی که شهرداری به آن‌ها داده بود در یکی از خطوط داخل شخری مشغول کار شده بودند؛ اما در سال ۱۳۴۶ که شرکت واحد اتوبوس‌رانی تأسیس شد و این خطوط در این شرکت ادغام شدند، ساماندهی اتوبوس‌رانی در شهر در اختیار شهرداری قرار گرفت که بعداً به آن خواهیم رسید.

خیابان‌کشی در محله چرخاب

پروژه دیگر شهرداری اصفهان در دهه ۳۰ خیابان‌هایی بود که در شرق اصفهان کشیدند. شهرداری علاوه بر خیابان مسجدسید و عبدالرزاق، خیابان‌های دیگری مثل خیابان فردوسی، استانداری، موحیدیان (بین چهارباغ خواجو و سید علی خان) و بعد هم خیابان منوچهری را احداث کرد. گفتنی است به جز خیابان عبدالرزاق و مسجدسید، بقیه خیابان‌ها در محله چرخاب قرار داشتند. علت ایجاد تعداد زیاد خیابان در چرخاب این بود که شهرداری قصد داشت کوچه‌های این منطقه از شهر را سامان‌دهی و

عریض کند. چون این منطقه، جزو مناطق مرفه‌نشین اصفهان محسوب می‌شد و بیشتر ساکنان آن دارای خودروی شخصی بودند، بنابراین به منظور تسهیل در رفت‌وآمد آن‌ها، باید کوچه‌های این محله عریض می‌شد؛ البته در این زمان شهرداری وضعیت خیابان شمس‌آبادی (شهناز سابق) را هم تاحدی ساماندهی کرد و آن را از شکل کوچه‌پس‌کوچه درآورد؛ اما تعریض اصلی این خیابان در دهه ۵۰ اتفاق افتاد؛ یعنی کوچه ۱۲ متری به خیابان ۳۶ متری تبدیل شد. همچنین خیابان‌های آمادگاه فعلی، میر، آپادانا و بلوارهای اطراف زاینده‌رود، بین سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ به تدریج توسط شهرداری احداث شدند.



پرونده آسفالت‌کاری
خیابان‌های شهر
اصفهان بین سال
های ۲۷ تا ۲۹ به
همراه نقشه

خیابان‌کشی در جنوب زاینده‌رود، رونق نداشت

در طرف دیگر رودخانه، یعنی قسمت جنوب زاینده‌رود، شهرداری خیابان وحید و بعد از آن هم خیابان میرفندرسکی را ایجاد کرد که به کارخانه وطن و زاینده‌رود متصل می‌شد؛ در آن دوره مدیریت شهری، خیابان‌کشی در جنوب زاینده‌رود رونق چندانی نداشت و یکی از مهمترین دلایل آن این بود که کارگرانی که در کارخانه‌ها اشتغال داشتند، برای تردد در مسیر رسیدن به کارخانه، اغلب از دوچرخه استفاده می‌کردند؛ نه از ماشین و اتوبوس. بنابراین نیاز چندانی به خیابان‌کشی جدید در آن سوی زاینده‌رود وجود نداشت.

تعیین سهمیه سازمان برنامه برای شهرداری‌ها

در سال ۱۳۳۰ به علت افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی و افزایش درآمد کشور، سازمان برنامه سهمیه‌ای اعتباری و مالی برای کمک به شهرداری‌ها در نظر گرفت. شهرداری با کمک این منبع مالی جدید توانست بسیاری از خیابان‌ها را آسفالت‌کشی کند که همین امر چهره شهر را تغییر داد. همچنین یکی دیگر از محل‌های خرج این اعتبارات، خرید ماشین‌های حمل‌ونقل زباله برای شهرداری بود. البته باید گفت که در آن زمان روش جمع‌آوری زباله با دوره حاضر تفاوت داشت؛ به این صورت که مردم زباله‌های خود را از نقاط مختلف به یک جا آورده و ماشین‌های جمع‌آوری زباله به آن محل‌ها می‌رفتند و زباله‌ها را جمع می‌کردند. اما بعدها و تحول در خدمات شهری، روش جمع‌آوری زباله که آن‌ها را از درب منازل جمع‌آوری می‌کنند، به صورت فعلی درآمد.

تصویب آیین‌نامه گذربندی

در سال ۱۳۳۲ در زمان دولت مصدق، کمیسیون مشترک مجلس، آیین‌نامه‌ای را برای شهرهای کل

کشور مصوب کرد به نام «آیین نامه گذربندی» که در آن طول و عرض گذرها و نوع آن‌ها مشخص شد. یکی از مواردی که در این آیین نامه به تصویب رسید، مسائل مربوط به بن بست خصوصی و بن بست عمومی بود که مشخص کرد چه نوع بن بست‌هایی عمومی و چه نوع دیگری خصوصی است و هر کدام چقدر باید عقب‌نشینی داشته باشند. طبق شیوه‌گذربندی جدید، خانه‌های زیادی در بافت قدیمی توانستند پروانه ساخت بگیرند. بعد از آن، در طرح جامع در سال ۴۹ و در طرح تفصیلی که متعاقب طرح جامع تصویب شد، همین آیین نامه را با اندکی جرح و تعدیل اعمال کردند.

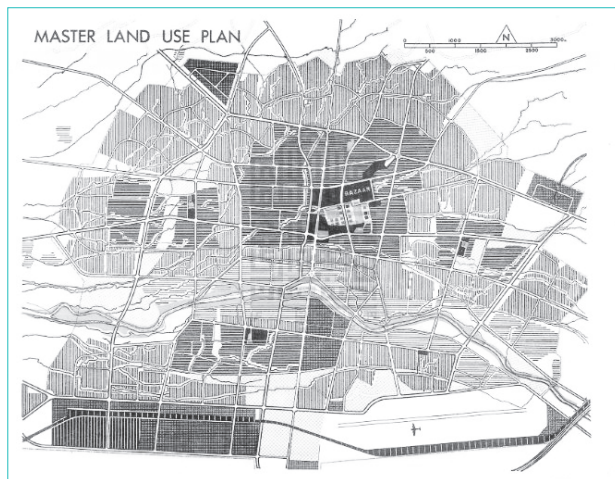
این آیین نامه، جزو اولین دستورالعمل‌هایی محسوب می‌شود که برای سامان‌دهی به فعالیت‌های ساخت‌وساز و توسعه شهری در شهرها به تصویب رسید. تا پیش از این، فعالیت‌های ساختمانی و ساخت‌وساز در شهرها، طبق چشم‌انداز و افق مشخصی انجام نمی‌شد؛ اما تصویب این طرح در مجلس اولین گام برای ایجاد چشم‌اندازی واحد در توسعه شهری به حساب می‌آید. این طرح، بعدها در وزارت کشور به طرح هادی تبدیل شد.

طرح کوکس؛ اولین طرح توسعه شهری اصفهان

تدوین طرح کوکس به سفر کنراد آدناوئر، صدراعظم وقت آلمان به ایران برمی‌گردد. در آن زمان، شهردار اصفهان، حبیب اشراقی در جریان سفر صدراعظم آلمان به ایران و بازدید از اصفهان، از او درخواست کرد که مهندسان مشاور را که در آلمان غربی ساکن بوده و به بازسازی این منطقه بعد از بمباران جنگ جهانی دوم پرداخته بودند، به ایران بفرستد تا بتوانند برای اصفهان طرح توسعه شهری تدوین کنند. صدراعظم آلمان هم مهندس کوکس را برای این منظور به ایران فرستاد.

طرح کوکس؛ ناسازگار با بافت اصفهان

این طرح در سال ۱۳۳۷ توسط دفتر فنی وزارت کشور و از طریق مشاور آلمانی آن به نام کوکس تهیه شد. زمان اجرای طرح، کارشناسان شهرداری متوجه ایرادهایی در آن شدند. از نظر آن‌ها، پروژه‌هایی که این طرح در نظر داشت، با بافت تاریخی و قدیمی اصفهان سازگاری نداشت. مشاوران آلمانی برای شهرهایی از آلمان، طرح ارائه داده بودند که به دلیل بمباران‌های زیاد ناشی از جنگ جهانی دوم به کلی تخریب شده و آثار تاریخی زیادی در آن باقی نمانده بود. اما آن‌ها شرایط و بافت تاریخی موجود در اصفهان را در نظر نگرفته و طرح کوکس را با شاخص‌هایی برای اصفهان تدوین کرده بودند که اگر اجرا می‌شد گستره وسیعی از بافت تاریخی مورد تخریب قرار می‌گرفت؛ به این دلیل شهرداری تصمیم به توقف در اجرای این طرح گرفت. در این طرح برای خیابان‌ها، گذرها، پارک‌ها و مادی‌ها عرض زیادی در نظر گرفته شده بود که عملاً بافت تاریخی را تخریب می‌کرد و به آثار تاریخی آسیب زیادی می‌رساند.



نقشه اصفهان
در طرح کوکس

طرح کوکس و حمام خسروآقا

یکی از پروژه‌های مطرح در این طرح، پروژه اتصال خیابان استانداری به خیابان عبدالرزاق بود. در این میان، حمام قدیمی و تاریخی خسروآقا قرار داشت. به همین دلیل، شهردار وقت تصمیم گرفت طرح اتصال این دو خیابان برای جلوگیری از تخریب حمام متوقف شود. حبیب اشراقی، شهردار وقت در مصاحبه‌ای در پاسخ به این پرسش که چرا خیابان استانداری به خیابان عبدالرزاق متصل نمی‌شود، گفت: «چون در میانه اجرای این خیابان، بنای تاریخی حمام خسروآقا قرار دارد. ما مجبوریم یا حمام را حفظ کنیم یا اینکه بعد از نقشه‌برداری از بنای تاریخی و نمره‌گذاری آجر به آجر آن، این بنا را به مکان دیگری انتقال دهیم.» نهایتاً تصمیم بر این شد که حمام خسروآقا در همان محل حفظ و اجرای طرح کوکس متوقف شود. بنابراین به دلیل ناسازگاری طرح کوکس با بافت تاریخی اصفهان، این طرح اجرا نشد و در دهه بعد و در اواخر دهه ۴۰، طرح ارگانیک جایگزین آن شد.

ساخت میدان میوه‌وتره‌بار اصفهان

پروژه دیگر شهرداری اصفهان که در اواخر دهه ۳۰ در خیابان صارمیه از خیابان جوب‌شاه تا خیابان دور شهر به اجرا درآمد ساخت میدان میوه‌وتره‌بار بود. در خیابان صارمیه تعداد زیادی بنگاه میوه‌فروشی وجود داشت و تعداد این بنگاه‌ها مشکلاتی را همچون سد معبر برای ساکنان منطقه به وجود آورده بود. به همین دلیل شهرداری مجبور شد برای ساماندهی آن خیابان راه چاره‌ای بیندیشد. بنابراین ایده ساخت میدان میوه‌وتره‌بار مطرح شد. در همین راستا در ابتدای دهه ۴۰ میدان بهار و میدان شهرداری برای سامان دهی بنگاه‌های میوه بوجود آمد. درحالی‌که طرح ایجاد این میدان، در اواخر دهه ۳۰ در شهرداری ریخته شد.

افتتاح کاخ شهرداری اصفهان

یکی از اتفاق‌های عمرانی مهم شهر اصفهان در ۱۳۲۳، افتتاح کاخ شهرداری (ساختمان فعلی شهرداری مرکزی اصفهان در دروازه دولت) است. تا قبل از این، شهرداری اصفهان در پاساژ انقلاب فعلی اجاره‌نشین بود و نیاز بود تا ساختمانی دائمی برای شهرداری ساخته شود. برای ساخت بنای دائمی شهرداری، زمینی در میدان دروازه دولت انتخاب شد. علت انتخاب این محل برای تأسیس ساختمان شهرداری این بود که زمین آن به دولت تعلق داشت و از طرف دیگر بخشی از زمین متعلق به باغ چهلستون بود و به آن راه داشت. همچنین، این منطقه تقریباً در مرکز شهر قرار گرفته و چون راه‌های منتهی به آن نقطه از شهر تعریض شده بود و از خیابان چهارباغ پایین و چهارباغ عباسی به آنجا دسترسی وجود داشت، رفت‌وآمد مردم نیز به آنجا راحت‌تر انجام می‌گرفت. کلنگ ساخت این بنا در سال ۱۳۱۸ در زمان مهندس الهامی بر زمین خورد و قرار بود تا قبل از سال ۱۳۲۰ ساخته شود. ولی همزمانی ساخت آن با وقوع جنگ جهانی دوم، اشغال ایران، گرانی کالاهای و مصالح و متعاقب آن ضعف شهرداری و انجمن شهر در این دوره، موجب شد



ساختمان شهرداری
اصفهان در دهه ۲۰

این پروژه چند سالی به تعویق افتاد. نهایتاً کار ساخت آن به طور جدی در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی و در زمان شهردار مجتبی دولت‌آبادی آغاز و در سال ۱۳۲۵ هجری شمسی در زمان ابراهیم غفاری با پیمانکاری کریمیان و نظارت مهندس عبدالحسین ملک‌التجار خاتمه یافت.

ایجاد شبکه فاضلاب شهری

یکی دیگر از پروژه‌های مهم اصفهان که کلید آن در دهه ۳۰ زده شد، ایجاد فاضلاب شهری بود. این پروژه در دهه ۳۰ زیر نظر شهرداری اصفهان شروع شد؛ ولی شهرداری بودجه لازم را برای تکمیل آن نداشت؛ به همین دلیل در سال ۱۳۳۵، زمانی که منوچهر اقبال، نخست‌وزیر وقت به اصفهان سفر کرد، شهردار اصفهان با اشاره به اینکه این شهر یک شهر توریستی است و نیاز به زیرساخت فاضلاب دارد، از او تقاضا کرد که دولت به اصفهان برای تکمیل فاضلاب شهری بودجه اختصاص دهد؛ در همین راستا شهرداری اصفهان با دو شرکت به نام شرکت‌های زروان و نوکار قرارداد بست. با رسیدن بودجه به شهرداری، ابتدا کارگاه لوله‌سازی ایجاد شد که کار آن ایجاد لوله‌های بتنی بود تا بعداً این‌ها را در زمین قرار دهند.



اولین پروژه احداث
شبکه آب و فاضلاب
اصفهان

مراسم افتتاح کارگاه در بهمن سال ۱۳۳۸ بود. وقتی کارگاه ساخت لوله توانست تعداد زیادی از لوله‌های مورد نیاز فاضلاب شهری را تولید کند، در فروردین ۱۳۴۰ کلنگ اگوی (فاضلاب شهری) اصفهان در اطراف میدان خواجه‌زده و از آن پس پروژه اگوی شهری شروع شد؛ اما کار پیشرفت چندانی نداشت؛ تا اینکه در ۱۳۴۵ سازمان آب و فاضلاب اصفهان تأسیس شد و کار را به صورت مستقل به دست گرفت.

کارنامه فعالیت شهرداری اصفهان در دهه ۲۰ و ۳۰

در دهه ۲۰ به دلیل آشفتگی سیاسی کشور، به جز ساخت بنای دائمی برای شهرداری اصفهان و استقرار آن در دروازه دولت کار چندانی در شهر انجام نشد؛ اما در دهه ۳۰ شهرداری اصفهان چند کار عمده انجام داد: اول اینکه، شهرداری اصفهان نیاز شهر را به داشتن یک خیابان شرقی غربی که مرکز شهر را به محله‌های دیگر متصل کند به درستی تشخیص داد و بر همین اساس، خیابان مسجدسید و عبدالرزاق فعلی در اصفهان کشیده شد. اما در کنار اینکه ایجاد خیابان مسجدسید، کار مهمی بود، ذهنیتی بسیار منفی از پروژه‌های شهرداری در مردم به دلیل آذاسازی‌های املاک شخصی توسط این سازمان ایجاد کرد؛ به گونه‌ای که مردم این کار را تعرض به مال و امول خود می‌دانستند.

در دهه ۳۰ برای اولین بار، مدیریت شهری اصفهان تصمیم گرفت شهر را بر اساس برنامه و نقشه از پیش تدوین شده که دارای اهداف و افق بلندمدت است، اداره کند. تدوین طرح کوکس، علیرغم اجرا نشدن بسیاری از مواد آن، بذر اداره شهر بر اساس طرح جامع را در ذهن مدیران شهری کاشت که نهایتاً در سال ۱۳۴۹ به تدوین اولین برنامه جامع شهر اصفهان انجامید و این نقطه آغازی بود بر برنامه‌ریزی شهری مدرن و ترازدی شهرسازی در اصفهان. زیرا در سال‌های

آتی و بر مبنای طرح‌های جامعی که نوشته شد، بسیاری از بافت‌ها و بناهای تاریخی اصفهان از بین رفت یا حریم آن محدود شد.

اگرچه که همه آغاز صنعتی شدن ایران را در دهه ۴۰ جستجو می‌کنند، اما آنچه از فعالیت‌های مدیریت شهری بیان شد، نشان می‌دهد ایران و شهری همچون اصفهان، در دهه ۳۰، مخصوصاً بعد از کودتای ۲۸ مرداد و وابستگی کامل به غرب و درآمد نفتی، قدم در ابتدای جاده بی‌انتهای توسعه گذاشت که نتیجه اولیه آن در دهه ۴۰ با گسترش فعالیت‌های شهرداری، مهاجرت مردم به شهر و تدوین برنامه جامع خود را نشان داد.



آغاز نامتوازن

در دهه ۴۰ کشور شرایط ویژه‌ای را تجربه کرد و شهر اصفهان هم متعاقب تغییرات در کشور، دگرگونی‌های زیادی را به خود دید. چندین طرح عمرانی بزرگ در شهر و اطراف آن به تصویب رسید، کلنگ خورد و بعضی از آن‌ها هم افتتاح شد. با روند شتابان توسعه صنعتی، جمعیت اصفهان در در حد فاصل بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ دو برابر شد. کارخانه ذوب آهن کلنگ خورد و در پی آن، چهره اقتصادی استان اصفهان تغییر یافت و وسعت شهر اصفهان گسترش پیدا کرد. گسترش شهر موجب شد تا نیازهای جدیدی همچون افزایش خطوط حمل و نقل عمومی درون شهر را ایجاد کرد. به همین دلیل «شرکت واحد اتوبوسرانی» در شهرداری اصفهان تأسیس شد.

از سویی دیگر و با الگو برداری از مدل‌های اروپایی، این نیاز پدید آمد که شهر باید بر اساس یک طرح کلی اداره شود. این زمان مصادف بود با تدوین برنامه‌های توسعه شهری در سایر شهرهای ایران و به همین دلیل است که تدوین «طرح جامع ارگانیک» یکی از مهمترین اقدامات در دهه چهل محسوب می‌شود که هنوز هم بعد از گذشت بیش از ۵۰ سال، شهر اصفهان از آثار آن متأثر است.

دهه ۴۰؛ سراغاز تحولات مهم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

دهه ۴۰ سراغاز بسیاری از تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در کل ایران بود. در دهه ۴۰ نیروهای جدید و جوانی که اغلب خارج از کشور درس خوانده بودند، وارد عرصه مدیریتی کشور شده و بسیاری از افرادی که در مدیریت کشور سابقه دار بوده و با جامعه ایرانی آشنایی بیشتری داشتند، بازنشسته شده یا کنار رفتند. تا این زمان، انجمن‌های شهری در سراسر کشور همچنان تعطیل بودند؛ بنابراین تا اواسط دهه ۴۰، شهردار به وسیله وزارت کشور تعیین و منصوب می‌شد و انجمن شهری دایری وجود نداشت تا بخواهد شهردار را تعیین و بر کارهای او نظارت کند.

با شکل‌گیری بافت شهری و رشد صنایع، تحولی در شکل زندگی روستایی (خودکفایی ارزاق) و زندگی شهری (مصرف‌گرایی) به وجود آمد و این تحول، بین محل تولید و مصرف (فاصله بین تولیدات کشاورزی تا شهر و فاصله بین تولیدات صنعتی تا روستا) فاصله ایجاد کرد که خود معضلاتی را در امر توزیع ارزاق به همراه داشت. از طرف دیگر این وضعیت موجب بوجود آمدن ناهماهنگی در توزیع میوه‌وتره‌بار در شهرها و ایجاد گره‌های ترافیکی در نقاط توزیع و بالا رفتن آلودگی شهر نیز شد. بنابراین لازم بود برای سازماندهی این وضعیت تدبیری اندیشیده می‌شد تا معضلات شهری این دگرگونی‌ها رفع شود. بنابراین همانطور که در فصل گذشته ذکر آن رفت، ایده ایجاد میدان میوه‌وتره‌بار در ذهن مسئولان وقت شهرداری اصفهان نقش بست و این پروژه در دهه ۴۰ جزو یکی از دستورکارهای مهم شهرداری قرار گرفت.

کار مهمی که در این میان، انجام شد، رفع سد معبر از میوه‌فروشی‌های خیابان صارمیه و خیابان شاهپور (کاشانی فعلی) بود که وضعیت آشفته‌ای را در دو طرف خیابان، از تقاطع شیخ‌بهایی تا فلکه صارمیه، بوجود آورده بودند. شهرداری درصدد برآمد تا برای بنگاه‌داران این نقطه از شهر، میدان میوه‌وتره‌بار ایجاد کند.

برای این کار، ابتدای خیابان آتشگاه و محلی که به «دهچی» شهرت داشت، در نظر گرفته و میدان میوه‌وتره‌بار شهرداری در آنجا ساخته شد؛ بعد از این، خود بنگاه‌داران، میدان بزرگ‌تری به اسم میدان بهار برای خود دست‌وپا کردند و به شکل مطلوبی، فعالیت‌های خود را سامان دادند.

تأسیس شرکت آب و فاضلاب

از زمانی که شکل شهرسازی جدید در ایران و اصفهان رو به گسترش نهاد، به تدریج دیده شد که در شهر باید شبکه لوله‌کشی و فاضلاب شهری ایجاد شود؛ بنابراین شهرداری اصفهان لازم دید که این زیرساخت مهم شهری را در اصفهان ایجاد کند. تا آن زمان آب خانه‌های اصفهان از چاه‌های آب تأمین می‌شد؛ اضافه بر این، سیستم لوله‌کشی برای دفع فاضلاب در خانه‌ها وجود نداشت؛ همچنین به دلیل اینکه رودخانه پیرآب و زمین‌های اطراف رودخانه هم شنی بود، آب به سطح شهر نفوذ پیدا می‌کرد و نیاز بود تا این مسئله نیز مورد توجه قرار گیرد و برای حل آن چاره‌اندیشی شود؛ همه این موارد دست به دست هم داد تا موضوع فاضلاب مورد توجه مدیران شهری قرار گیرد. اما مسئولان وقت در نظر داشتند که این کار بار مالی زیادی را بر شهرداری تحمیل می‌کند. بنابراین تصمیم گرفتند به منظور اینکه بتوانند بدون اتکا و فشار به منابع بودجه شهرداری و از طریق وزارت کشور و سازمان برنامه و بودجه، تجهیزات و امکانات لازم را برای ایجاد این زیرساخت تأمین کنند، در سال ۴۵ سازمان آب و فاضلاب را تشکیل دادند. هیئت مدیره آب و فاضلاب اصفهان که از افرادی شاغل در سازمان برنامه و بودجه، وزارت کشور و دانشگاه تهران تشکیل شده بود، مهندس سید امیر سعید موسوی حجازی را به عنوان اولین مدیریت شرکت آب و فاضلاب اصفهان منصوب کرد.



مراسم اولین کلنگ
لوله‌کشی بخش
چلغای اصفهان
در خرداد ۱۳۴۶

بازدید مهندس
همایونفر، استاندار
اصفهان از عملیات
لوله‌کشی آب در
خیابان چهارباغ
اصفهان

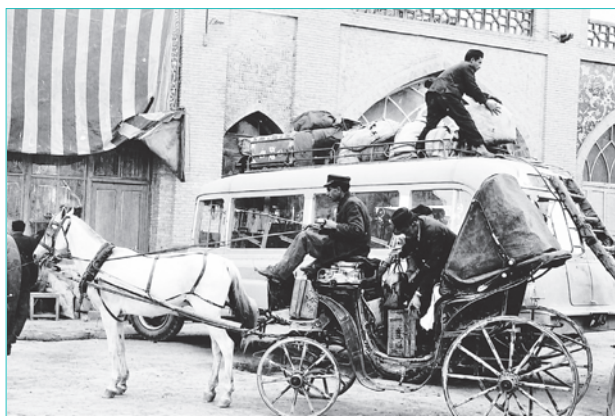


تاسیس شرکت اتوبوس رانی شهرداری اصفهان

قبل از گسترش سیستم حمل و نقل درون شهری، مردم برای عبور و مرور در شهر از کالسکه‌های دواسبه و چهاراسبه استفاده می‌کردند تا بتوانند در تعامل با ساختار شهر، به شکل مطلوبی از یک به نقطه‌ای دیگر جابجا شوند. اما گسترش شهر اصفهان به تدریج موجب شد تا مسئولان شهرداری به فکر ایجاد یک سیستم ارتباطی سریع در شهر بیفتند. به مرور زمان و با توسعه محل‌های مختلف سکونت، تقسیم کار، تحول و تکامل ابزارهای گوناگون، ظهور نیازهای جدید و در نهایت ورود ماشین در زندگی انسان‌ها، نیاز به ابزارهای نقل و انتقال جدید تشدید شد. از این رو از تعداد کالسکه‌ها در شهر کاسته و به تدریج ماشین جایگزین آن شد.

افزایش جمعیت شهر هم احساس نیاز به استفاده از اتوبوس را برای مسافرت درون شهری گسترش داد و به همین دلیل شهرداری لازم دید تا حمل و نقل عمومی و خطوط حمل و نقل درون شهری را ایجاد کند. در دهه ۲۰ و ۳۰، هشت خط اتوبوس رانی توسط اتوبوس داران خصوصی در اصفهان ایجاد شده بود؛

اما این تعداد خطوط اتوبوس رانی نمی توانست پاسخگوی رشد تقاضا برای جابه جایی در شهر باشد. از طرف دیگر، اتوبوس ها هم برای اینکه بتوانند مسافر بیشتری جابه جا کنند، مجبور بودند بیش از ظرفیت خود، مسافر سوار کنند که همین امر موجب برخی تخلف ها در رانندگی و همچنین شکایت مردم شده بود. خصوصی بودن اتوبوس ها موجب شده بود نتوان به درستی وضعیت آن ها را ساماندهی کرد.

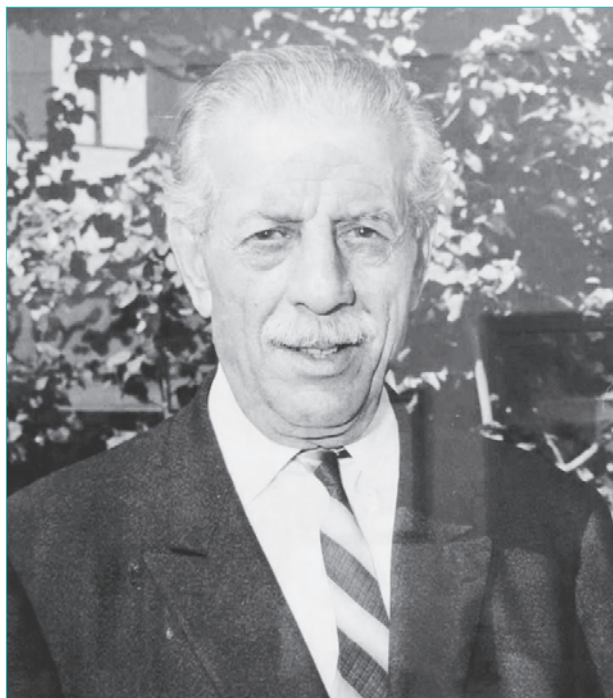


**درشکه و اتوبوس در
میدان نقش جهان**

بنا بر مشکلاتی که ذکر شد، شهرداری اصفهان تصمیم گرفت برای سامان دهی حمل و نقل درون شهری، شرکت واحد اتوبوس رانی را تأسیس کند. این تصمیم به شرکت هایی که به صورت خصوصی در این زمینه فعالیت می کردند، اعلام و خواسته شد در این شرکت که سهام دار اصلی آن شهرداری است، عضو و سهام دار شوند.

بعد از اینکه سازمان اتوبوس رانی در شهرداری اصفهان ایجاد شد، تعداد خطوط اتوبوس افزایش یافت و برای برخی از خطوط نیز مینی بوس اختصاص داده شد؛ اضافه بر این، خود شهرداری نیز تعدادی اتوبوس خریداری کرد و آن ها را به جابه جایی مسافر در خطوط درون شهری اختصاص داد.

در آن زمان، شخصی به اسم حاج میرزا کریم صیرفیان پور توسط شهردار وقت به عنوان مدیرعامل این شرکت منصوب شد. او یکی از گاراژداران معروف در خیابان شاهپور و از پیش کسوتان موفق در زمینه باربری اصفهان و همچنین فردی معتبر و صاحب نام بود.



عبدالکریم
صیرفیان پور،
بنیان‌گذار حمل و نقل
نوین در ایران و اولین
مدیرعامل شرکت
واحد اتوبوسرانی
شهرداری اصفهان

کارخانه ذوب آهن و افزایش جمعیت اصفهان

در دهه ۴۰، تعداد زیادی کارخانه در نقاط مختلف استان اصفهان تأسیس شد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، کارخانه ذوب آهن بود. این کارخانه که با همکاری اتحاد جماهیر شوروی در لنجان اصفهان در سال ۴۶ ساخته شد، پیامدهای اجتماعی اقتصادی مهمی در اصفهان و شهرهای اطراف آن برجای گذاشت.

شایان ذکر است که این کارخانه در محلی اشتباه ساخته شد؛ چون لنجان اصفهان یک منطقه حاصلخیز از نظر کشاورزی است و مجاورت آن در کنار رودخانه زاینده رود، موجب شده این شهر آب و هوای خوب و معتدلی داشته باشد؛ بنابراین ایجاد یک کارخانه صنعتی با میزان آبیاری بالا و آلودگی زیاد، موجب شد دهه های بعد مشکلات زیست محیطی بسیاری برای این مردم منطقه و حتی مردم استان اصفهان رقم بخورد.

این کارخانه سبب شد افراد زیادی از شهرهای مختلف برای به دست آوردن شغل به عنوان کارگر و مهندس جذب آن شوند؛ به همین دلیل نرخ مهاجرت به اصفهان افزایش پیدا کرد و اثرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این مهاجرت رفته رفته بر اصفهان نمودار شد. یکی از مهم ترین اثرات فوری آن، این بود که به یک باره قیمت مسکن و اجاره بها در شهر اصفهان افزایش پیدا کرد. چون افراد مهاجر به مسکن نیاز داشتند، تقاضا برای مسکن و در نتیجه قیمت آن بالا رفت؛ همچنین برای جبران کمبود مسکن، شهرداری مجبور شد شهر را در جهات مختلف توسعه دهد که در ادامه به آن می پردازیم.



**بازدید مسئولان
وقت از پروژه ساخت
کارخانه ذوب آهن**

قانون نوسازی؛ نقطه عطف مهم در شهرسازی ایران

قبل از سال ۴۹ و تدوین برنامه جامع، قانون مهمی به اسم «قانون نوسازی» در مجلس مصوب شد که کارکرد آن، تعیین عوارض نوسازی و دستورالعمل اجرای طرح‌های عمرانی بود. تا قبل از این، شهرداری فقط می‌توانست عوارض سطح شهر را از مردم بگیرد؛ یعنی طبق یک جدول مشخص شده بود که هر مالک، بسته به مساحت ملک و نوع پلاک از نظر تجاری یا غیرتجاری، چه مقدار عوارض باید پرداخت کند؛ اضافه‌براین، شهرداری عوارض زیربنا را در موقع صدور پروانه از مردم می‌گرفت و عوارضی نیز به صورت سالانه به عنوان عوارض کسب از کسانی که ملک تجاری داشتند، اخذ می‌کرد. اما قانون نوسازی، جامع‌تر از قانون عوارض سطح شهر بود؛ چون هم شامل اخذ عوارض می‌شد و هم طرح‌های آزادسازی در آن مدنظر قرار گرفته بود. به عبارت دیگر، این قانون بیان می‌کرد که آزادسازی‌ها باید به چه شکلی تعریف، اجرا و ارزیابی شوند، مالکان چگونه باید ملک خود را بفروشند و چگونه می‌توانند پول خود را دریافت کنند. این قانون نقطه عطف مهمی در شهرسازی ایران محسوب می‌شود؛ چون اولاً، یک تحول مهم در درآمدهای شهرداری ایجاد و آن را قانونمند کرد؛ دوماً، طرح‌های آزادسازی نیز نظام‌مند شد که مستلزم این بود نمایندگانی از شهرداری، تمام اماکن و خانه‌های شهر را ممیزی کنند؛ یعنی با بازدید از خانه‌ها و استحکامات، متراژ و مساحت هر پلاک را از نظر زیربنا و ساخت به دست بیاورند.

تمرکززدایی از شهرداری اصفهان

برحسب نیاز بین سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ و به دنبال تقسیم‌بندی حوزه شهری اصفهان به شش بخش، شهرداری نیز فعالیت‌های خود را به شش شعبه تقسیم کرد که هر شعبه با عنوان «برزن بخش مربوطه» نامیده می‌شد و موظف بود نظافت و رفت‌وروب معابر و آبیاری اشجار را در هر کدام از این برزن‌ها انجام

دهد. این شعبه‌های اجرایی شهرداری به مرور زمان و برحسب نیاز در طول سال‌های فعالیت‌شان، کارایی خود را نشان دادند، به طوری که در سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۸ دو برزن دیگر به آن‌ها افزوده شد که یکی برزن دستگرد در جنوب غرب و دیگری برزن نصرآباد در حوزه ماربین در شمال غربی زاینده‌رود بود. ایجاد برزن‌های جدید به مثابه برداشتن اولین قدم در جهت تمرکززدایی از فعالیت‌های شهرداری به حساب می‌آمد.

در سال ۴۶ انجمن شهر پس از سال‌ها فترت، دوباره تشکیل و مهندس جهانگیر کیا، مدیرکل اداره کار و تأمین اجتماعی وقت، به عنوان شهردار اصفهان انتخاب شد. یکی از مهم‌ترین اقدام‌های جهانگیر کیا تحول در مدیریت شهرداری و اداره شهر و تقسیم اصفهان به سه ناحیه شهری بود. او هم به نوبه خود در نظر داشت بیشتر از قبل، از نظام مدیریت شهری و اداری شهرداری تمرکززدایی کند؛ بنابراین تحت عنوان عدم تمرکز، شهر اصفهان را به سه ناحیه تقسیم کرد تا اهالی هر ناحیه برای رتق وفتق امورشان، به شهرداری همان ناحیه مراجعه کنند.

کارهای عمده‌ای که شهرداری در آن زمان انجام می‌داد، عبارت بود از نظافت شهر، آسفالت خیابان‌ها و کوچه‌ها، لکه‌گیری از خیابان‌ها، جلوگیری از سدمعبر، صدور پروانه ساخت و تفکیک. مشکل اینجا بود که مردم برای پیگیری همه این امور، از نقاط مختلف شهر به شهرداری مرکزی در میدان دروازه دولت مراجعه می‌کردند و همین امر هم برای مردم و هم برای پیگیری کارها از سوی مدیران، مشکل ایجاد کرده بود. بنابراین شهردار وقت تصمیم گرفت برای تمرکززدایی از شهرداری، سه ناحیه شهری ایجاد کند تا مردم هر ناحیه به شهرداری ناحیه مربوطه خودشان مراجعه کنند.

غرب چهارباغ ناحیه یک، جنوب زاینده‌رود ناحیه دو و شرق چهارباغ هم به عنوان ناحیه سه تعیین شد. مدیریت ناحیه ۲ را به سرهنگ ستاد امیرهوشنگ فرهمندبروجنی سپردند که مناطق تخت فولاد و

جلفا زیر نظر او بود. شرق چهارباغ را هم به علی محرابی کوشکی و غرب آن را نیز به دکتر هرمز انصاری سپردند. بعداً در سال ۱۳۴۹ هرکدام از نواحی شرق و غرب را به دو ناحیه تقسیم کردند. شرق چهارباغ از کنار رودخانه تا منتهاالیه خورزوق به دو ناحیه تقسیم شد. از سمت خیابان سپه به سمت نشاط و احمدآباد و تا ابر و خوراسگان به یک ناحیه تبدیل شد و طرف دیگر هم یک ناحیه دیگر. چند سال بعد، سمت غرب چهارباغ هم از سمت خیابان طالقانی به طرف خرم و کهندژ تا کنار رودخانه به یک ناحیه و سمت دیگر از خیابان طالقانی در امتداد خیابان کاوه هم به ناحیه دیگری تبدیل شد و به این ترتیب تعداد نواحی شهر اصفهان، از سه ناحیه به پنج ناحیه افزایش پیدا کرد.

تقسیم‌بندی نواحی شهرداری ادامه یافت تا اینکه شهرداری اصفهان در سال ۱۳۶۲ دارای ده ناحیه شد. سپس نام آن‌ها از «ناحیه» به «شهرداری منطقه» تغییر پیدا کرد و آن‌ها به شهرداری منطقه ده‌گانه معروف شدند که وظایف و مسئولیت‌های خاص متمرکز در هر منطقه را خودشان انجام می‌دادند. در حال حاضر شهرداری اصفهان دارای ۱۵ منطقه است.

طرح جامع ارگانیک برای اصفهان

مهم‌ترین رخداد شهری دهه ۴۰ که شروعی بر برنامه‌ریزی شهری مدرن در ایران محسوب می‌شود، تدوین طرح‌های جامع شهری بود که برای کلان‌شهرهای مختلف، تدوین و ابلاغ شد. البته طرح کوکس در سال ۳۵ برای اصفهان تدوین شده بود؛ اما به دلیل عدم سازگاری با بافت تاریخی اصفهان، عدم همکاری زمین‌داران بزرگ برای اجرای آن و کمبود اعتبار این طرح مسکوت ماند و اجرای نشد. در این طرح، تعداد زیادی خیابان‌های جدیدالاحداث، بلوارهای وسیع و تعریض خیابانی دیده شده بود که در صورت اجرا شدن آن‌ها بافت تاریخی اصفهان

آسیب زیادی متحمل می‌شد. بر همین اساس اعلام شد که نقشه مذکور به هیچ وجه جوابگوی نیازمندی‌های شهر اصفهان نیست و کارشناسان شهرداری آن را رد کردند.

عدم اجرای طرح کوکس و سردرگمی مردم در فروش و نقل و انتقال اموالشان و همچنین پدید آمدن احساس نیاز به تدوین یک طرح جامع، عواملی بودند که راه را برای تدوین طرح جامع ارگانیک هموار کرد. در سال ۱۳۴۸ وزارت آبادانی و مسکن، از طرف شورای عالی شهرسازی با شرکت مهندسین مشاور ارگانیک قراردادی منعقد کرد تا با توجه به جمعیت شهر اصفهان نسبت به تدوین نقشه جامع، شامل منطقه‌بندی، نحوه استفاده از زمین، تعیین مناطق صنعتی، بازرگانی، اداری، کشاورزی، مسکونی، تاسیسات عمومی و سایر نیازمندی‌های همگانی اقدام کند. این طرح در فروردین سال ۱۳۵۰ در زمان تصدی شهرداری توسط تیمسار رضائیا، از طرف مهندسین ارگانیک به انجمن شهر ارائه شد و در همان زمان به تصویب نهایی رسید. یکی از ویژگی‌های مهم این طرح که تا آن زمان مطرح نبود جانمایی مراکز صنایع سنگین و سبک، پارک مرکزی شهر و پارک‌های اطراف در نقاط مختلف شهر بود. در طرح جامع ارگانیک، شهر اصفهان به سمت شرق و شمال شرق گسترش پیدا کرد؛ به گونه‌ای که در سال‌های بعد و بر مبنای همین طرح، شهرک‌های ملک‌شهر و خانه‌اصفهان ایجاد شدند و ساخت‌وساز در اطراف خیابان کاوه گسترش پیدا کرد. به دلیل افزایش جمعیت ناشی از مهاجرت، مدیران تصمیم گرفتند مازاد جمعیت شهر اصفهان را به شمال شهر انتقال دهند؛ به همین دلیل، در دهه ۵۰ دو شهرک خانه‌اصفهان و ملک‌شهر به وجود آمد.

اما غرب اصفهان (منطقه ماریین) که باغ‌های زیادی داشت و بیشتر خانه‌ها به صورت خانه‌باغ بود، تغییری پیدا نکرد و باغ‌ها تخریب نشد. در جنوب شهر (درجوار زاینده‌رود) که کارخانه‌های



صنعتی نیز در آنجا قرار داشت، تغییر چندانی به وجود نیامد؛ چون جنوب به خیابان هزارجریب و دانشگاه اصفهان و همچنین زمین های ارتش منتهی می شد.

طرح جامع؛ به عنوان یک ابزار قضایی و قانونی

قبل از تدوین طرح جامع، همان طور که گفته شد، بسیاری از زمین داران به طرح کوکس و بسیاری از قوانین شهری تمکین نمی کردند؛ به عنوان مثال، با وجود اینکه در قانون بلدی به تصریح شده بود که اگر افرادی می خواهند زمین خود را تفکیک کنند باید از شهرداری مجوز بگیرند، بسیاری از زمین داران بزرگ و متنفذ اصفهان، خودشان در زمین هایی که به آن ها تعلق داشت، زمین ها را قطعه بندی و خیابان ایجاد می کردند؛ بدون اینکه از شهرداری مجوز بگیرند یا عوارضی به آن پرداخت کنند. زمین های اطراف خیابان بزرگمهر دقیقاً همین وضعیت را داشتند؛ یعنی مالک آن بدون مجوز از شهرداری و رعایت ضوابط، به ایجاد خیابان های باریک و کم عرض در زمین های خود اقدام و به همین شکل خیابان هایی مثل رکن الدوله، شیخ صفی و بی سیم ایجاد کرد. علاوه بر خیابان کشی در این منطقه، مالک آن، زمین های بزرگ متعلق به خودش را به قطعات بسیار کوچک تقسیم کرد و آن ها را

به صورت مشاع فروخت. علاوه بر اینکه این زمین‌ها بدون اخذ مجوز تفکیک فروخته شد، ایراد دیگری هم داشت و آن اینکه، در این زمین‌ها سرانه فضای سبز، مدرسه یا درمانگاه پیش‌بینی نشده بود و به همین دلیل برای ساکنان این مناطق مشکلات زیادی به وجود آورد؛ تنها نکته این بود که در سر بعضی از چهارراه‌های پررفت‌وآمد، مغازه ایجاد کرده بودند. به همین دلیل در دهه ۴۰ این منطقه از شهر به صورت غیرمنطقی و بی ضابطه توسعه پیدا کرد. ساکنان این مناطق کسانی بودند که بعد از اصلاحات ارضی و همچنین تأسیس کارخانه ذوب‌آهن از شرق اصفهان مثل اسفرجان و جرقویه و روستاهای اطراف آن به اصفهان آمدند و در این زمین‌ها سکناگزیدند. تفکیک، قطعه‌بندی و فروش این زمین‌ها به مهاجران، موجب شد درآمدی بیشتر از زراعت برای خاندان کاشفی‌ها که مالکان عمده زمین‌های این منطقه بودند، به دست بیاید. اما زمین‌داران بزرگ دیگری هم بودند که زمین‌های آن‌ها در طرح تعریض و خیابان‌کشی قرار داشت؛ ولی آن‌ها تمایل نداشتند زمین‌های خود را برای ایجاد خیابان به شهرداری بفروشند. زمین‌های بزرگی در خیابان‌های چهارباغ، فردوسی، شیخ بهایی، سیدعلی‌خان و غیره وجود داشت که مالکان آن‌ها، این توجه و همکاری را با شهرداری نداشتند تا با ایجاد خیابان استاندارد توسط شهرداری، وضعیت بهتری برای محل زندگی‌شان رقم بزنند. چون اتفاقاتی که در دهه قبل مخصوصاً در آزادسازی‌های مربوط به خیابان مسجد سید رخ داده بود (که قبلاً ذکرش رفت) موجب شد مردم به شهرداری به عنوان یک سازمان تخریب‌کننده نگاه کنند. به همین دلیل، شهرداری مجبور شد برای سامان‌دهی توسعه شهر، جلوگیری از گسترش بی‌ضابطه و اجرای طرح‌هایی که مدنظر داشت، به تدوین طرح جامع روی بیاورد تا بتواند برای فعالیت‌های خود در زمینه آزادسازی، تعریض و ساخت‌وساز پشتوانه حقوقی و قانونی ایجاد کند و هرکس هم که بعداً در مسند شهرداری قرار گرفت، مجبور به اجرای آن باشد؛ علاوه بر این، شهرداری اصفهان با تدوین طرح جامع درصدد برآمد به مردم نشان دهد که این طرح‌ها باید به اجرا گذاشته شود و گریزی از آن‌ها نیست. با تصویب طرح تفصیلی و تصویربرداری‌های هوایی که برای تدوین بهتر آن و شناخت موقعیت زمین‌های

پرسش، به الگوبرداری مدیران آن دوران از کشورهای اروپایی بازمی‌گردد. مدیران شهری در آن زمان با سفر به نقاط مختلف دنیا، مخصوصاً اروپا الگوی مدیریت شهری بر مبنای طرح جامع را اقتباس و سعی کردند این الگو را در ایران و اصفهان اجرا کنند.

زیرساخت نامناسب شهرداری برای اجرای طرح جامع ارگانیک

با این حال شهرداری اصفهان برای اجرای این طرح، زیرساخت مناسبی نداشت. در آن زمان منابع مالی شهرداری عمدتاً از طریق اخذ عوارض تأمین می‌شد. اگر شهردار قوی بر سر کار بود و این توانایی را داشت تا با دولت مرکزی ارتباط برقرار کند، می‌توانست پول و امکانات بیشتری از طرف دولت برای شهرداری بگیرد؛ ولی در مجموع، این کمک‌ها آن قدر چشمگیر و کارگشا نبود که بتواند طرح‌های عمرانی شهر را پیش ببرد؛ در نتیجه پروژه‌ها به‌کندی جلو می‌رفت. از طرف دیگر، نیروی متخصص در شهرداری به اندازه نیاز وجود نداشت؛ فقط گاهی برخی کارشناسان و متخصصان از اداره آبادانی و مسکن به شهرداری منتقل می‌شدند تا مسئولیت فنی پروژه‌ها را برعهده بگیرند.

طرح جامع؛ شروع تحول در ساختار شهرداری

عمده تجهیز شهرداری از نظر مهندسان کارآمد، در سال ۱۳۴۸، هم‌زمان با تدوین و ابلاغ طرح ارگانیک صورت گرفت و با آمدن مهندس اکبر مقامی از اداره کل مسکن و آبادانی به شهرداری و قرار گرفتن در جایگاه شهردار اصفهان، بدنه تخصصی نیز از این اداره به شهرداری اصفهان منتقل شد. هم‌زمان با این تغییر در مدیریت شهرداری و اضافه شدن نیروی انسانی متخصص به کادر آن، اداره شهرسازی نیز در شهرداری اصفهان بوجود آمد. به عبارت دیگر، تا قبل از سال ۱۳۴۹ و تدوین طرح جامع ارگانیک، در نهاد اداری شهرداری اصفهان، اداره شهرسازی وجود نداشت؛ بلکه فقط یک اداره فنی بود که کارهایی نظیر طراحی نقشه پروژه‌ها و اجرای

طرح‌هایی مثل خیابان‌کشی را انجام می‌داد. اما مهندس مقامی که قبل از رضایا، مسئولیت شهرداری اصفهان را برعهده داشت، در زمان تصدی خود به ایجاد زیرساخت‌هایی در شهرداری مبادرت ورزید که از مهمترین آن‌ها، ایجاد دفتر طرح و برنامه‌ریزی است که اولین بار به همت او و ریاست دکتر هرمز انصاری بوجود آمد و شهرداران بعدی نیز طرح‌های این دفتر را ادامه دادند و اجرا کردند. به‌طورکلی، تا قبل از تدوین طرح جامع شهر اصفهان و اضافه‌شدن نیروی متخصص به بدنه شهرداری، شهرداری اصفهان زیرساخت فنی و تخصصی لازم را برای اجرای این طرح‌ها نداشت؛ در این دوره اداره شهرسازی توسط مهندس رضا آزمایش ایجاد شد که چند سال بعد خود به عنوان شهردار اصفهان منصوب شد. اقدام مهم دیگر نیز تحول در سیستم امور مالی و حسابداری شهرداری اصفهان بود. در این راستا، سیستم مالی شهرداری از شیوه سنتی خارج و به دفتر اداری تبدیل و بعداً این نیز با گزینش فارغ‌التحصیلان دوره مدیریت مالی اتحادیه شهرداری‌ها، کادر لازم برای سیستم جدید تکمیل شد.

طرح‌ها و خیابان‌کشی‌های عمده در دهه ۴۰

خیابان‌های مهمی که در دهه ۴۰ در اصفهان کشیده شد، بیشتر در قسمت شرق و شمال شرق شهر اصفهان قرار داشت؛ چون در این دهه، شهر اصفهان به سمت شرق و شمال شرق توسعه پیدا کرد و در طرف زاینده‌رود و جنوب آن از نظر توسعه شهری پروژه و طرح خاصی اجرا نشد. خیابان‌های بزرگمهر و سروش، همچنین خیابان کاوه و میدان طوقچی و زینبیه در این دوره در اصفهان ایجاد و یا تعریض شدند که البته بعدها و بر مبنای طرح جامع گسترش و توسعه در این مناطق بیشتر شد. به‌طورکلی، علت عمده خیابان‌کشی در شرق اصفهان، وجود تعداد زیاد مهاجرانی بود که از شهرها و روستاهای اطراف برای پیدا کردن کار، وارد اصفهان می‌شدند و نیاز به مسکن داشتند. در همین راستا، شرق اصفهان برای سکونت این مهاجران توسعه پیدا کرد. یکی دیگر از

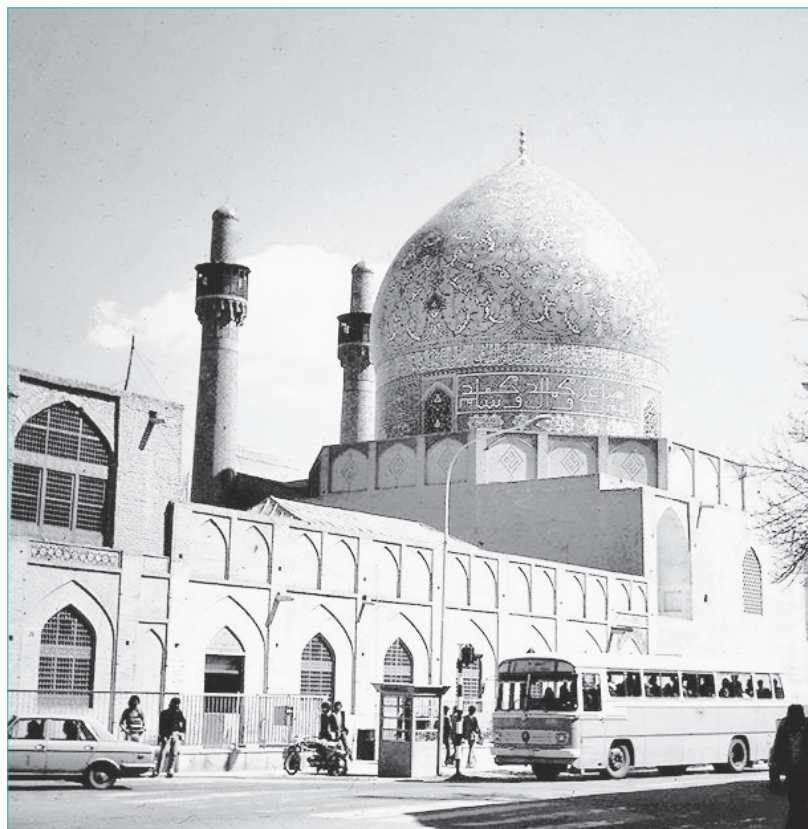
طرح‌های عمرانی که در اواخر دهه ۴۰ در اصفهان کلید خورد، طرح توسعه پارک‌های دوره صفویه و اتصال باغ‌های هشت‌بهشت و چهلستون و نقش جهان بود. همچنین یکی از خیابان‌هایی که در آن دوره امتداد پیدا کرد، ابن سینا و کمال بود. این خیابان را از انتهای چهارباغ پایین و میدان شهدای فعلی تا بیمارستان امین کشیده، اما بعد از این ادامه نداده بودند. در سال ۴۹ دنباله خیابان ابن سینا را ادامه دادند تا به خیابان هاتف متصل شود و به دنبال آن، خیابان آرامگاه کمال اسماعیل در محله جویباره کشیده شد. در زمان تصدی جهانگیر کیا، اتفاق مهم دیگری که در شهرداری اصفهان رخ داد، شروع پارک‌سازی در جنوب زاینده‌رود، حدفاصل سی‌وسه‌پل و پل فلزی و تبدیل بیشه خلیفه‌گری ارامنه به یک گردشگاه بود که طراحی آن توسط مهندسان ذوب‌آهن صورت گرفت؛ اضافه بر این، پارکی هم در تقاطع پل خواجو تا چهارراه آپادانا در آن زمان احداث شد.

جمع‌بندی

دهه ۴۰، دهه قرار گرفتن ایران روی ریل توسعه بود و برنامه عمرانی سوم که در این دهه به اجرا گذاشته شد، بیشتر از قبل ایران را به سمت توسعه صنعتی پیش برد. جلوه این توسعه صنعتی خود را در شهرها نمایان کرد. با اجرای طرح اصلاحات ارضی، زمینداران بزرگ که زمین‌های خود را از دست داده بودند، سرمایه‌های خود را در صنعت و یا ساخت‌وساز به کار انداختند که نتیجه آن رشد شهرنشینی و افزایش مهاجرت به شهرها در پی کسادی کار کشاورزی و نیاز روزافزون به کارگر صنعتی بود. این وضعیت، چهره شهرها را تغییر داد و به تدریج موجب گسترش آن‌ها شد. توسعه شهرها نیز نیازمند برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی سازمان‌یافته‌تری بود که تا مدیران شهری بتوانند برای افق و آینده شهرهای در حال تورم، چشم‌انداز مشخص و قابل پیش‌بینی ارائه دهند. اما نه تنها جلوی توسعه افسارگسیخته شهرها گرفته نشد، بلکه این وضعیت در دهه‌های آینده، شکل بدتری نیز پیدا کرد.



اجتماع رفتگران
مقابل ساختمان
شهرداری در دهه ۴۰



آرزوهای بزرگ

با اجرای «برنامه جامع شهر اصفهان» در دهه ۵۰ شهرداری بیش از گذشته در مرکز تحولات شهری قرار گرفت. این دهه میراث‌دار دهه ۴۰ است، دهه‌ای که با احداث چندین پروژه بزرگ در اصفهان و اطراف آن، تغییرات چشمگیری در زندگی شهری رخ داد. در این دهه اصفهان به مشکل کمبود فضای سبز مواجه شده و به علت افزایش جمعیت، کرایه‌خانه و قیمت زمین به شدت افزایش یافته بود؛ به همین منظور شهسازان به این فکر افتادند تا بر اساس طرح جامع ارگانیك، شهر را به سمت شمال توسعه دهند. احداث دو شهرک خانه‌اصفهان و ملک شهر محصول همین تفکر بود. اضافه بر این در این دهه موضوع «گردشگری» به‌طور جدی مورد توجه مسئولان امر قرار گرفت و ساخت پارک‌های اطراف رودخانه و پارک هشت‌بهشت، در دستور کار قرار گرفت. البته تأسیس اداره شهرسازی در درون ساختار شهرداری در این روند بی‌تأثیر نبود. چون این اداره به‌صورت تخصصی و فنی موضوع شهرسازی را دنبال می‌کرد و کارهایی از قبیل احداث و تعریض خیابان‌ها و میدان‌های زیادی در شمال شهر اصفهان حاصل فکر آن بود.

پارک مرکزی شهر اصفهان

یکی از مهم‌ترین اقدام‌ها در این دهه، برنامه‌ریزی برای ایجاد پارک مرکزی شهر اصفهان بود که شهرداری در نظر داشت آن را از هشت‌بهشت شروع و به چهلستون متصل کند تا از این طریق باغ‌های دوره صفویه احیا شوند. برای احداث این پارک، طبق برآوردها در آن زمان به ۱۲۰ میلیون تومان اعتبار نیاز بود تا آزادسازی‌ها از دروازه دولت تا مدرسه چهارباغ انجام شود. چون لازم بود کوچه فتحیه و عمارت‌های زیادی که بر سر راه طرح وجود داشت خراب شوند. این پارک بزرگ

به دوره صفویه تعلق داشت که حکام قاجار، آن را به عنوان خالصه جات تصاحب کرده بودند. ظل السلطان، یکی از حکام قاجار نیز این پارک را به خواهرش کسراییل خانم ملقب به بانو عظماداد تا در آن زندگی کند؛ او نیز آن را به نوه اش، ابوالفتح قهرمان که بعدها به سردار اعظم معروف شد، واگذار کرد. سردار اعظم در قسمتی از کنار این پارک چند باب مغازه ایجاد و در قسمت های دیگر نیز خانه سازی کرد تا افرادی از آشنایان خودش را در آن ها سکنی دهد. علاوه بر سینماهای ایران و مایاک که از محل فروش مغازه ها در بخشی از این پارک ایجاد شد، چند پاساژ هم در این پارک بوجود آمد. اما برای اجرای طرح پارک مرکزی شهر لازم بود تا همه این پلاک ها آزاد شده و در اختیار زمین پارک قرار گیرند. البته قرار بر این شد که دو پاساژ ایفل و تخت جمشید که قبل از طرح جامع در اینجا ساخته شده بودند و هنوز هم هنوز پایرجا هستند، مورد تخریب قرار نگیرند. اما بقیه مغازه ها و ساختمان ها و اماکن اطراف چهارباغ برای احیا و ایجاد پارک، باید آزادسازی و تخریب می شدند. همان طور که بیان شد، برآورد اولیه برای آزادسازی ۱۴۰ میلیون تومان بود که شهرداری توانست ۹۰ میلیون تومان آن را از طریق اعتبارات دولتی پرداخت کند؛ اما شهرداری نتوانست ۳۰ میلیون تومان باقی مانده را تامین کنند. عدم تخصیص اعتبار، موجب به تعویق افتادن این طرح تا انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب نیز این طرح از دستورکار شهرداری خارج شد. با این حال در زمان تصدی ملک مدنی در شهرداری اصفهان، این طرح دوباره در دستورکار قرار گرفت و برای اجرای آن، تعدادی دیگر از مغازه هایی را که باقی مانده بود، تخریب و خانه ابوالفتح قهرمان را نیز طبق توافق با او تملک کردند تا کل مغازه های ضلع شرقی چهارباغ را تخریب کنند تا با این آزادسازی ها، تمامی فضای پارک هشت بهشت به سمت چهارباغ نما داشته باشد؛ اما این اتفاق نیفتاد و نهایتا کل پروژه با احیای بدنه شرقی چهارباغ به محاق رفت.

برنامه‌ریزی برای جذب توریسم

دهه ۵۰ مصادف شده بود با شروع اجرای برنامه‌هایی برای جذب توریست و گسترش گردشگری در ایران و به تبع آن، اصفهان نیز به عنوان یک شهر تاریخی و گردشگری باید کاستی‌های موجود در زیرساخت‌های گردشگری خود را برطرف می‌کرد. در این راستا، هتل کوروش (هتل کوثر فعلی)، هتل عالی قاپو، هتل آزادی و چند هتل دیگر برای بهبود زیرساخت‌های گردشگری ایجاد شدند. شایان ذکر است که در آن دوران، نهادی به اسم اداره میراث فرهنگی و گردشگری وجود نداشت؛ بلکه سازمانی به اسم «جلب سیاحان» در ارتباط با گردشگران موظف به عمل بود که مأموریت آن هم فقط به نظارت بر رفاه گردشگران تمرکز داشت و بیشتر فعالیت آن هم معطوف به آماده‌سازی و سازمان‌دهی فعالیت‌ها برای ایام نوروز بود. در آن موقع، اهم کار شهرداری در راستای توسعه گردشگری، ایجاد دکه‌هایی در دروازه‌های شهر و در نقاطی بود که گردشگران بیشتر به آنجا رفت‌وآمد داشتند تا هم گردشگران را راهنمایی و هم از این طریق مردمی را که می‌خواهند خانه‌های خود را موقتاً به گردشگران اجاره دهند، به گردشگران معرفی کنند.

ساخت پارک کوروش

ازجمله کارهایی که در زمان تیمسار رضانیا شروع شد و در دوران خود او نیز به پایان رسید، ساخت پارک کوروش (بوستان سعدی امروزی) بود که از پیل فلزی در امتداد پارک ملت شروع می‌شود و تا پیل وحید ادامه دارد. در آن زمان، حوزه شهرسازی شهرداری که قبلاً مهندسان تحصیل‌کرده نداشت و بعداً توسط مهندس آزمایش، به وجود آمد و از نظر نیروی انسانی تأمین شد، بیشترین کارها را در این زمینه انجام داد؛ یعنی بعد از ابلاغ طرح جامع، این مهندسان

برای معابر و خیابان‌هایی که می‌بایست طرح تفصیلی داشته باشند، آن طرح را آماده می‌کردند. همین مهندسان بودند که این پارک و دیگر گردشگاه‌های شهر را طراحی و اجرا کردند.

ایجاد خیابان جی

از جمله کارهایی که در دهه ۵۰ و در محدوده شهر اصفهان انجام شد، ایجاد خیابان جی از سمت فلکه احمدآباد بود. به عبارت دیگر، این فلکه انتهای محدوده شرقی شهر محسوب می‌شد و بزرگمهر که خیابان دور شهر بود، به احمدآباد می‌رسید و در سمت شرق میدان احمدآباد، خیابان دیگری وجود نداشت.

از دلایلی که خیابان جی ایجاد شد، تسهیل برای رفت‌وآمد مسافران و ماشین‌ها به سمت نائین و یزد بود؛ زیرا کسانی که قصد داشتند به سمت شرق اصفهان سفر کنند، می‌بایست از سمت حاشیه زاینده‌رود و خیابان مشتاق به آن طرف سفر می‌کردند. با این حال این مسیر که به عنوان یکی از ورودی‌های شهر محسوب می‌شد، سیما و منظر خوب و زیبایی نداشت؛ اما احداث خیابان جی موجب شد مسیر اصفهان به سمت استان‌های جنوبی مثل یزد و کرمان شکلی آبرومند یافته و از طرف دیگر، اصفهان نیز از این طریق با خوراسگان که آن زمان جدا از اصفهان بود، راه ارتباطی بهتری پیدا کند.

انحلال کتابخانه مرکزی شهرداری

در سال ۵۰ به هنگام تصدی تیمسار رضانیا، کتابخانه عمومی شهرداری که در قسمت فعلی محل اداره درآمد شهرداری اصفهان در ضلع جنوب شرقی ساختمان شهرداری قرار داشت منحل شد. علت این کار رفع مشکل کمبود جا برای محل استقرار کامپیوتر شهرداری (دایره

خدمات ماشینی) عنوان شد که برای نخستین بار در شهرداری اصفهان تاسیس شده بود. در همین راستا، کتب خطی و نسخ نفیس کتابخانه مرکزی به دانشگاه و جراید و کتب چاپی هم به اداره کل فرهنگ و هنر واگذار شد.

اما لازم بود تا شهرداری جایگزینی برای کتابخانه مرکزی احداث کند. به همین دلیل قطعه زمینی از اراضی خود را در خیابان ولیعصر (ولیعصر فعلی) با حفظ مالکیت در اختیار اداره کل فرهنگ و هنر گذاشت تا کتابخانه‌ای به عنوان جایگزین کتابخانه عمومی شهرداری در آن محل احداث کند. این کتابخانه در حال حاضر به نام کتابخانه ولیعصر در حال فعالیت است.

جشن‌های دوهزار و پانصد ساله

در اوایل دهه ۵۰، همه ادارات اصفهان برای فراهم کردن مقدمات لازم به منظور برپایی جشن‌های دوهزار و ۵۰۰ ساله دست به کار شده بودند. اصفهان از ابتدای سال ۵۰ برای این جشن‌ها آماده شده و هر سازمان و اداره‌ای در راستای فراهم کردن مقدمات این جشن‌ها وظیفه‌ای را برعهده گرفته بود. در این زمینه، شهرداری هم باید کارهایی را از قبیل آسفالت کردن برخی از خیابان‌ها و معابر، به خصوص معابر مرکزی شهر در بافت تاریخی انجام می‌داد، کارهایی از قبیل لکه‌گیری آسفالت‌های موجود، ساماندهی وضعیت اطراف میدان نقش جهان و چهارباغ و چهلستون، رنگ‌آمیزی جدول‌ها، اصلاح و بهبود نماهای ساختمانی و تجهیز میادین تاریخی شهر به خصوص میدان نقش جهان. بنابراین تمام نیروهای شهرداری و سایر سازمان‌های آن برای انجام امور مربوط به این جشن‌ها آماده و سازماندهی شدند. با تمام این تمهیداتی که اندیشیده و اجرا شد، مهمان‌های جشن‌های دوهزار و ۵۰۰ ساله فقط به صورت گذری به اصفهان

می‌آمدند و با انجام یک بازدید مختصری از سطح شهر و مکان‌ها مهم، به سمت شیراز می‌رفتند. هزینه این اقدام‌ها را هم اداره فرهنگ و هنر و باستان‌شناسی به‌صورت ویژه برای شهرهای مختلف تأمین کرده بود.

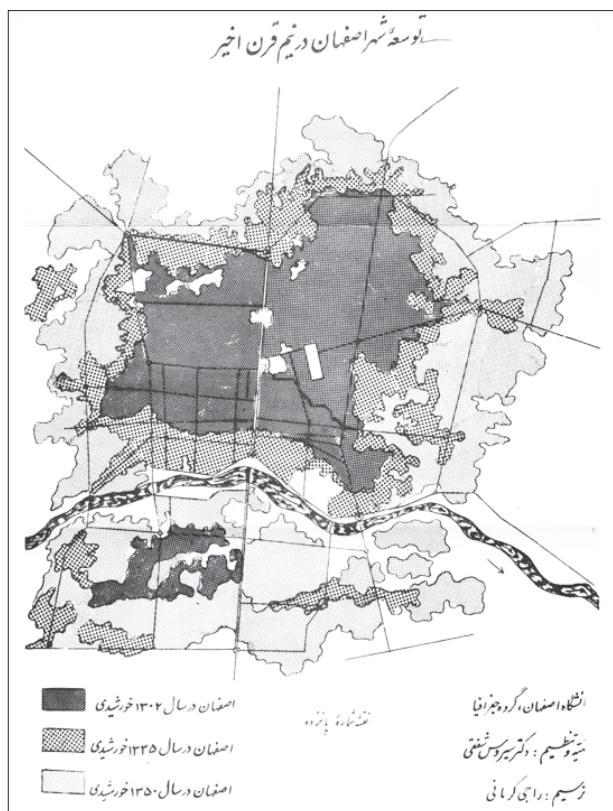
زمین رادیو و تلویزیونی که هیچ‌وقت پس گرفته نشد

در دهه ۵۰ برای پخش برنامه‌های محلی اصفهان، سازمان رادیو و تلویزیون در اصفهان راه‌اندازی شد. به منظور ایجاد این سازمان، مکانی را در مجاورت پل خواجه و ابتدای خیابان چهارباغ صدر برای آن به صورت دائمی در نظر گرفتند؛ اما لازم بود تا به شکلی موقت رادیو و تلویزیون اصفهان در جایی استقرار پیدا کند تا مکان استقرار دائمی آن آماده شود. به همین دلیل قسمتی از ابتدای بوستان سعدی را به این مکان موقت اختصاص دادند تا صداوسیما در چهارباغ خواجه مهیا شود؛ اما بعداً و باوجود ساخت بنای صداوسیما در مرکز خواجه، رادیو و تلویزیون این مکان موقت را ترک نکرد و هنوز هم به دلیل عدم مطالبه شهرداری، به آن پس داده نشده است. این در صورتی است که طبق قانون، ساخت‌وساز در پارک‌ها ممنوع است و این بخش برای فضای سبز پارک باید به طور کامل آزادسازی شود.

تدوین طرح تفصیلی

تدوین و ابلاغ طرح تفصیلی، آن زمان جزو وظایف و اختیارات شهرداری‌ها بود؛ شهرداری اصفهان هم مثل سایر شهرداری‌ها متعاقب ابلاغ طرح جامع، به سراغ تدوین طرح تفصیلی رفت. در طرح تفصیلی، جزئیات مکان‌ها و گذرها موردنظر است؛ یعنی به صورت جزئی در این طرح مشخص می‌شود که هر نقطه از شهر چه تعداد پلاک و هر پلاک چه کاربری و چه

تراکمی باید داشته باشد. نکته‌ای که وجود دارد این است که در حال حاضر بسیاری از منابع درآمدی شهرداری به صدور پروانه و تفکیک متکی است؛ مخصوصاً پروانه واحدهای تجاری یا تغییر کاربری مسکونی به تجاری و همچنین رفع تخلف‌ها از طریق کمیسیون ماده ۱۰۰. اما در آن دوران که برای اولین بار بود طرح جامع و بعدازآن اولین طرح تفصیلی نوشته می‌شد، بودجه شهرداری بیشتر به عوارض قانون نوسازی اتکا داشت تا تغییر کاربری و صدور پروانه تفکیک.



نقشه توسعه و
گسترش شهر اصفهان
تا دهه ۵۰

تکمیل خیابان دور شهر

همان طور که پیشتر به آن اشاره کردیم، در دهه ۳۰ و ۴۰، برای تعیین محدوده شهر اصفهان و جلوگیری از گسترش آن، طرح خیابان دور شهر به اجرا درآمد. در ادامه اجرای این طرح در دهه ۵۰، خیابان سعادت آباد و خیابان دانشگاه هم با اسلوب جدیدی به آن اضافه و عملاً این حلقه ترافیکی شهری در دهه ۵۰ تکمیل شد. همچنین در این دوره شهرداری پروژه اتوبان ذوب آهن را هم که یکی دیگر از خروجی های شهر اصفهان محسوب می شد، طراحی و اجرا کرد. قبل از اجرایی شدن اتوبان، در این قسمت از شهر خیابان بسیار باریکی قرار داشت که هم زمان با احداث کارخانه ذوب آهن و تردد ماشین های سنگین و اتوبوس های کارگران، تصادف های زیادی هم در آن رخ می داد و مشکلات فراوانی برای شهروندان به وجود آورده بود. به همین دلیل ساخت بخشی از آن را شهرداری و بخش دیگر را هم بقیه سازمان ها تقبل کردند تا به این شکل بزرگراه ذوب آهن ساخته شد و مورد بهره برداری قرار گرفت.



خیابان سعادت آباد
و سیلوی اصفهان در
دهه ۵۰

ایجاد پارک آینه خانه

پارک آینه خانه در دهه ۵۰ با ابتکار مهندس آزمایش ساخته شد. در مجاورت زاینده رود زمین های بزرگ و بایر زیادی وجود داشت که متعلق به کارخانه های بزرگ شمال زاینده رود بود؛ اما این زمین ها قابلیت آن را داشت که به فضای سبز تبدیل شوند؛ به همین دلیل شهرداری برای تبدیل این زمین ها به پارک و فضای سبز دست به کار شد؛ به همین منظور شهرداری به کارخانه های بزرگ آن منطقه مثل وطن و زاینده رود، طرح ایجاد پارک و فضای سبز را ارائه داد تا بتواند زمین های آن ها را آزادسازی کند و بعد از توافق با صاحبان کارخانه ها برای در اختیار گذاشتن همه یا بخشی از زمین هایشان، توانست این پارک را در آن قسمت ایجاد کند.



انتشار خبر گشایش
پارک و بلوار آینه
خانه در سال ۱۳۵۳

تغییرات چهارباغ

گذر چهارباغ که در زمان صفویه ساخته شده، یکی از مهم‌ترین معابر مرکزی شهر اصفهان محسوب می‌شود و محله‌های شرقی و غربی چهارباغ و شمال و جنوب زاینده‌رود را به مرکز شهر و میدان نقش جهان متصل می‌کند. این گذر با وجود اینکه در دهه ۵۰ پرتردد بود، اما وضعیت مناسبی نداشت. چون وسط آن شنی بود و به جز محل عبور و مرور ماشین که آسفالت‌کشی شده بود، بقیه قسمت‌های آن برای تردد وضعیت مناسبی نداشت؛ به همین دلیل و برای بهبود تردد در یکی از پررفت‌وآمدترین خیابان‌های شهر، در دهه ۵۰ در زمان تصدی شهرداری توسط محمد مانی، بلوک فرش پیاده‌رو وسط خیابان چهارباغ از دروازه دولت تا سی‌وسه‌پل انجام شد.

منطقه صنعتی شاپور جدید

طرح منطقه صنعتی شاپور جدید در دهه ۵۰ و در زمان مهندس آزمایش اجرایی شد. خیابان شاپور قدیم که از پل فلزی شروع می‌شد و تا فلکه صارمیه ادامه داشت، پرازگاراژهایی بود که ماشین‌های سنگین و کامیون‌ها برای تعمیرات و دریافت خدمات تعمیرگاهی به آنجا تردد داشتند و همین امر موجب می‌شد ترافیک و مشکلات زیادی برای اهالی این قسمت از شهر به وجود بیاید؛ بنابراین شهرداری به این نتیجه رسید که با فراهم کردن مکانی، تمام گاراژه‌های این منطقه از شهر را جابه‌جا کند؛ در نتیجه شهرداری اصفهان، زمین‌های دهنورا تفکیک و پلاک‌بندی و آن‌ها را به قطعات بزرگ سه‌هزارمتری و چهارهزارمتری تقسیم کرد.

بعد از آن به گاراژداران اعلام شد که باید به منطقه جدید نقل مکان کنند. با وجود مخالفت‌ها و مقاومت‌هایی که در این باره از سوی تعمیرکاران و گاراژداران صورت گرفت، در نهایت آن‌ها مجبور شدند تعمیرگاه‌های خود را از خیابان شاپور قدیم به منطقه شاپور جدید منتقل کنند.

گسترش شمال شهر اصفهان

در دهه ۵۰ شمال شهر اصفهان گسترش زیادی پیدا کرد؛ به گونه‌ای که گسترش و ایجاد خیابان کاوه، خیابان جابر انصاری، شهرک خانه اصفهان، شهرک ملک‌شهر، خیابان نگارستان و برازنده تا شمال اتوبان فرودگاه در این زمان اتفاق افتاد؛ همچنین در شرق خیابان سروش هم خیابان‌کشی‌های زیادی انجام شد و خیابان‌هایی مثل حکیم شفائی، صدر خجند (عسگریه فعلی) و آل خجند در این دوره به وجود آمدند. این نکته را باید در نظر گرفت که در دهه ۴۰ شرق خیابان بزرگمهر و دهه ۵۰ شرق خیابان سروش توسعه پیدا کرد.

احداث شهرک ملک‌شهر

در دهه ۵۰ موضوع تأمین مسکن برای قشر متوسط شهری در دستور دولت‌ها قرار گرفت؛ اما اجرای آن برعهده بخش خصوصی بود. در ملک‌شهر فردی به اسم محمدقلی ملک‌پور زمین‌های این منطقه را خریداری کرد و طرح ساخت شهرک را به کمیسیون ماده ۵ و شورای عالی شهرسازی ارائه داد؛ به این صورت که زمین‌های زراعی و کشاورزی و زمین‌های روستایی را خریداری کند و تغییر کاربری دهد. نهایتاً این طرح تصویب و شهرک ملک‌شهر در دهه ۵۰ ساخته شد. در آن زمان، ملک‌پور در نظر داشت که ملک‌شهر شکل تفریحی و گردشگری پیدا کند. به همین دلیل است که این شهرک مورد استقبال مردم قرار گرفت. در آن زمان برخلاف محله‌های قدیمی شهر که فضای سبز و پارک وجود نداشت، در شهرک‌ها، این فضا سازی انجام می‌شد؛ به همین خاطر ملک‌شهر در آن زمان معروف شد.

به‌طور کلی سازندگان این شهرک‌های جدید، سعی داشتند اسلوب شهرسازی مدرن را پیاده و مشخص کاربری هر پلاک را از نظر تجاری، آموزشی، مسکونی، بهداشتی و فرهنگی مشخص کنند.

نهایتاً در اسفند ۱۳۵۲ کلنگ احداث ملک‌شهر به زمین خورد و ساخت‌وساز در آن با سرعت زیادی انجام شد؛ این منطقه به گونه‌ای مورد استقبال قرار گرفت که خانه‌هایی را که هنوز ساخته نشده بود، توانستند پیش فروش کنند.

احداث شهرک خانه اصفهان

در جنوب غربی ملک شهر، شهرک خانه اصفهان قرار دارد. کلنگ‌زنی این شهرک چند ماه بعد از ملک شهر و بر مبنای طرح ارگانیک، یعنی در فروردین ۱۳۵۳ و ساخت آن توسط مهندس فرمانفرما انجام شد. او به واسطه آشنایی که با کیان پور، استاندار وقت اصفهان داشت، به اصفهان آمد و طرح ساخت شهرک خانه اصفهان را ارائه داد و آن را ساخت. گفتنی است خانه اصفهان در جوار روستایی قدیمی به نام «کوجان» و ملک شهر هم در کنار روستایی به نام «بهرام‌آباد» به وجود آمدند؛ به طوری که این روستاها در بافت جدید حل و اکنون به یکی از محله‌های اصفهان تبدیل شده‌اند.



ساختمان شهرک
ده هزار نفری خانه
اصفهان آغاز شد
روزنامه اصفهان
سال ۱۳۵۳

چگونگی شکل‌گیری خیابان رباط

همانطور که قبلاً هم گفته شد مهندس عبدالحسین ملک‌التجار، مهندس عمران و کسی بود که در دهه ۳۰ در زمان احداث ساختمان شهرداری مرکزی مهندس ناظر آن بود و همچنین ساخت ساختمان‌های دانشگاه اصفهان را نیز برعهده داشت. او در دهه ۵۰ مجموعه‌ای از خانه‌ها و آپارتمان‌ها را به نام مجموعه مهندسین در خیابان رباط نرسیده به خیابان جابرانصاری ساخت.

در زمانی که مهندس آزمایش شهردار اصفهان بود، شهرداری به ملک‌التجار اطلاع داد که قرار است خیابان رباط آزاد خواهد شود و بر همین اساس مهندس آزمایش از او درخواست کرد که خیابان‌سازی و آسفالت‌کشی این خیابان را برعهده بگیرد؛ در نتیجه ملک‌التجار به‌عنوان خودیاری از میدان دروازه تهران (میدان جمهوری اسلامی کنونی) تا خیابان جابرانصاری را خیابان‌کشی کرد؛ بدین ترتیب اتصال شهر با شمال آن فراهم شد.

ایجاد مجموعه اداری

یکی دیگر از کارهایی که شهرداری قصد انجام آن را داشت، تمرکز ادارات و سازمان‌های دولتی در یک مجموعه ساختمانی یا در یک محل خاص بود تا نیاز نباشد مردم برای انجام کارهایشان به نقاط مختلف شهر بروند. قرار بود ایجاد ساختمان‌های اداری متمرکز در منطقه فردوان (پارک قلمستان کنونی) انجام شود؛ بنابراین شهرداری طرحی برای ساخت آن ارائه داد و بر اساس قانون نوسازی، اقدام به آزادسازی و تملک زمین‌های آن منطقه کرد؛ البته اهالی و ساکنان محل مخالف ایجاد مجموعه اداری در آنجا بودند و با آن به مخالفت

برخاستند؛ چون بخشی از این زمین‌ها موقوفه امام‌رضا(ع) بود؛ ولی با توجه به اینکه زمان شروع پروژه با انقلاب مصادف شد، این پروژه هم به تعویق افتاد و انجام نشد و بعد از انقلاب هم برخی دیگر از ادارات مثل راه و شهرسازی، بخشی از این زمین‌ها را برای خود برداشتند.

دراین بین چون شهرداری زمین‌های اینجا را به مالکیت خود درآورده بود، برای اینکه سایر ادارات و ارگان‌ها کاری مشابه اداره راه و شهرسازی انجام ندهند، از فرصت استفاده کرد و مابقی آن را به پارک و فضای سبز تبدیل کرد. اکنون پارک قلمستان که در جنب خیابان امام خمینی است، بازمانده این طرح است.

احداث میدان دروازه تهران

از اقدامات مهم انجام شده در دهه ۵۰، طرح میدان جمهوری در ابعاد زمینی با شعاع ۵۰ متر بود. مسئولان با اجرای این طرح درنظر داشتند منظر مناسبی برای ورودی شهر اصفهان طراحی شود. آن زمان خیابان رباط ورودی اصفهان بود، اما جلوه خوب و مناسبی نداشت.

از طرف دیگر به دلیل اینکه در اطراف خیابان رباط هم زمین کشاورزی واقع شده بود، در زمان آبیاری این زمین‌ها، به دلیل اختلاف سطح بین زمین‌ها و جاده، آب به خیابان سرازیر می‌شد که برای ورودی شهر منظر بسیار بدی داشت. بنابراین نیاز بود خیابان جدیدی کشیده شود تا ورودی شهر، سیمای بهتری پیدا کند؛ به همین خاطر خیابان انوشیروان (امام خمینی فعلی) را ایجاد کردند تا ورودی شهر از خیابان رباط به این خیابان منتقل شود.



احداث میدان دروازه
تهران در دهه ۵۰ برای
پیچود سیمای ورودی
شهر اصفهان

یکی از موضوعات حائز اهمیت در دهه ۵۰ تشکیل اتاق اصناف و نظارت بر صنوف مختلف بود. تا قبل از این، شهرداری وظیفه داشت بر واحدهای صنفی مختلف نظارت کند و برای هر واحد صنفی با اخذ عوارض از آن‌ها، پروانه کسب صادر کند. اما نهادی به اسم اتحادیه صنفی وجود نداشت. وقتی قانون تشکیل اتاق اصناف به تصویب رسید، اصناف از تحت نظارت شهرداری‌ها خارج و به وزارت بازرگانی منتقل شدند. متعاقب آن، هر صنف ملزم شد اتحادیه مربوط به خودش را تشکیل دهد و ذیل هر اتحادیه، صلاحیت افرادی که درخواست کسب مجوز برای راه‌اندازی واحد صنفی را داشته باشند، بررسی و تأیید کند.

در نتیجه این اقدام، شهرداری برخی از اختیارهای سابق خود را از دست داد و تنها ارتباطی که از این پس با واحدهای صنفی داشت، همان عوارضی بود که می‌توانست به صورت سالانه دریافت کند.

این تغییر و تحول، بر نحوه اخذ عوارض شهرداری هم تأثیر گذاشت؛ چون بسیاری از کسبه که پروانه خود را از شهرداری می‌گرفتند، به صورت سالانه و به موقع عوارض واحد صنفی خود را پرداخت نمی‌کردند؛ بلکه تا زمانی که نیازی به تغییر یا تجدید مجوز خود نداشتند، به شهرداری مراجعه نکرده و عوارض نمی‌دادند. اما با تغییر قانون، این وضعیت تغییر کرد. زیرا هر واحد صنفی نه فقط دیگر در زمان اخذ مجوز جدید، بلکه به صورت سالانه مجبور عوارض واحد صنفی خود را به شهرداری بپردازند.

ایجاد کانون پرورش فکری

یکی از کارهای اثرگذار فرهنگی انجام شده در دهه ۵۰، تشکیل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بود که در این میان شهرداری وظیفه داشت سرانه زمین به آن‌ها اختصاص دهد. در همین راستا، شهرداری اصفهان حدود ۳۰ قطعه زمین برای ایجاد کتابخانه به اداره فرهنگ و هنر اختصاص داد. با راه‌اندازی مراکز ویژه برای کتابخانه و توجه بیشتر به امور فرهنگی هنری، کودکان و نوجوانان می‌توانستند در ایام فراغت به آنجا مراجعه کنند.

تاکید شهرداری بر رعایت ارتفاع ۱۲ متر در ساخت‌وسازها

در دهه ۵۰ و با اجرای طرح جامع ارگانیک، مصوب شد که باید بیشترین ارتفاع در محدوده شهری ۱۲ متر و در حریم رودخانه و بافت تاریخی هم بسته به موقعیت، ۹ تا ۱۲ متر باشد و نباید از آن تخطی شود. مهندس آزمایش در دوره‌ای که بر شهرداری اصفهان تصدی داشت، در خصوص رعایت ارتفاع و همچنین کاربری زمین‌ها در حریم رودخانه و بافت تاریخی حساسیت زیادی به خرج می‌داد و به‌رغم توسعه و تعریض خیابان‌هایی مثل خیابان پروین، دروازه‌تهران و خیابان جابرانصاری، درباره ارتفاع و کاربری تعریف‌شده تساهل نشان نمی‌داد. یک نمونه از این برخوردهای غیرتساهل‌آمیز، مربوط به زمین محمدعلی امین، رئیس کارخانه روغن نباتی ناز و عضو انجمن شهر اصفهان بود. او محلی را در حوالی پل خواجو و ابتدای خیابان آبشار (پشت اتاق بازرگانی فعلی) برای ساخت مجتمع مسکونی خریداری کرد و طرحی ارائه داد که بتواند از حداکثر زمین استفاده کند؛ بر همین اساس، ارتفاعی که در طرح بنای او آمده بود، بیش از ضابطه، یعنی بیش از ۱۲ متر بود؛ اما زمانی که مهندس آزمایش طرح و نقشه ساختمان او را دید، اجازه بلندمرتبه‌سازی بیش از ارتفاع مصوب را به او نداد و مانع آن شد. بعداً با تغییراتی در نقشه‌ها، این مجموعه مطابق با آنچه مورد تایید مهندس آزمایش بود اجرایی شد.

هتل کوروش با ارتفاعی بالاتر از ۱۲ متر

با این حال در ارتباط با ضوابط ارتفاعی در حریم رودخانه، یک مورد استثنا هم وجود دارد و آن ساخت هتل کوروش (هتل کوثر فعلی) است. در همین دوره، هتل کوروش با طرحی که در آن ساختمان آن بیش از ارتفاع ۱۲ متر ارتفاع داشت، توانست پروانه ساخت را اخذ کند. در آن زمان سیاست دولت توسعه گردشگری در شهرهای مستعد بود. به همین منظور در اصفهان نیز که یکی از همین شهرها به حساب می آمد، نیاز بود برای توسعه گردشگری و افزایش توریسم هتل های چندستاره ایجاد کنند. به همین دلیل بود که دستور ساخت هتلی با ارتفاع بیش از ۱۲ متر در کنار رودخانه زاینده رود داده شد تا با داشتن استانداردهای جهانی و بین المللی بتواند به رویکرد گسترش توریسم کمک کند. اما مهندس آزمایش به عنوان شهردار وقت اجازه نداد این بنا که ارتفاع مصوب را نقض می کند، ساخته شود. اما دستوری که مستقیماً از سمت دربار صادر شد، توقف ساخت هتل را لغو کرد و بنا به دستور شاه، این هتل برخلاف ضوابط در کنار رودخانه ساخته شد. قرار بود در مجاورت این محل در ضلع جنوبی پل آذر، هتل پنج ستاره دیگری نیز توسط یک فرد هندی ایرانی تبار به نام آقاخان محلاتی که بیشتر ابنیه تاریخی هند توسط این شخص مرمت شده بود، ساخته شود. نقشه این هتل پنج ستاره هم در آمریکا تهیه و آماده اجرا شده بود. اما با دگرگون شدن اوضاع سیاسی کشور و تحولاتی که بوجود آمد و متعاقب آن وقوع انقلاب اسلامی، این کار به سرانجام نرسید.



نمایی از هتل کوروش
(هتل کوثر فعلی)
در دهه ۵۰ بعد از
ساخت

توسعه بیمارستان خورشید

در دهه ۵۰ شهرداری با اعتبار و پول دانشگاه علوم پزشکی اصفهان شرایط را برای توسعه جنوب بیمارستان خورشید فراهم کرد؛ به این صورت که با اعتباری که دانشگاه علوم پزشکی اصفهان داد، شهرداری توانست زمین‌های کنار بلوار هشت بهشت را با رعایت قانون نوسازی و عمران شهری خریداری کند و آن‌ها را برای توسعه این بیمارستان به دانشگاه علوم پزشکی اختصاص دهد.

مرکز فرهنگی امیرقلی امینی

یک اتفاق فرهنگی مهم که در این دهه رخ داد، ایجاد مرکز فرهنگی امیرقلی امینی بود. در سال ۱۳۵۶ امیرقلی امینی نامه‌ای به مهندس آزمایش، شهردار وقت اصفهان نوشت و در آن درخواست کرد که خانه خودش را به شهرداری اهدا کند. این خانه از نظر میراثی ارزش بسیاری زیادی داشته و دارد. زیرا در جای جای این



تصویری از امیرقلی
امینی به همراه
خانواده در محل
زندگی‌اش

خانه که یادگار دوران عضویت امیرقلی امینی در انجمن بلدیه بود، تابلوها، دستخط‌ها و اشیای اهدایی قرار داشت که در زمان عضویت او در انجمن بلدیه و ادوار آن، به او هدیه داده شده بود و او این اشیاء و تابلوهای ارزشمند را در خانه خود همچون یک موزه نگهداری می‌کرد. امینی تمام لوازم و وسایل خانه را طی نامه‌ای که به شهرداری نوشت، فهرست و آن‌ها را به این نهاد اهدا کرد.

در زمانی که قرار شد این خانه به صورت رسمی و حقوقی به شهرداری تحویل داده شود، با موافقت او، اسم این خانه «مرکز فرهنگی امیرقلی امینی» نهاده شد. انتخاب این اسم هم به این دلیل بود که او به عنوان فردی صاحب روزنامه و مقاله‌نویس که مسئول روزنام «اخگر» و «اصفهان» بود، شهرت داشت و کتاب‌هایی همچون «امثال و حکم» و «فرهنگ عوام» را نیز نوشته و چندین کتاب دیگر هم ترجمه کرده بود. از طرف دیگر، روزنامه‌های «اخگر» و «اصفهان»، یادگار دوران روزنامه‌نگاری اوست. از این نظر، امیرقلی امینی شخصیتی فرهنگی و یگانه برای اصفهان محسوب می‌شد.

نام‌گذاری خیابان‌ها با مشورت عباس بهشتیان

یکی از کارهایی که در دهه ۵۰ه انجام شد، نام‌گذاری خیابان‌های تازه‌تأسیس با مشورت و بر اساس اطلاعات عباس بهشتیان بود. خیابان جابرانصاری که الان معروف به خیابان جابر است، به این دلیل به این اسم نام‌گذاری شد که بنابه گفته عباس بهشتیان، خیابان مزبور، از زمین‌های یک ادیب، مورخ توانا و شاعر ماهر به نام حاج میرزا حسن خان جابری انصاری عبور می‌کرد؛ به همین خاطر عباس بهشتیان پیشنهاد داد آنجا را خیابان «جابر انصاری» نام‌گذاری کنند.

نمونه دیگری از پیشنهاد عباس بهشتیان مربوط به خیابان برازنده است و نام آن را از روی قناتی گرفتند که از شمال اصفهان تا دولت‌آباد امتداد داشت. این مسیر ابتدا به صورت یک جاده باریک بود که در زمان تصدی

محمد طاهری در شهردار منطقه ۷، این مسیر و ۹۰ درصد معابر منطقه حدفاصل اتوبان چمران در جنوب و جاده تاکسیرانی در شمال منطقه در عرض ۴۵ تا ۵۰ متر در طرفین نهرهای این منطقه، آزادسازی شد. خیابان کاوه نیز از فلکه آبخشان (شهدای فعلی) تا پل خورزوق راه باریکی در وسط محور فعلی بود که در آن زمان تعریض شد. گفتنی است برازنده یکی از مشاهیر اصفهان بود که به دلیل آشنایی با موسیقی و تدریس آن و همچنین نوشتن نت‌های معروف و همکاری با خوانندگان و هنرمندان آن روز به شهرت رسیده بود. از او حدود دوهزار و ۲۰۰ آهنگ و تصنیف برجای مانده که یکی از معروف‌ترین آن‌ها آهنگ معروف «به اصفهان رو» است که ملک الشعراء بهار شعر آن را گفته و تاج اصفهانی نیز آن را خوانده است.

عباس بهشتیان از زمان رضاخان علاقه‌مندی‌اش به نام‌گذاری معابر شهرداری را نشان داده بود و به دلیل اینکه با تاریخ شهر اصفهان و افراد سرشناس آن در حوزه‌های مختلف فرهنگ و هنر، آشنایی کامل داشت و همچنین به این دلیل که از سابقه تاریخی محله‌های اصفهان نیز مطلع بود، هر نامی که برای خیابانی پیشنهاد می‌داد، مورد قبول مسئولان شهرداری قرار می‌گرفت. او اعتقاد داشت که اصفهان شهر تاریخ است و می‌توان ردپای تاریخ را در جای‌جای آن مشاهده کرد؛ از این رو نام‌گذاری‌های معابر و شوارع می‌بایست بر اساس پیشینه تاریخی و جغرافیایی آن‌ها باشد. مثلاً عنوان «نشاط» را به این دلیل بر روی یکی از خیابان‌های اصلی اصفهان گذاشتند که سید عبدالوهاب نشاط اصفهانی ملقب به معتمدالدوله، از سیاست‌مداران، شاعران و خوشنویسان صاحب‌نام عصر قاجار که نخستین وزیر خارجه ایران نیز بود، در آن منطقه زندگی می‌کرد. یک مثال دیگر نیز، محله احمدآباد است که به دلیل سکونت احمدین عبدالملک عطاش در منطقه کهران به این نام معروف شده است. او از ادبا و بزرگان قرن پنجم هجری بود که علاوه بر تسلط بر حوزه مذهب و ادبیات، در خوشنویسی نیز شهرت داشت و نهایتاً هم به دست سلاطین سلجوقی کشته شد. نقل است در میدان مجسمه (میدان انقلاب فعلی) قرار بود جشن بزرگی برگزار شود و برای این

کار باید از روی پل سی‌وسه‌پل مهمات و ادوات سنگین ارتش را عبور می‌دادند که این عمل باعث تخریب و خسارت به پل می‌شد. لازم به ذکر است پادگان ارتش در جنوب زاینده‌رود قرار داشت و پل‌های جدید هنوز روی زاینده‌رود احداث نشده بود و ارتباط جنوب به شمال زاینده‌رود، فقط از طریق پل‌های تاریخی انجام می‌شد و این ادوات باید به ناچار از روی پل عبور می‌کردند. برای جلوگیری از وارد شدن ضایعه به این پل، عباس بهشتیان جلوی اولین تانکی که قصد عبور از روی پل را داشت دراز کشید و گفت هرکس می‌خواهد از روی پل بگذرد باید اول از روی نعش من عبور کند. امرای ارتش که غافلگیر شده بودند، این اتفاق را به تهران مخابره کردند و بلافاصله بعد از آن، یکی از امرای لشکری به اصفهان آمد و پس از مواجه شدن با بهشتیان و گفت‌وگو با او برنامه عبور ادوات زرهی از روی پل لغو شد.

آسفالت‌کشی معابر با طرح خودیاری

تا اواخر دهه ۴۰، یکی از وظایف شهرداری، شن‌ریزی معابر و خیابان‌ها بود؛ تا این زمان کوچه‌ها اکثراً گلی و خاکی بودند و به همین دلیل نیاز به شن‌ریزی داشتند؛ اما این کار مشکل دیگری را ایجاد کرد و آن این بود که شن‌ها موجب ناهمواری بیشتر کوچه‌ها و خیابان‌ها می‌شدند که شهرداری باید برای این مشکل چاره‌اندیشی می‌کرد. برای حل این مشکل در اوایل دهه ۵۰ از مردم برای خودیاری دعوت شد؛ به این صورت که اگر آن‌ها متری سه تومان به شهرداری خودیاری بدهند، شهرداری هم قول می‌دهد تمام کوچه‌های اصفهان را آسفالت کند. این کار علاوه بر اینکه موجب آسفالت‌کشی بسیاری از معابر و کوچه‌ها شد، روش خودیاری برای کمک به شهرداری را در انجام کارها کلید زد و در ادامه هم این روش ادامه پیدا کرد. این روش خودیاری از ابتدای زمان تشکیل بلدیه وجود داشت؛ اما نظام‌مندکردن این کار از نظر مالی از دهه ۵۰ شروع شد. در بند ۱۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری آمده است که شهرداری می‌تواند با تصویب انجمن

شهر هدیه بدهد که به این کار همیاری می‌گویند. بنابراین شهرداری در دهه ۵۰، توانست با این روش از مردم پول دریافت و آن را در آسفالت‌کشی معابر صرف کند.

طرح نیمه تمام باغ قوشخانه

مهندس آزمایش باتوجه به امکانات محدودی که در اختیار داشت، باغ قوشخانه را در طرح توسعه فضای سبز شهر قرار داد و قرار شد این باغ را که مالک خصوصی داشت، به قیمت هفت میلیون تومان بخرند تا اشخاص دیگری نتوانند آن جا را بخرند یا تفکیک کنند. این باغ یکی از باغ‌های معروف دوره صفویه است که در آن بازهای شکاری را برای شکار تربیت می‌کردند. باغ قوشخانه در مالکیت یکی از آقایان مشیر فاطمی به اسم میرزا احمدخان مشیر فاطمی قرار داشت که این ملک را خریداری کرده بود. قرار بود شهرداری این باغ را تملک و به پارک تبدیل کند که با وقوع انقلاب اسلامی این پروژه هم به تعویق افتاد و کنار گذاشته شد؛ اما نهایتاً این باغ به صورت توافقی و به مبلغ چهار میلیون از طرف شهرداری در زمان تصدی مهندس سید حسین علوی نیا، اولین شهردار بعد از انقلاب (منصوب دولت موقت) خریداری شد.

طرح گورستان باغ رضوان

در اواخر سال ۵۶ به دلیل اختلاف نظر و درگیری مهندس آزمایش با انجمن شهر، او از سمت شهردار اصفهان استعفا داد و به ریاست سازمان انرژی اتمی اصفهان منصوب شد. آن زمان صحبت از احداث گورستان جدید برای شهر بود. زمان که مهندس آزمایش به سازمان انرژی اتمی رفت، برای احداث این گورستان جدید کمک بزرگی به شهرداری اصفهان کرد. او در این دوره بخشی از زمین‌های انرژی اتمی، قطعه زمین بزرگی را برای ساخت گورستان فعلی اصفهان که به باغ رضوان معروف است، به شهرداری تخصیص داد تا بتوانند این گورستان را در آنجا بسازند. بنابراین باغ رضوان با اسلوب جدید و در زمان مهندس علوی نیا

و توسط مهندس افراسیابی طراحی و ساخته شد. زمین‌های انرژی اتمی به اندازه‌ای بزرگ و وسیع بود که نه تنها باغ رضوان در آن ساخته شد، بلکه بعداً میدان میوه‌وتره‌بار و همچنین دانشگاه آزاد اصفهان نیز در آن ایجاد شدند.

تشکیل انجمن‌ها و شوراهای محلی

پس از وقوع انقلاب اسلامی و تحت تأثیر فضایی که در آن روزها وجود داشت، لازم بود تا مشارکت مردم در مدیریت شهری گسترده‌تر شود. در سال ۱۳۵۸ و در زمان مهندس علوی‌نیا، انجمن‌ها و شوراهای محلی تشکیل شدند و از مجموع افرادی که در این شوراهای محلی عضو بودند، شورای شهر را هم تشکیل دادند. نحوه شکل‌گیری این انجمن‌ها به این صورت بود که از هر محله، تعدادی افراد برای عضویت در شورای محله انتخاب می‌شدند. در مرحله بعد از هر شورای محله، یکی دو نفر وارد شورای منطقه شده و از بین این افراد نیز چند نفر را از هر منطقه برای شورای شهر برمی‌گزیدند. این سازوکار تشکیل شورای شهر موجب می‌شد مردم از همه نقاط شهر در شورای شهر نماینده داشته باشند. این یک مکانیسم ابتکاری برای تشکیل شورای شهر بود و بر این اساس شورای شهر در آن دوره، حدود ۱۳ تا ۱۵ عضو هم داشت. شایان ذکر است، قبل از انقلاب، شهرداری اصفهان شش ناحیه داشت که بعد از انقلاب در سال ۵۸ یک منطقه دیگر نیز به آن اضافه و شهرداری اصفهان، دارای هفت ناحیه شد.

خریدهای توافقی

پس از انقلاب هنوز قانون لایحه خرید املاک از طرف شورای انقلاب ابلاغ نشده بود و در خرید املاک همچنان بر اساس قانون نوسازی عمل می‌شد. یعنی در جایی که قرار بود خیابان‌کشی شود، طبق روال قبل باید آزادسازی صورت می‌گرفت و املاک و زمین‌های مردم خریداری می‌شد؛ اما در زمان مهندس علوی‌نیا،

به جای اینکه زمین‌ها بر اساس گفته کارشناسان و مهندسان شهرداری قیمت‌گذاری شود، کار به این صورت پیش رفت که اطلاعات پلاک‌ها را به یک کمیته می‌دادند و در این کمیته با حضور نمایندگان مردم و مالکان پلاک‌ها، بر سر قیمت توافق صورت می‌گرفت یا این‌گونه بود که به جای کمیسیون به برخی از افراد به عنوان نماینده شهرداری، اختیارات بیشتری می‌دادند تا با مردم توافق کنند. این کار موجب می‌شد خریدهای توافقی طی یک فرایند سریع انجام شود.

جمع‌بندی

دهه ۵۰ میراث‌دار طرح‌هایی بود که در دهه ۴۰ در کل ایران و مخصوصاً اصفهان تدوین و اجرا شد. اجرای برنامه عمرانی سوم در اواسط دهه ۴۰ که توسعه صنعتی را محور خود قرار داده بود و تدوین طرح جامع ارگانیک که توسعه شهر را برای اصفهان در نظر داشت، موجب شد شهر اصفهان در دهه ۵۰ به سمت چشم‌انداز یک شهر توریستی گردشگری و یک شهر صنعتی حرکت کند. فعالیت بیشتر شهرداری در گسترش اصفهان به سمت شمال از نظر شهرک‌سازی و خیابان‌کشی از یک سو و همچنین رسیدگی به بافت‌های تاریخی و فضا‌سازی برای ایجاد گردشگاه‌ها نشان از اتخاذ همین رویکرد در این دهه دارد. در کنار آن باید در نظر داشت که افزایش درآمدهای دولتی ناشی از جهش قیمت نفت، در توسعه صنعتی پرسرعت در این دهه اثر بسیار زیادی داشت و موجب شد ایران به یک‌باره جهش زیادی را در صنعت تجربه کند که خود این مسئله نیز تأثیرات مستقیمی بر تغییر طبقات اقتصادی و بافت جمعیتی شهرها داشت و از سویی دیگر آروزی‌های بزرگی را در ذهن مجریان و مسئولان بوجود آورد تا بتوانند با تغییر چهره شهرها و توسعه آن‌ها، کشور را به تدریج از دروازه تمدن بزرگ عبور دهند.

ماشین‌های
آتش‌نشانی در پشت
ساختمان شهرداری
اصفهان
دهه ۵۰



نمایی از پارک ملت
(فرح سابق) بین
سی‌وسه‌پل و پل
فلزی
دهه ۵۰





سیاه و سفید

در تاریخ شهرداری اصفهان، دهه ۶۰ دهه‌ای پر از تلاش و فعالیت به حساب می‌آید. بسیاری از کارهای اساسی و ماندگار در شهر اصفهان مثل توسعه بوستان‌های حریم زاینده‌رود یا ایجاد پارک صفا، انتقال گورستان شهر به باغ رضوان، ساخت باغ غدیر، تاسیس پایانه‌های مسافرتی و آغاز پروژه قطار شهری در این دهه اتفاق افتاد. از طرف دیگر در این دهه سنگ‌بنای رویکردهایی گذاشته شد که پیامدهای آن سال‌ها بعد خود را نشان داد. استقلال مالی شهرداری و تاکید بر درآمدزایی یکی از همین رویکردهاست که عواقب آن چند دهه بعد خود را نشان داد.

مشارکت با مردم در راستای توسعه شهر

یکی از دلایل پر فعالیت بودن شهرداری اصفهان در دهه ۶۰، ترغیب مردم به مشارکت و توافق با آن‌ها در انجام فعالیت‌های عمرانی شهر و توسعه آن بود. اگرچه آن زمان انتخاباتی نبود و شورای شهری برگزار نمی‌شد، شهرداری اصفهان به‌طور خودجوش جمعی از معتمدان و نخبگان محله‌ها را دور هم جمع کرد تا به این نهاد برای انجام کارها در امور محلی کمک کنند؛ به‌عنوان مثال، برای ایجاد خیابان‌های جدید مثل خیابان‌های زینبیه و برزان، خیابان‌های دور شهر یا قسمتی از خیابان باغ‌گلدسته از همین نخبگان کمک گرفتند؛ کمک آن‌ها به شهرداری این بود که با مالکان و صاحب‌خانه‌های پلاک‌هایی که در مسیر ایجاد خیابان‌ها قرار داشت، صحبت و با آن‌ها توافق می‌کردند؛ سپس بر اساس توافقی که صورت می‌گرفت، فهرستی تنظیم کرده تا شهرداری بر اساس آن، هزینه لازم برای آزادسازی ملک را به مالکان بپردازد یا به آن‌ها زمین معوض بدهد؛ بنابراین از طریق این سازوکار، شهرداری همکاری مردم را جلب کرد و به تعبیر دیگر، کار مردم را به دست خود مردم انجام داد.

تغییر محل گورستان شهر از تخت فولاد به باغ رضوان

تا قبل از ایجاد باغ رضوان به عنوان گورستان اصلی اصفهان، مردم پیکر اموات خود را در تخت فولاد دفن می‌کردند. ایراد گورستان تخت فولاد این بود که در میان بافت‌های مسکونی آن بخش از شهر اصفهان واقع شده و باید به جای دیگری منتقل می‌شد. ایده انتقال گورستان از محل تخت فولاد اولین بار در سال ۱۳۴۴ و در زمان تصدی تیمسار وحدانیان در شهردار اصفهان، مطرح شد. متعاقب آن وزارت کشور در سال ۱۳۴۶ دستورالعمل پارک گورستان را به استانداری اصفهان ابلاغ کرد و به دنبال آن، نقاط مختلف برای ایجاد گورستان جدید در نظر گرفته شد. اولین جایی را که شهرداری برای آن در نظر گرفت، قطعه زمینی در مقابل کارخانه قند اصفهان در جاده نائین بود.

سال ۱۳۵۰ در زمان تیمسار رضانیا، قطعه زمین دیگری برای این کار پیشنهاد شد که متعلق به اداره مسکن و شهرسازی بود. این اداره نیز از شهرداری درخواست کرد که در قبال واگذاری زمین مورد نظر، باید هزینه آن را به وزارت مسکن و شهرسازی پرداخت کند. یعنی آن را از وزارت مسکن و شهرسازی بخرد. اما به دلیل عدم توان مالی شهرداری در پرداخت مبلغ مذکور، این مسئله هم مسکوت ماند. بعد از آن و در سال ۱۳۵۲ در زمان مهندس مانی، شهرداری قطعه زمین دیگری در فاصله ۲۵ کیلومتری جاده اصفهان شیراز برای ساخت قبرستان در نظر قرار گرفت که به دلیل بُعد مسافت، از آن صرف نظر شد. در سال ۱۳۵۴ به دنبال پیگیری‌های شهرداری برای تأمین زمین گورستان، قطعه زمینی در اراضی نهر هاشم در جاده دولت‌آباد و قسمتی که در حال حاضر محل پایانه شرکت واحد و ورزشگاه بزرگ فعلی اصفهان است، در نظر گرفته شد که این پیشنهاد هم مورد قبول واقع نشد.

در زمان تصدی مهندس آزمایش، پیشنهاد واگذاری زمین در ۳۰ کیلومتری جاده اصفهان نائین، مقابل اراضی کارخانه مهر کوپا داده شد که اداره منابع طبیعی فقط به صورت اجاره‌ای، اجازه واگذاری این

زمین را با مبلغ اعتباری ۴۰ میلیون ریال داد. در زمان تصدی آتامان غنی‌زاده در سال ۱۳۵۶، زمین مذکور به علت نامساعد بودن شرایط اقلیمی که موجب فروریختن دیواره قبور می‌شد و همچنین کویری بودن آن منطقه، مورد مخالفت روحانیون و جامعه مذهبی قرار گرفت و نهایتاً طرح واگذاری زمین فعلی باغ رضوان به اداره سرچنگلداری پیشنهاد و در سال ۱۳۵۷ شرحی برای کسب مجوز شرعی به منظور احداث گورستان جدید در این محل به حوزه علمیه اصفهان نوشته شد.

همانطور که قبلاً گفتیم، بعد از انقلاب، در زمان تصدی مهندس علوی‌نیا در شهرداری اصفهان، قرار شد ۳۶۰ هکتار از زمین‌های انرژی اتمی که آن زمان مهندس آزمایش ریاست آن را برعهده داشت، برای ساخت گورستان جدید، استفاده شود. این زمین‌ها به دلیل دسترسی خوب و امکانات مناسب و دارابودن زیرساخت‌های برق و کانال آب و تسهیلات ایاب و ذهاب از هر نظر برای گورستان مناسب بود. در نتیجه این زمین‌ها به شهرداری اصفهان واگذار شد و شهردار نیز فوراً دستور تهیه نقشه ساخت آن را صادر داد. نقشه معماری آن را مهندس افراسیابی به عنوان مسئول دفتر فنی هماهنگی شوراها و نقشه‌های اجرایی آن را مهندس بهمن حقیقی تهیه کرد و به دنبال آن عملیات اجرایی شروع شد. شهرداری مسئولیت اجرای این پروژه را نیز بر عهده مهندس حقانی، رئیس سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری قرار داد.

به طور کلی ایجاد گورستان جدید و انتقال آن از تخت فولاد چندین علت داشت. یکی از این علل این بود که گورستان قدیمی تخت فولاد از دفن اجساد انباشته و اطراف آن هم ساخت‌وساز انجام و در مجاورت بافت مسکونی شهری واقع شده بود؛ علت دیگر نیز آن بود که در آن زمان، برخی از تکایای تخت فولاد به محلی برای پاتوق اراذل و اوباش و معتادان و قماربازان تبدیل شده بود و فسق و فجور اخلاقی زیادی در آن اتفاق می‌افتاد؛ حتی بعضی از کسانی که در غسلخانه تخت فولاد کار می‌کردند،

آغاز طرح انتقال
گورستان از داخل
شهر به باغ رضوان



به دلیل اینکه خودشان هم اعتیاد داشتند، اجازه رفت و آمد را در این تکایا به افرادی می دادند که در کار توزیع و مصرف مواد مخدر بودند. بنابراین تغییر محل دفن اموات از تخت فولاد به باغ رضوان موجب می شد بسیاری از معضل های ذکر شده، مرتفع و کسب و کار بسیاری از ایادی تکیه بان ها که با اراذل و اوباش و معتادان همکاری می کردند، مختل شود.

زمین هایی که از انرژی اتمی برای باغ رضوان گرفته شد

گفتنی است مهندس رضا آزمایش که هم زمان با انقلاب اسلامی به ریاست سازمان انرژی اتمی اصفهان منصوب شد، قطعات وسیعی از زمین های انرژی اتمی را در اختیار شهرداری اصفهان قرار داد تا فضای لازم برای احداث گورستان جدید فراهم شود.

مقدمات اجرای گورستان مثل طراحی پروژه تا زمان روی کار آمدن محمد حسن ملک مدنی در شهرداری اصفهان ادامه داشت. وقتی کار احداث گورستان به مقدار زیادی پیش رفت، با وجود عدم اتمام کامل پروژه، ملک مدنی شهردار جدید اصفهان در اردیبهشت سال ۱۳۶۴ مجوز دفن

اجساد را در تخت فولاد لغو کرد و دستور داد از این پس اجساد به جای تخت فولاد در باغ رضوان دفن شوند. این درحالی بود که غسالخانه باغ رضوان هنوز به طور کامل آماده نشده بود و غسل پیکر اموات در دو سوله مردانه و زنانه انجام می شد. حتی به روایتی در باغ رضوان، آب مناسب وجود نداشت و امور کفن و دفن را با آب تانکری که از اداره موتوری شهرداری، به باغ رضوان منتقل می کردند، انجام می شد. اما تعجیل در دستور دفن اموات در باغ رضوان موجب شد معضلات زیرساختی باغ رضوان و مشکلات ناشی از دفن در گورستان تخت فولاد نیز به سرعت برطرف شود.

استفقا برای باغ رضوان

در حاشیه شمالی زمین هایی هم که متعلق به انرژی اتمی بود، زمین های دیگری وجود داشت که برای زراعت استفاده می شد و ربطی به قلمروی گورستان جدید نداشت. در آن زمان برخی شایعه کرده بودند که زمین های باغ رضوان که محل جدید دفن مردگان شده، غصبی بوده و از کشاورزان به زور گرفته شده است؛ به همین دلیل مردم برای اینکه اجساد بستگان شان در باغ رضوان دفن نشود، آن ها را برای خاکسپاری به امامزاده های اطراف شهر مثل امامزاده سید محمد خمینی شهر یا امامزاده ابوالعباس خوراسگان می بردند.

شهرداری اصفهان برای حل این مشکل و رفع شبهه، از یکی از اشخاص معتبر و سرشناس شهر استفقا کرد. در آن زمان حجت الاسلام سید ابوتراب مرتضوی درجه، رئیس دادگستری اصفهان بود که با معاون فنی شهردار اصفهان، مهندس خراسانی نسبت خویشاوندی داشت؛ به همین منظور، از او درباره غصبی بودن یا غصبی نبودن زمین های این منطقه استفقا به عمل آمد. او در پاسخ گفت: «استفقا

شهرداری از زمین‌های باغ‌رضوان مشکلی ندارد؛ چون اراضی مذکور، جزو اراضی موات و در مقوله انفال و اموال عمومی محسوب می‌شود، در نتیجه ادعای مالکیت افراد بی‌اساس است.» از طرف دیگر، آیت‌الله خادمی و آیت‌الله طاهری که بین مردم اصفهان نفوذ و اعتبار داشتند، بر اساس دستخط‌هایی که منتشر کرده بودند، اجازه دادند گورستان از تخت فولاد به باغ‌رضوان منتقل شود؛ بعد از این فتواها، تا حد زیادی مشکل دفن اموات در باغ‌رضوان، حل شد و مردم برای دفن اموات خود در باغ‌رضوان متقاعد شدند. بنابراین همانطور که گفتیم متعاقب دستور ملک‌مدنی شهردار وقت، از ابتدای سال ۶۳ دفن اموات در باغ‌رضوان با سرعت شروع شد.

در ادامه شهرداری اصفهان بخش دیگری از زمین‌های اطراف آنجا را که مازاد بود، با طی تشریفات اداری و تصویب استاندارد وقت، تملک و میدان میوه و تره‌بار مرکزی اصفهان را در آنجا راه‌اندازی کرد و توسعه بخشید.

مشکل دانشگاه آزاد خوراسگان هم حل شد

زمین‌های وسیع انرژی اتمی که در اختیار شهرداری قرار گرفت توانست مشکل پراکندگی دانشگاه آزاد خوراسگان را برطرف و آن‌ها را یکپارچه کند. قبل از آن، دانشگاه آزاد خوراسگان در خیابان جی ساختمان‌های متعددی را به صورت پراکنده اجاره کرده و به همین دلیل مشکلات زیادی را برای مدیریت آن دانشگاه به وجود آورده بود. زمانی، رئیس وقت دانشگاه آزاد اصفهان وقتی متوجه شد که می‌تواند از زمین‌های انرژی اتمی که در اختیار شهرداری است، استفاده کند، طی مکاتبات و نامه‌نگاری با شهرداری و اجازه شهرداری برای واگذاری زمین‌ها، مابقی زمین‌ها را از شهرداری تملک کرد و آن‌ها را برای ساخت دانشگاه آزاد خوراسگان مورد استفاده قرار داد. به عبارت دیگر، همه زمین‌هایی که انرژی

اتمی در اختیار شهرداری قرار داد، از دانشگاه آزاد خوراسگان تا باغ‌رضوان مورد استفاده قرار گرفت.

ایجاد کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان

کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان که در خیابان باغ‌گلدسته ساخته شد، از جمله پروژه‌های مهمی بود که در دهه ۶۰ انجام شد. زمینی که این کتابخانه در آن ایجاد شده است، متعلق به مالک کارخانه روغن نباتی ناز، محمدعلی معین‌امین بود که قبل از انقلاب، در انجمن شهر عضویت داشت. او در نظر داشت در این بخش از زمین که ملک آبا و اجدادی اش، یعنی ملک امین‌التجار بوده و مخروبه شده بود، ساختمان مسکونی بسازد؛ اما اجرای این کار مصادف شد با شروع دوره شهرداری ملک‌مدنی در سال ۱۳۶۳. در یک طرف این زمین دبیرستان پسرانه ادب و در طرف دیگر آن، مدرسه دخترانه بهشت‌آئین و در جهت دیگر آن اداره‌کل آموزش و پرورش قرار داشت که پیش از این دانشسرای مقدماتی پسران بود. زمانی که ملک‌مدنی به شهرداری اصفهان آمد، به جهت حفظ کلیت فرهنگی بافت این منطقه دستور داد در این قسمت از شهر به جای ساخت آپارتمان‌های مسکونی، واحدهای فرهنگی ساخته شود تا مکمل این بافت فرهنگی باشد. به همین دلیل از طرف شهرداری اصفهان با امین به عنوان مالک این زمین‌ها مذاکره شد تا با او برای انتقال مالکیت این زمین در قبال دریافت اراضی معوض، توافق شود. او هم با این واگذاری موافقت کرد و شهرداری هم طرح ایجاد کتابخانه مرکزی را در این زمین در دستور کار قرار داد.

پارک‌های کنار رودخانه

یکی از شاخص‌ترین و مهم‌ترین کارهایی که در زمان ملک‌مدنی در اصفهان انجام شد، توسعه فضای سبز شهر اصفهان بود؛ با تلاش‌هایی که شهرداری در این دوره انجام داد، فضا سبز به

قدری گسترش پیدا کرد که در بسیاری از محله‌های اصفهان، پارک‌های محلی ایجاد شد. در این دوره بود که شهرداری طرح ایجاد پارک را در طول رودخانه زاینده‌رود کلید زد تا در دو طرف حاشیه رودخانه از پل شهرستان تا خیابان آتشگاه فقط فضای سبز گردشگری وجود داشته باشد. قبل از حضور ملک مدنی در شهرداری اصفهان در طول ۳۰ سال گذشته (از سال ۳۵ تا ۶۲)، فقط سه پارک در حاشیه زاینده‌رود ایجاد شده بود که عبارت بودند از: پارک ملت، آیین‌خانه و بوستان سعدی. اما در زمان ملک مدنی ایده اصلی این بود که اطراف زاینده‌رود پارک و فضای سبز به صورت گسترده و در امتداد طول رودخانه وجود داشته باشد؛ نه به صورت پراکنده. برای اجرا این کار لازم بود تا پلاک‌های موجود در مسیر دو طرف زاینده‌رود که از بالای پل شهرستان شروع و به آتشگاه ختم می‌شود، آزادسازی شوند؛ اما اینکه شهرداری تا چه فاصله‌ای از لبه رودخانه زاینده‌رود را باید آزاد کند، مسئله‌ای بود که مورد مناقشه قرار گرفت؛ شهرداری برای حل این معضل تصمیم گرفت بر اساس نقشه هوایی سال ۴۸ عمل کند و آن را ملاک خود قرار دهد. در سال ۴۸ زمانی که رودخانه زاینده‌رود طغیان کرده بود، مسئولان تصمیم گرفتند از آن تصاویر هوایی تهیه کنند. آب رودخانه در زمان طغیان، از بستر رودخانه خارج شده و داغ آبی را در اطراف بستر رودخانه ایجاد کرده بود؛ بنابراین تصمیم بر این شد تا جایی که داغ آب در تصاویر هوایی وجود دارد، به عنوان بستر واقعی رودخانه محسوب و آزادسازی‌ها تا لبه آن داغی انجام شود.

تالار شهری که هیچ وقت به سرانجام نرسید

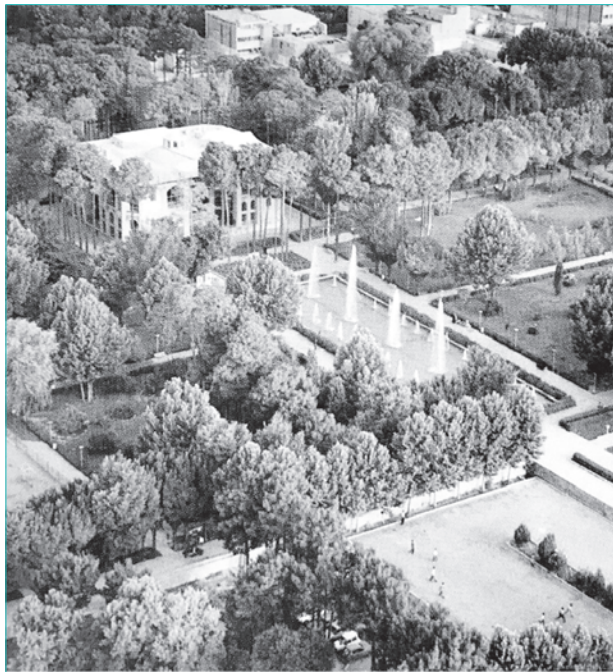
در دهه ۵۰ مالکیت برخی از کارخانه‌ها مثل پشم‌باف و وطن و زاینده‌رود، به خاطر بدهی‌هایی

که به بانک ملی داشتند، در اختیار هیئت تسویه این بانک قرار گرفت. در سال ۱۳۵۶ شخصی به اسم حسین حسین جواهری، کارخانه زاینده رود را که در تملک بانک ملی بود، خریداری کرد تا در زمین آن ساخت و ساز کند؛ اما استاندار وقت به شهرداری اصفهان پیشنهاد داد که بخشی از این زمین را با مساحتی معادل ۲۰ جریب، برای ساختن تالار بزرگ شهر از حسین جواهری خریداری کنند. این پیشنهاد مورد قبول شهرداری قرار گرفت و شهرداری بار رعایت قانون نوسازی و عمران شهری، ۲۰ جریب از این زمین را از حسین جواهری و معادل پنج جریب را از مالکی دیگر خریداری کرد؛ اما با وقوع انقلاب، اجرای طرح تالار شهر به تعویق افتاد و فقط تملک آن انجام شد؛ به گونه ای که در زمان ملک مدنی و با پیگیری هایی که در این زمان انجام شد، شهرداری توانست برای این زمین، به نام خود سندی شش دانگ دریافت کند.

اما در این میان اتفاق دیگری هم رخ داد. به دلیل تملک یکباره زمین کارخانه به وسیله شهرداری، کارخانه تعطیل و تعداد زیادی کارگر از کار بیکار شدند. بنابراین شهرداری اجرای طرح تالار شهر را تا پیدا کردن محلی جدید برای انتقال کارگران، به تعویق انداخت. نهایتاً کارخانه وطن به شهرک صنعتی محمودآباد منتقل شد و کارگران کارخانه زاینده رود را نیز بازنشست کردند تا مشکل حل شود؛ با این حال تشریفات این نقل و انتقال به قدری طول کشید که تصدی ملک مدنی در شهرداری اصفهان به پایان رسید و در دوره او، اجرای طرح تالار بزرگ شهر به نتیجه نرسید. بعد از آن و در زمان مهندس عظیمیان در دهه ۷۰، این زمین ها به ارگان دیگری به صورت هبه واگذار شد و متولی جدید هم این زمین ها را به خریدار بخش خصوصی به ثمن بخش فروخت؛ در حال حاضر نیز به جای تالار بزرگ شهر، در آن زمین ها مجتمع های مسکونی چند طبقه اشرافی ساخته شده است.

اجرای طرح توسعه پارک مرکزی شهر اصفهان

ازجمله کارهایی که اجرای آن در دهه ۵۰ متوقف شده بود، طرح توسعه پارک مرکزی شهر بود؛ اما در زمان ملک مدنی این پروژه دوباره راه اندازی شد. در این زمان لازم بود تعدادی از مغازه‌های روبه‌روی خیابان شیخ بهایی و همچنین حاشیه چهارباغ (نقطه‌ای که در حال حاضر پروژه احیای ضلع شرقی چهارباغ در آن اجرا شده است) آزاد شوند تا پارک شهید رجایی و همچنین عمارت هشت بهشت نمای بازی به سمت چهارباغ داشته باشند؛ اما در این میان و در زمان انجام آزادسازی‌ها سردر تاریخی باغ هشت بهشت که از آثار دوره قاجار بود و شهرداری می‌توانست آن را حفظ کند، فقط به این علت که کاخ هشت بهشت به چهارباغ دید داشته باشد، تخریب شد و یکی از مهمترین آثار تاریخی و میراثی شهر اصفهان از بین رفت.



ایجاد پارک
هشت بهشت به
عنوان پارک مرکزی
شهر در اواسط
دهه ۶۰

ماجرای حمام خسروآقا

ملک مدنی درباره حمام خسروآقا می‌گوید: «من اشتباه کردم که حمام خسروآقا را ترمیم و اصلاح نکردم تا بعدا نتوانند آن را خراب کنند.» تخریب این حمام در زمان عظیمیان در دهه ۷۰ اتفاق افتاد؛ نه در دوره ملک مدنی. شهرداری در نظر داشت امتداد خیابان استانداری به خیابان حکیم و در نهایت به خیابان عبدالرزاق متصل کند. اما به جای اینکه فضای دور حمام تاریخی صفوی را آزاد کند و خیابان را با کمی انحراف از کنار حمام عبور دهد، دست به اقدامی خسارت‌بار زد؛ به این صورت که شبانه و به شکلی مخفی این حمام تاریخی را که بر سر راه خیابان قرار داشت، تخریب کردند.

باغ غدیر چگونه ایجاد و توسعه داده شد؟

در ابتدای کار ملک مدنی در شهرداری اصفهان، مرحوم محمدرضا حکیمی، پژوهشگر بزرگ علوم اسلامی و وصی دکتر شریعتی، به اصفهان سفر کرد و در این سفر، ضمن صحبت‌هایی که با ملک مدنی انجام داد، به او پیشنهاد داد که شایسته است در اصفهان، شهر امامت و ولایت و محبان امام علی (ع)، باغی به اسم «باغ غدیر» دایر شود تا در آنجا بتوان معارف امیرالمؤمنین (ع) را انتشار داد. بعد از این گفت‌وگو، ملک مدنی احداث باغ غدیر را در دستورکار شهرداری اصفهان قرار داد؛ اما باید برای این باغ زمینی در نظر گرفته می‌شد. شهرداری بعد از بررسی زمین‌های موجود در شهر و حاشیه آن، نهایتاً به زمین‌هایی رسید که در بخشی از آن باغ غدیر فعلی ساخته شد. مالک این زمین‌ها، احمد صیرفی‌پور و اقدس صیرفی‌پور، فرزندان گاراژدار معروفی به نام حاج میرزا کریم صیرفی‌پور بودند. (قبلاً ذکر کردیم که حاج

میرزا عبدالکریم صیرفی‌ان پور در سال ۴۶ به مدیرعاملی اولین شرکت اتوبوس‌واحد شهرداری منصوب شد) صیرفی‌ان پور بزرگ این زمین‌ها را از خاندان کاشفی‌ها خریداری و به مزرعه و زمین‌های زراعی تبدیل کرده بود. قبل از انقلاب هم یک سرمایه‌گذار، تلاش داشت تا این زمین‌ها را که خارج از محدوده شهری واقع شده بود، خریداری و به شهرک مسکونی مثل خانه اصفهان و ملک‌شهر تبدیل کند و توسعه دهد که به دلیل وقوع انقلاب به سرانجام نرسید؛ با این حال مشخص بود که در آینده‌ای نه‌چندان دور، این زمین‌ها در حالتی که قرار داشت، باقی نخواهد ماند و با توسعه شهر، شهرداری مجبور خواهد شد آن‌ها را تملک کند. بنابراین شهرداری اصفهان تصمیم گرفت قبل از آنکه طرح توسعه‌ای در این قسمت از شهر اجرا شود، این زمین‌ها را خریداری و به محدوده شهر ملحق کند. بنابراین قرار بر این شد که ۳۰۰ جریب از این زمین‌ها از سوی خانواده صیرفی‌ان پور به صورت توافقی در اختیار شهرداری قرار گیرد تا هم باغ‌غذیر در آنجا ساخته شود و هم با استفاده از این اراضی و اراضی بخش دیگری که متعلق به مالکان دیگر بود، این قسمت برای اتصال به محله کردآباد توسعه پیدا کند.



نمایی از ساخت
مجموعه باغ‌غذیر در
سال ۶۷

بعد از آنکه ملک مدنی با تملک این زمین‌ها موافقت کرد، شهرداری با مالک آن وارد مذاکره شد و صیرفیان‌پور نیز با طرحی که شهرداری اصفهان داشت، موافقت کرد. در توافق‌نامه منعقدشده بین شهرداری اصفهان و صیرفیان‌پور، قرار شد باتوجه به اینکه ضابطه تفکیک این زمین‌ها بر اساس زمین‌های ۱۰ هزارمتری است و از طرفی هم خارج از محدوده شهری واقع شده، به نسبت افزایش قیمتی که باقی زمین‌های او پیدا خواهد کرد، شهرداری در آن زمین‌ها، برای صیرفیان‌پور پروانه تفکیک صادر کند. به عبارت دیگر، زمین‌های شمال باغ‌غدير تفکیک و درعوض، ۳۰ هکتار زمین هم در ازای ارزش‌افزوده قطعات تفکیکی مسکونی از خانواده صیرفیان‌پور گرفته شد.

پاسخ به یک شبهه

در زمان عظیمیان شبهه‌ای بین مردم شایع شده بود مبنی بر اینکه محل باغ‌غدير غصبی است و به زور از مالک آن گرفته شده و به همین دلیل نماز خواندن در آن مشکل شرعی دارد. برای حل مشکل و رفع شبهه، عظیمیان، از آیت‌الله مهدی مظاهری و آقای صیرفیان‌پور دعوت کرد تا در باغ‌غدير جلسه‌ای تشکیل دهند تا این شبهه مطرف شود.

در گفت‌وگویی که آیت‌الله مظاهری با صیرفیان‌پور داشت به او گفت: «می‌گویند اینجا را به‌زور از شما گرفته‌اند. آیا این صحت دارد؟» صیرفیان‌پور هم در جواب، این سخن را رد کرد و گفت: «اتفاقاً من با رضایت اینجا را واگذار کردم تا باقیات‌صالحاتی برای پدرم باشد؛ اضافه بر این، چاه آبی هم که در این زمین‌ها قرار دارد و همچنین یک انبار مصالح را برای ساخت‌وساز در باغ‌غدير به شهرداری واگذار کردم.» در پایان این جلسه دستخطی از صیرفیان‌پور مبنی بر تفاهم و توافق در واگذاری این زمین‌ها گرفته

و آن رضایت‌نامه در مساجد اطراف باغ غدیر توزیع شد تا این شبهه در بین مردم برطرف شود.

سایر اقدامات ملک‌مدنی در شهرداری اصفهان

ملک‌مدنی که به مدت ۷ سال مدیریت شهرداری اصفهان را برعهده داشت، کارهای فراوانی انجام داد. از مهمترین کارها در زمان ملک‌مدنی تقویت نظام درآمدی در شهرداری بود. در این راستا او از تمام ظرفیت‌های شهرداری استفاده کرد. به عنوان مثال می‌توان به ایجاد شهربازی و نحوه درآمدزایی شهرداری از آن اشاره کرد. در قراردادی که بین شهرداری و پیمانکار ساخت شهربازی منعقد شد، آمده بود طرف قرارداد و پیمانکاری که شهربازی را می‌سازد می‌تواند به مدت ده سال از سود شهربازی بهره‌برد و پس از انقضای این مدت، شهربازی باید به شهرداری تحویل داده شود. در زمان ملک‌مدنی کارخانه آسفالت صفه هم ایجاد شد و شهرداری توانست با ایجاد این کارخانه، هم محصول تولید کارخانه را به فروش برساند و از سود حاصل از فروش کارخانه اداره کند و همچنین پروژه‌های شهرداری را نیز با آسفالت تولیدی این کارخانه انجام دهد.

از دیگر اقدامات ملک‌مدنی، فعال کردن اداره تملک شهرداری، طرح فضای سبز پارک کوهستانی صفه، جنگل‌کاری در شرق اصفهان (محله پینارت)، آزادسازی واحداث پارک جنگلی نازوان، احداث پارک لاله در منطقه محروم زینبیه، ایجاد پایانه‌های مسافری بین شهری، راه‌اندازی سازمان آمار و اطلاعات و خدمات کامپیوتری شهرداری، ایجاد مؤسسه ساماندهی صنایع و مشاغل شهری و تقویت ناوگان اتوبوسرانی شهری اصفهان و حومه بوده است.

همچنین در این دوره فعالیت‌ها و پروژه‌های فرهنگی زیادی نیز انجام شد، همچون تالار هنر در پارک لاله، اقدام اولیه در راه‌اندازی مرکز اطلاع‌رسانی شهرداری، احداث کتابخانه‌های عمومی در نقاط مختلف شهر مثل کتابخانه

تخصصی حقوق میرداماد در خیابان نیکبخت، کتابخانه طغرایبی در خیابان کاوه، کتابخانه راغب در دشتستان، کتابخانه بنیاد فرهنگی امیرقلی امینی در خیابان کاشانی.

جمع‌بندی

دهه ۶۰ یکی از مهمترین دهه‌های فعالیت شهرداری اصفهان است؛ به گونه‌ای که در این دهه، تغییرات زیادی در شهر رخ داد. متعاقب جهت‌گیری کلی شهرداری‌های کشور به سمت درآمدزایی و استقلال از بودجه دولتی، شهرداری اصفهان نیز در این مسیر گام گذاشت. این استقلال مالی پیامدهایی داشت که در دهه‌های بعد خود را در عرصه شهر نشان داد؛ از جمله اینکه استقلال مالی شهرداری‌ها و الزام آن‌ها به دست آوردن درآمد، موجب شد پدیده تراکم فروشی و بلندمرتبه‌سازی در اصفهان و سایر کلانشهرها به یک روند معمولی و مطابق میل شهرداری تبدیل شود؛ روندی که در اصفهان به سرعت و از ابتدای دهه ۷۰ اوج گرفت و معضلات زیادی را برای زیست شهری به وجود آورد. با این حال باید اذعان کرد حجم فعالیت‌های عمرانی و زیرساختی در شهر اصفهان چندبرابر شد؛ به گونه‌ای که زیرساخت‌های ایجاد شده توانست برای چند دهه بسیاری از نیازهای اساسی شهروندان اصفهانی را برطرف کند. ستاد عملیاتی شهرداری نیز با ایجاد سازمان‌های مختلف قوی‌تر شده و با افزایش تعداد مناطق شهرداری از ۶ به ۱۰، شهرداری ارتباط خود را با شهروندان افزایش داد. به طور کلی باید دهه ۶۰ را نقطه عطف شهرداری اصفهان در حوزه ستادی و عملیاتی دانست. بسیاری از روندهایی که در این دهه آغاز شد، پیامدهای خود را در دهه‌های بعد نشان داد و بسیاری از پروژه‌هایی که در این دهه کلید خورد، در سال‌های بعد ادامه و توسعه پیدا کرد. به طور کلی دهه ۶۰ از نظر تأثیراتی که برای نظام زندگی شهری در اصفهان داشت دهه حائز اهمیتی است؛ آنچه رخ داد، مجموعه اتفاقات سیاه و سفیدی بود که محصور در همان دهه نماند و برای سال‌های بعد زندگی مردم شهر اصفهان را دستخوش دگرگونی و تحول کرد.

آغاز ساخت پایانه
مسافربری گاوه
اواخر دهه ۶۰



تعریش خیابان گاوه
سال ۱۳۶۹



بازسازی مرکز فرهنگی
تخت فولاد
سال ۱۳۶۸





دیکتاتوری در سازندگی

همانطور که بیان شد، دهه ۶۰ نقطه عطفی در نظام مدیریت شهری اصفهان است؛ زمانی که ستاد شهرداری قوام بیشتری پیدا کرد، شهرداری به سمت استقلال مالی رفت، سازمان‌ها و شرکت‌های زیادی در نظام مدیریت شهری تعریف و کلید بسیاری از پروژه‌های مهم شهری زده شد؛ پروژه‌هایی که بسیاری از آن‌ها در همان دهه یا دهه بعد به اتمام رسید و هنوز هم شهر اصفهان از مزایای آن بهره می‌برد یا با معایب آن دست به گریبان است. دهه ۷۰ هم دهه تغییرات بود، تغییراتی در نوع سیاست‌گذاری و تغییرات بسیاری در شهر. حمیدرضا عظیمیان از ابتدای دهه ۷۰ تا میانه آن و محمدعلی جوادی بعد از آن تا اوایل دهه ۸۰ تصدی شهرداری اصفهان را برعهده داشتند.

زمانی که عظیمیان مسئولیت شهرداری اصفهان را پذیرفت، شهرداری از نظر تکمیل پروژه‌ها در وضعیت بسیار ناخوشایندی قرار داشت. وقتی او شهردار اصفهان شد، پروژه‌هایی وجود داشت که از زمان ملک مدنی شروع، اما نیمه‌کاره رها شده بود. زیرا نیک‌کار، شهردار قبلی، تمایلی به اتمام پروژه‌های دوره ملک مدنی نداشت و به همین دلیل پروژه‌های نیمه‌کاره رها شده در شهر بسیار زیاد بود.

بنابراین عظیمیان تلاش کرد تا این پروژه‌ها را به اتمام برساند و تا حد زیادی هم توانست این کار را انجام دهد. او نه تنها اتمام پروژه‌های نیمه‌کاره را کلید زد، بلکه پروژه‌های جدید زیادی نیز برای اصفهان تعریف کرد. مهم‌ترین پروژه‌ای که در این دوره برای اصفهان تعریف شد، پروژه «اصفهان به اضافه ۲۲» بود. یعنی شهرداری ۲۲ پروژه جدید را در حوزه‌های مختلف فرهنگ، حمل‌ونقل و ترافیک، عمران و غیره برای اصفهان تعریف و اجرا کرد.

طرح پارکینگ طالقانی یکی از طرح‌های مهم دوره عظیمیان بود. این طرح جزو آن دسته از پروژه‌هایی بود که در زمان ملک مدنی شروع، اما در زمان نیک‌کار تعطیل شده بود. با این حال عظیمیان دوباره این پروژه را در دستورکار شهرداری اصفهان قرار داد. اما قبل از اینکه این محل به پارکینگ تبدیل شود، زمین و ساختمان آن به اداره ثبت اسناد و املاک تعلق داشت. مرحوم حاج محمدحسین کازرونی، یکی از بازرگانان بزرگ اصفهان، املاک خالصه دو طرف چهارباغ از دروازه دولت تا سی‌وسه‌پل را خریداری کرده بود. او به منظور اینکه سند این املاک سریع‌تر به نام او صادر شود، ساختمان بزرگی را در جوار خیابان طالقانی (پارکینگ طالقانی فعلی) ساخت و در اختیار اداره ثبت قرار داد. بر همین اساس، اداره ثبت اسناد و املاک اصفهان در این جا دایر شد و تا سال ۱۳۵۴ نیز این ساختمان در اختیار اداره ثبت اسناد باقی ماند. اما بعد از انقلاب زمانی که محل اداره ثبت در خیابان چهارباغ بالا آماده و این اداره به آنجا منتقل شد، ساختمان متعلق به این اداره را در خیابان طالقانی تخریب کردند. بعد از آن، یکی از دامادهای میرزا محمود کازرونی، ورثه حاج محمدحسین، بعد از فوت میرزا محمود، به شهرداری اصفهان مراجعه کرد تا در محل این زمین‌ها پروانه ساخت‌وساز بگیرد. این مصادف بود با زمانی که ملک مدنی شهردار اصفهان بود. از طرف دیگر شهرداری در این زمان قصد داشت خیابان چهارباغ را که ماشین‌رو شده بود، مسدود کند. اما لازم بود قبل از بسته شدن چهارباغ، پارکینگ‌هایی برای پارک خودرو در اطراف این خیابان ایجاد شود و به گونه‌ای طرح‌ریزی شده بود که یک پارکینگ در سمت دروازه دولت و یک پارکینگ هم در سمت میدان انقلاب وجود داشته باشد. طرح پارکینگ طالقانی در راستای مسدود کردن چهارباغ در زمان ملک مدنی ارائه شد، اما به مرحله

اجرا نرسید. اما با روی کار آمدن عظیمیان، این طرح مجدداً در دستور کار شهرداری قرار گرفت و نهایتاً هم اجرا شد و این پارکینگ در کنار دروازه دولت به بهره‌برداری رسید.

باغ گل‌ها

یکی دیگر از پروژه‌های شاخصی که در زمان عظیمیان اجرا شد، ساخت باغ گل‌ها بود. محل فعلی باغ گل‌ها قبل از اینکه تبدیل به این مجموعه تفریحی‌گردشگری شود، مکانی بود که سنگ‌تراشی‌های اصفهان در آن استقرار داشتند و سنگ‌ها و نخاله‌های آن را در آنجا تخلیه می‌کردند. به همین دلیل قبل از شروع طرح باغ گل‌ها و در زمان ملک‌مدنی طرحی ارائه شد که بر اساس آن تمام سنگ‌فروشی‌ها و سنگ‌تراشی‌ها به محله پینارت منتقل شوند. بعد از انتقال این کارگاه‌های سنگ‌تراشی بود شهرداری توانست این نقطه شهر را به پارک گل‌ها تبدیل کند.

ایجاد خانه هنرمندان در حاشیه زاینده‌رود

ایجاد خانه هنرمندان هم از اتفاقات خوشایند و ماندگاری است که در اوایل دهه ۷۰ رخ داد. خانه هنرمندان به رضا محتشمی، مالک هتل کوروش (هتل کوثر فعلی)، تعلق داشت. این خانه بعد از انقلاب مصادر شد و بعد از آن در اختیار آموزش و پرورش قرار گرفت. اما شهرداری در دهه ۷۰ این خانه را از آموزش و پرورش خریداری کرد تا بتواند آزادسازی حاشیه زاینده‌رود را از پل شهرستان تا نیروگاه اسلام‌آباد درجه به منظور تبدیل این باریکه همجوار رودخانه به فضای سبز انجام دهد. اما زمانی که این خانه به تملک شهرداری درآمد، کارشناسان شهرداری متوجه شدند که بافت متفاوت و معماری زیبا و ارزشمندی در آن به کار رفته است. به همین

دلیل تصمیم گرفتند که این خانه را تخریب نکنند و اجازه دهند این خانه در میانه پارک حاشیه زاینده رود باقی بماند. پس از این، در سال ۱۳۷۳ آنجا را در اختیار حوزه هنری اصفهان قرار دادند تا آنجا تبدیل به خانه هنرمندان شود. این خانه همان مکانی است که فیلم گنج قارون در سال ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴ در آن فیلمبرداری و ساخته شد.



خانه هنرمندان
اصفهان در پارک
حاشیه زاینده رود

خانه جوانان اصفهان

احداث خانه جوانان هم یکی دیگر از پروژه مهم شهرداری بود که در زمان عظیمیان اجرا شد. در محل فعلی خانه جوانان، باغ معروفی به اسم باغ قوشخانه، متعلق به دوره صفویه قرار داشت که در زمان سلطنت شاه عباس ساخته شده بود. این باغ، که در شمال شهر اصفهان قرار داشت، محلی بود برای تربیت و آماده سازی عقاب های (قوش) شکاری که شاه و صاحب منصبان صفوی

در هنگام شکار از آن‌ها استفاده می‌کردند. در اواخر دوره قاجار این باغ که جزو اموال خالصه دولتی به حساب می‌آمد، توسط میرزا احمدخان مشیرفاطمی، که از معتمدان نائینی مقیم اصفهان بود، خریداری و به محل سکونت تبدیل شد. شهرداری این خانه تاریخ را در اوایل انقلاب اسلامی، در دوره اولین شهردار بعد از انقلاب یعنی مهندس حسین علوی‌نیا، به مبلغ ۴ میلیون تومان و به صورت توافقی خرید و آن را به بوستان خیابان زینبیه تغییر کاربری داد. در مدخل این باغ، ساختمان مجزایی واقع است که پس از طرح بوستان باغ قوشخانه، به بخش خدمات شهری منطقه ۳ اختصاص یافت و مدتی پس از آن هم شهرداری تازه تاسیس منطقه ۷ در آن مستقر شد. در دهه ۷۰، خانه مزبور را برای اختصاص به امور فرهنگی و هنری به خانه جوانان تغییر نام دادند که در حال حاضر همچنان به همین فعالیت ادامه می‌دهد.

اما اینکه چرا خانه جوانان در این منطقه ساخته شد، خود داستانی جداگانه دارد. در اول انقلاب و در راستای توجه شهرداری به مناطق محروم، قسمتی از شهرداری منطقه ۳ یعنی بخش خدمات شهری و فضای سبز، از آن جدا و به مکانی برای استقرار ستاد شهرداری تازه تاسیس منطقه ۷ تبدیل شد. اما از نظر زیرساختی وضعیت مناسبی نداشت و لازم بود تجهیز شود. این بنا در حال تجهیز به زیرساخت‌های سرمایشی و گرمایشی بود که عظیمیان بنا به قولی که به حبیبی، معاون اول رئیس‌جمهور داده بود مبنی بر اینکه اولین خانه جوانان کشور را در اصفهان تأسیس کند، این بنا را از شهرداری منطقه ۷ گرفت و به ساخت خانه جوانان اختصاص داد. هدف از ایجاد خانه جوان برنامه‌ریزی برای جوانان و برگزاری رویدادهای تربیتی و آموزشی برای آن‌ها بود. به دلیل ساختمان فعلی شهرداری کنونی منطقه ۷ که در ابتدای اتوبان چمران با مساحتی بیش از ۱۲ هزار مترمربع و بالغ بر ۲ هزار متر زیربنا بود، ساخته شد.

تکمیل باغ غدیر

قبلا در ارتباط با پروژه احداث باغ غدیر در دوره ملک مدنی صحبت کردیم. این پروژه به دلیل تکمیل نشدن محوطه‌سازی و کتابخانه آن، هنوز به بهره‌برداری نرسیده بود. با این حال عظیمیان درصدد برآمد تا در هر صورت این پروژه را به اتمام برساند. به همین منظور چندماه دفتر کار خود را به قسمت اداری مجموعه ورزشی باغ غدیر منتقل کرد تا از نزدیک بر اتمام آن نظارت کند. او در باغ غدیر طرح دیگر هم در نظر داشت؛ به این صورت که قرینه محلی که اکنون مجموعه ورزشی باغ غدیر است، یک مجموعه علوم قرآنی و نهج‌البلاغه ایجاد کند. اما این اتفاق در آن زمان رخ نداد و بعد از آن هم دنبال نشد.

طبق طرح اولیه، باغ غدیر باید تا خیابان کردآباد ادامه پیدا می‌کرد که مساحتی در حدود ۵۲ هکتار را شامل می‌شد. اما متأسفانه قسمتی از آن که هم‌اکنون در جنب کنارگذر بزرگراه و خیابان علامه امینی واقع شده است، به یکی از ارگان‌ها و قسمت دیگر به مساحت حدود ۲۰ هکتار آن از خیابان فردوس کنونی تا جاده کردآباد، در زمان مهندس جوادی به بهانه آزادسازی اتوبان صیادشیرازی از باغ غدیر جدا و به غیر واگذار شد.

آغاز پروژه باغ فدک

طرح ساخت باغ فدک در زمان عظیمیان کلید خورد. قبل از ساخت باغ فدک، در محل آن تعدادی زمین اوقافی وجود داشت که شهرداری موظف بود با رعیت‌ها و کشاورزانی که روی این زمین‌ها کار می‌کردند، توافق و آن‌ها را آزادسازی کند. هدف از ایجاد باغ فدک به چنان وسعت و بزرگی در شمال شهر اصفهان این بود که یک کمربند سبز دور شهر ایجاد شود. با این حال

و علیرغم اینکه پروژه باغ فدک به سرانجام رسید، هیچگاه این کمر بند به طور کامل دور شهر اصفهان کشیده نشد. با این حال به صورت پراکنده، کاربری‌های فضای سبز در امتداد طرح این کمر بند در نقاط مختلف شهر بوجود آمد، مثل باغ فدک در شمال و نازوان در غرب؛ اما این بخش‌ها هیچگاه به هم متصل نشدند تا کمر بند سبز به عنوان یک طرح کامل دورتادور اصفهان را در بر بگیرد.

ماجرای حمام خسروآقا چه بود؟

همانطور که قبلاً بیان شد در زمان ملک مدنی قرار بود خیابان استانداری تا خیابان عبدالرزاق امتداد پیدا کند؛ اما نه با تخریب حمام تاریخی خسروآقا. قرار بر این بود که شهرداری در هنگام اجرای پروژه، خیابان استانداری را چند متری منحرف کند و بعد از انحراف، آن را به سمت عبدالرزاق ادامه دهند تا این بنای تاریخی حفظ شود. اما در زمان عظیمیان، شهرداری این کار را انجام نداد و مستقیماً و به صورت شبانه، اقدام به تخریب حمام کرد.

البته قبل از این تخریب، عده‌ای از دلسوزان میراث فرهنگی اصفهان به اصل طرح اتصال خیابان استانداری به خیابان عبدالرزاق اعتراض کرده بودند. عباس بهشتیان، از جمله این مخالفان، معتقد بود که اتصال این دو خیابان به هم موجب می‌شود بافت تاریخی و تجاری بازار اصفهان از بین برود. اما از آنجایی که شهرداری قسمت‌های مختلف این خیابان را برای آزادسازی خریداری کرده بود، نمی‌توانست این پروژه را نیمه‌کاره رها کند. از سویی دیگر، به مرور زمان که این قسمت از شهر از بافت مسکونی به بافت تجاری تغییر وضعیت داد و بیشتر پلاک‌های آن تبدیل به انبار کالا و اجناس شد، بسیاری از کسبه تمایل داشتند که برای تسهیل در جابجایی کالاها و اجناس در

این قسمت، مسیر عبور و مرور و خیابان کشیده شود. در نهایت چون شهرداری بخش‌های دیگر مسیر را آزاد کرده بود و فقط آزادسازی همین بخشی که حمام خسروآقا در آن قرار داشت، باقی مانده بود، در نهایت تصمیم گرفت علیرغم مخالفت‌ها این پروژه را به سرانجام برسانند و حمام را تخریب کند. این نکته شایان ذکر است که افرادی مثل اسحاق جهانگیری، استاندار وقت و حتی خود عظیمیان به عنوان شهردار، به اهمیت تاریخی حمام خسروآقا واقف نبودند. با وجود تمام این موارد، باز هم این امکان وجود داشت که با انحراف خیابان استانداری، این طرح در کنار حمام خسروآقا انجام شود تا این اثر تاریخی تخریب نشود.



نمایی از حمام
خسروآقا در زمان
تخریب

چرا طرح اولیه جهان نما تغییر پیدا کرد؟

یکی از بحث برانگیزترین پروژه‌های شهری اصفهان پروژه جهان نماست که هنوز هم شهر و شهرداری اصفهان با تبعات آن درگیر است. طبق طرح اولیه، در مکان سرای تحدید باید فضای فضای سبز ایجاد می‌شد. اما این طرح به دستور عظیمیان، تغییر پیدا کرد و تبدیل به طرحی برای ایجاد یک مجتمع تجاری شد. اما چرا شهردار وقت دستور داد این طرح، تغییر کاربری دهد؟ در آن زمان، هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور وقت در سفری که به اصفهان داشت، در جلسه‌ای به مسئولان وقت گفته بود که ارگان‌های دولتی باید طرح‌هایی ارائه دهند تا بتوانند پول‌های پراکنده‌ای که در دست مردم است، جمع‌آوری و در پروژه‌های سودآور سرمایه‌گذاری کنند. بر اساس همین گفته، در شهرداری تصمیم گرفته شد طرح فضای سبز جهان نما ملغی شود و این پروژه به مجموعه‌ای تجاری تغییر کاربری دهد تا شهرداری هم بتواند پلاک‌های تجاری چهارباغ را به صورت یکجا به آنجا منتقل کند. اما شهرداری موفق به انجام این کار نشد و پروژه تجاری‌سازی جهان نما شکست خورد.

دو تصمیم مشکل آفرین دیگر در زمان عظیمیان

یکی دیگر از کارهایی اشتباهی که در زمان عظیمیان انجام شد، تخریب کارخانه زاینده‌رود بود. بانک ملی به دلیل بدهی کارخانه زاینده‌رود، آنجا را تملک کرده بود. مهندس آزمایش از طریق رفاقتی که با یکی از کارمندان بانک ملی در تهران داشت، مطلع شده بود که کازرونی‌ها به آنجا آمده‌اند تا مشکل زمین‌های کارخانه را که در تملک بانک بود، حل و فصل کنند. مهندس آزمایش وقتی فهمید که آن‌ها می‌خواهند کارخانه را از بانک ملی بازخرید کنند، با صاحبان

کارخانه یعنی کازرونی‌ها وارد مذاکره شد و طرح شهرداری را مبنی بر ایجاد تالار بزرگ شهر در حاشیه زاینده‌رود با آن‌ها در میان گذاشت و در نهایت آن‌ها را متقاعد کرد تا زمین‌های کارخانه را به شهرداری بفروشند. با موافقت آن‌ها، قرار شد شهرداری این زمین‌ها را با قیمتی که کازرونی‌ها با بانک ملی به توافق رسیده‌اند، از خاندان کازرونی خریداری کند. آن زمان، شهرداری در نظر داشت این زمین را برای کارهای فرهنگی و احداث سالن اجتماعات بزرگ شهر مورد استفاده قرار دهد. اشتباه عظیمیان این بود که مالکیت این زمین را که در اختیار شهرداری اصفهان بود به تولیت آستان شاه عبدالعظیم در تهران واگذار کرد، اما نتوانست پولی در قبال آن بگیرد. بعد از این واگذاری، تولیت آستان شاه عبدالعظیم هم زمین کارخانه زاینده‌رود را به شرکت‌های ساخت‌وساز بخش خصوصی داد تا تبدیل به منطقه مسکونی شود و نهایتاً درآمد حاصل از آن را به تهران منتقل کردند. اشتباه دیگر او این بود که شهرداری به ساختمان‌هایی که در این منطقه ساخته شد تراکم مازاد اختصاص داد. یعنی شهرداری در صدور پروانه ساخت، حریم خط آسمان کنار زاینده‌رود را رعایت نکرد و بعد از این قضیه بود که عملاً خط آسمان کنار زاینده‌رود دچار آشفته‌گی شد. پیشتر گفتیم که قبل از انقلاب مصوب شده بود که بیشتر از سه طبقه یا ۹ متر ارتفاع، در کنار زاینده‌رود ساخته نشود؛ به جز هتل کوثر فعلی که با مجوز دربار بیش از ارتفاع مصوب ساخته شد. اما در زمان عظیمیان این محدودیت تراکم ۹ متری برداشته شد و مازاد تراکم در حاشیه زاینده‌رود روایج یافت و از آنچه در طرح تفصیلی برای حاشیه زاینده‌رود آمده بود، عدول شد.

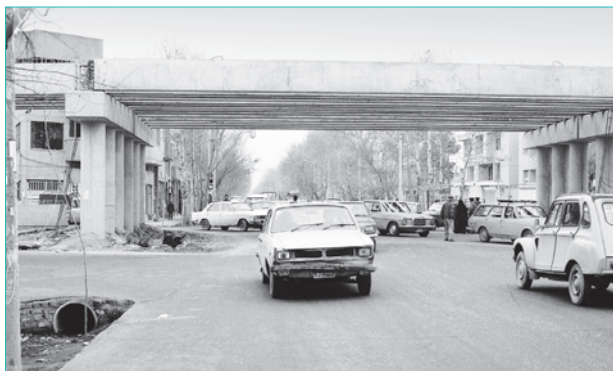
یک اشتباه دیگر شهرداری آن دوره، تفکیک کارخانه صنایع پشم در جنوب سی‌وسه‌پل بود. قبل از انقلاب بحث بر سر این بود که در حد فاصل سی‌وسه‌پل تا چهارراه نظر میدان بزرگی

به عنوان نماد برای اصفهان ساخته شود. اما این میدان ساخته نشد. بلکه شهرداری بر روی زمین کارخانه پروانه تفکیک صادر کرد و در پی ساخت وسازهای انجام شده در آنجا، بافت آن منطقه به هم خورد و علیرغم اینکه آنجا متعلق به خیریه همدانیان بود و آن‌ها نیز قصد داشتند در آن منطقه کار فرهنگی انجام دهند، زمین‌های تفکیک شده را به بخش خصوصی جهت ساخت وساز فروختند که این اقدام نه با امور خیرات و مبرات مطابقت داشت نه با نیت خیریه فعالیت‌های فرهنگی جامعه.

ارزیابی دوره عظیمیان

عظیمیان در دوره تصدی خود در ابتدای دهه ۷۰، کارهای مهمی انجام داد و می‌توان او را ادامه‌دهنده راهی دانست که ملک‌مدنی در دهه ۶۰ آن را ریل‌گذاری کرده بود، اما این را نیز باید در نظر داشت غلبه نگاه کالبدی و مهندسی بر نگاه انسانی و هویتی به شهر موجب شد در کنار پروژه‌های مفید و دارای ارزش بلندمدت، پروژه‌های دیگری نیز انجام شوند که ضررهای بلندمدتی به شهر اصفهان وارد کند و بخشی از هویت شهری اصفهان را از بین ببرد. از بین بردن سرای تحدید و ایجاد برج جهان‌نما با هدف جمع کردن سرمایه‌های سرگردان و همچنین تخریب یکباره حمام خسروآقا، فروش و تفکیک زمین‌های جنوب زاینده‌رود و شروع روند صدور تراکم مازاد برای درآمدزایی برای شهرداری از مواردی است که هنوز شهر و مردم اصفهان از یک سو و مدیریت شهری از سوی دیگر با آسیب‌های آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

پل هوایی خیابان
شیخ صدوق - میر
در حال ساخت
سال ۱۳۷۰

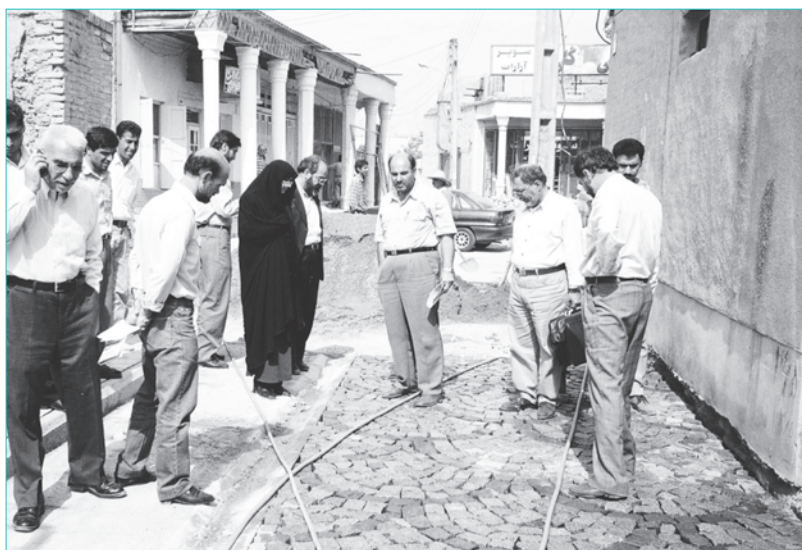


باغ نور در کنار
زاینده رود
اوایل دهه ۷۰



تقاطع غیرهمسطح
شهید چمران
برنامه‌های «اصفهان
+۲۳»
سال ۱۳۷۳





در جاده توسعه

در دوره عظیمیان که از ابتدای دهه ۷۰ شروع شد، طرح‌های «اصفهان+۲۲» کلید خورد و با حدت و سرعت زیادی اجرا و به قول بسیاری از کارشناسان شهرتبدیل به کارگاهی شد که هر نقطه از آن پروژه‌ای در حال اجرا بود. از نیمه دهه ۷۰ به بعد نیز دوره جدیدی از مدیریت شهری با مدیریت مهندس جوادی در اصفهان شروع شد که هم‌راستا با دوره قبلی بود. مهندس جوادی، سی و پنجمین شهردار اصفهان بود که از ۱۱ آبان ۷۶ تا ۱۵ اردیبهشت ۸۲ تصدی این مسئولیت را برعهده داشت. او قبل از اینکه به شهرداری اصفهان بیاید در جهاد سازندگی فعالیت داشت، مدتی هم مدیرکل برنامه‌ریزی استانداری سیستان و بلوچستان بود و بعد از آن هم به عنوان شهردار زاهدان منصوب شد. زمانی که حمیدرضا عظیمیان به شهرداری اصفهان آمد، مهندس جوادی را به اصفهان آورد و او را به عنوان معاون مالی و اداری شهرداری اصفهان منصوب کرد. بعد از رفتن مهندس عظیمیان بود که مهندس جوادی شهردار اصفهان شد.

آغاز به کار شورای شهر در اواخر دهه ۷۰

با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل اولین مجلس خبرگان برای تدوین قانون اساسی و با تلاش پیگیر و مجدانه حضرت آیت‌الله طالقانی اصل ششم، هفتم و اصول یکصد و ششم قانون اساسی با موضوع شوراهای اسلامی به عنوان یکی از ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح و تثبیت شد. در همان روزهای آغازین انقلاب و پیرو مصوبه‌ای از سوی شورای انقلاب و با تلاش جهاد سازندگی، شوراهای اسلامی روستا و شوراهای اسلامی کار تشکیل شدند. اما به دلیل بحران‌های پی‌درپی روزهای آغازین انقلاب و عدم وجود قانون مناسب، تشکیل این شوراها متوقف ماند. اولین قانون شوراهای اسلامی کشور در سال ۱۳۶۱ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت. پس از آن این قانون در ۵ نوبت دستخوش تغییرات و اصلاحاتی شد و نهایتاً آخرین اصلاح آن در پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۵ انجام شد. در ۱۷ اسفند سال ۱۳۷۷ اولین دوره انتخابات سراسری شوراهای

اسلامی کشور برگزار شد و در اردیبهشت ۱۳۷۸ اولین شوراهاى شهر بر سرکار آمدند. شورای شهر اصفهان هم در اولین دوره خود، با اکثریت آرای به ادامه تصدی مهندس جوادى بر شهرداری اصفهان داد. باید در نظر داشت که قبل از تشکیل شوراهاى شهر در سال ۷۸، طرح‌هاى شهري در درون شهرداری تهیه و تصویب می‌شد و در نهایت به تایید استاندار می‌رسید. اما بعد از تشکیل شوراها، مقرر شد طرح‌هاى شهري برای تصویب باید حتماً تایید شورای شهر را داشته باشند.

نصب و راه‌اندازی تله‌کابین صفه

یکی از مهمترین اقدامات تفریحی فرهنگی شهرداری اصفهان در این دوره، راه‌اندازی تله‌کابین صفه بود. در این دوره، شهرداری دو دستگاه تله‌کابین از کانادا خریداری کرد تا یکی از دستگاه‌ها را در کوه صفه و دیگری را در کوه آتشگاه نصب و تله‌کابین را راه‌اندازی کند. در آتشگاه این طرح به دلایل مختلف اجرا نشد. به همین دلیل شهرداری اصفهان این دستگاه تله‌کابین را که عملاً استفاده‌ای از آن نمی‌شد به شهرداری اردبیل فروخت. اما طرح تله‌کابین کوه صفه را در همان زمان آغاز و این تله‌کابین را راه‌اندازی کردند.



تصویری از ساخت
تله‌کابین صفه در کوه
صفه

طرح ادغام رهنان و خوراسگان در اصفهان

یکی از سیاست‌های شهرداری در آن دوره این بود که شهرهای اقماری اصفهان مثل رهنان و خوراسگان ذیل شهرداری اصفهان قرار گیرد. به دلیل گسترش شهر، عملاً این بخش‌ها در شهر اصفهان ادغام و پیوسته شده و این پیوستگی مدیریت مسائل شهری آن مناطق را پیچیده و سخت کرده بود. در برخی محلات، بخشی از محله به شهرداری اصفهان و بخشی دیگر به شهرداری خوراسگان تعلق داشت و این برای مردم سردرگمی زیادی ایجاد کرده بود.

بر همین اساس طرح ادغام دو شهر رهنان و خوراسگان به شهرداری اصفهان مطرح شد. از مزایای ادغام شدن این بود که بخشی از امکانات شهری شهر اصفهان را در این مناطق کمتربرخوردار هزینه کردند. از معایب این کار هم این بود که فوراً قیمت زمین‌های این مناطق افزایش پیدا کرد و برای مردم و ساکنان آنجا مشکلاتی را ایجاد کرد.



نقشه افزودن

خوراسگان و رهنان

به منطقه شهری

اصفهان

سال ۱۳۷۹

صدور مجوز تفکیک اطراف باغ غدیر اشتباه بود

یکی از اشتباهاتی که در این دوره مدیریتی رخ داد، صدور مجوزهای تفکیک اطراف باغ غدیر بود. در آن زمان، پل غدیر در آستانه بهره‌برداری قرار داشت، اما اتوبان صیاد شیرازی که باید در ادامه آن قرار می‌گرفت هنوز احداث نشده بود. چون شهرداری هنوز موفق نتوانسته بود خانه‌های اطراف این منطقه را برای احداث اتوبان آزادسازی کند. دلیل عدم موفقیت شهرداری این بود که هزینه آزادسازی خانه‌های این منطقه بسیار بالا بود و از طرف دیگر خانوارهایی هم که در منطقه اطراف این پل مثل محله مهرآباد سکونت داشتند، حاضر نبودند زمین یا خانه‌ای معوض در جای دیگر شهر دریافت کنند. اشتباه مهندس جوادی این بود که بخشی از فضایی را که برای طرح اصلی باغ غدیر و توسعه آن در نظر گرفته شده بود، به منظور سکونت اهالی خیابان مهرآباد به شکل معوض به آن‌ها اختصاص داد تا مشکل آزادسازی این بخش بدون پرداخت هزینه برطرف شود.

شروع حفاری مترو در زیر زمین

یکی از پروژه‌های مهمی مهندس جوادی روی آن دست گذاشت، پروژه مترو بود که کارهای مربوط به طرح و مطالعات آن قبل از انقلاب انجام شد. برای تسریع در پیگیری پروژه مترو، در زمان ملک‌مدنی یک اداره ویژه به آن اختصاص داده شد تا مطالعات آن ادامه پیدا کند. در زمان عظیمیان، شهرداری بخشی از کارهای مربوط به ایجاد خط مترو را در محدوده خیابان کاوه تا میدان شهدا بر روی زمین شروع کرد. اما در ادامه امکان اجرای پروژه مترو به شکل روباز نبود و باید اجرای خط مترو در زیر زمین ادامه پیدا می‌کرد. اما شهرداری دستگاه لازم را برای حفاری نداشت. در زمان مهندس جوادی، شهرداری اصفهان دو دستگاه TBM برای حفر تونل‌های مترو خریداری و ادامه حفاری را که در زیر زمین بود، در همین دوره شروع کرد.

اشتباه محاسباتی اتوبان شهید خرازی که هنوز هم به آن گرفتاریم

یکی از ایراداتی که به دوره مدیریتی مهندس جوادی وارد است، اجرای طرح اتوبان شهید خرازی با عرض کم می باشد. طرح مطالعاتی این اتوبان در زمان ملک مدنی انجام شد؛ در آن زمان مسابقه ای سراسری برای طراحی این اتوبان برگزار و قرار شد طرح برنده به عنوان طرح اصلی برای اجرای آن مورد استفاده قرار گیرد.

اما اجرای این طرح متوقف شد. شهرداری در زمان عظیمیان این طرح را مجدداً شروع و احداث اتوبان را از خیابان کاوه تا خیابان امام خمینی اجرا کرد. بعد از آن و در زمان مهندس جوادی ادامه اتوبان تا پل وحید اجرا شد. اما این طرح یک مشکل اساسی داشت که ناشی از فاصله زمانی بود که بین مطالعه تا اجرای این طرح افتاده بود.

زمانی که در شهرداری مطالعات طرح شروع شد تا زمانی که این طرح به مرحله اجرا رسید، فاصله زمانی زیادی گذشته بود و به همین ترتیب برآوردهای قیمتی آزادسازی نیز تغییر کرده بود. در زمانی که مطالعات طرح انجام شد، خیابان خرم و خیام، مغازه و گاراژ کمتری داشت و همین امر در محاسبات هزینه آزادسازی آن تاثیر گذاشته بود. اما در زمانی که شهرداری اقدام به اجرای طرح کرد به دلیل افزایش تعداد مغازه ها و گاراژها، هزینه زیادی جهت آزادسازی به شهرداری تحمیل می شد و چون شهرداری نمی توانست این هزینه را بپردازد، در طرح اولیه، تغییراتی به وجود آوردند؛ به این صورت که عرض اتوبان را که در طرح اولیه ۱۲۰ متر در نظر گرفته شد، کاهش دادند.

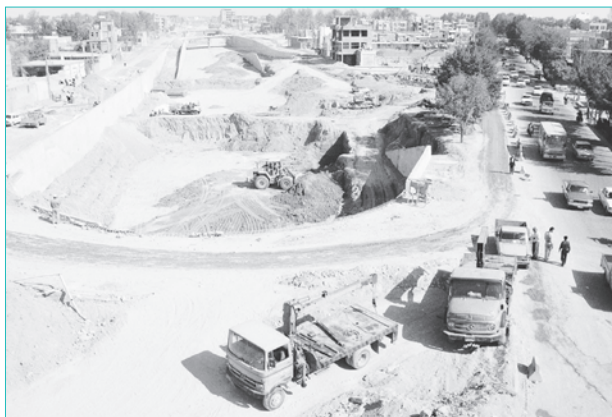
اما قدر مسلم این بود که با کاهش عرض اتوبان در این نقطه، گره ترافیکی ایجاد می شد. بنابراین باید راه جایگزینی ایجاد می کردند تا این گره ترافیکی از بین برود. ایده جایگزین این

بود که از فلکه دانشگاه صنعتی تا پل وحید خیابانی به موازات اتوبان خرازی ایجاد کنند تا این خیابان بتواند به صورت کمکی بخشی از بار ترافیکی اتوبان را در خود مدیریت کند. اما این راه جایگزین تاکنون اجرا نشده است و ما هنوز هم شاهد معضل ترافیکی اتوبان شهید خرازی و اثرات کاهش کارشناسی نشده آن هستیم.

بازدید رئیس و
اعضای شورای شهر
اصفهان از پروژه
بزرگراه شهید خرازی
سال ۱۳۷۹



احداث رینگ سوم در
بخش بزرگراه شهید
خرازی
اواخر دهه ۷۰



توسعه فضاهای سبز شهری و محلی

در زمان مهندس جوادی معابر زیادی طرح‌ریزی و اجرا شد، مثل خیابان میرزا طاهر، تعریض خیابان آتشگاه، ایجاد پل دفاع مقدس و آغاز ایجاد حلقه سوم ترافیکی شهر اصفهان. همچنین فضای سبز شهری در زمان او به خوبی توسعه پیدا کرد. در این مورد می‌توان طرح توسعه فضای سبز کوه صفه را مثال زد که در زمان او به اندازه زیادی رشد یافت. همچنین فضای سبز محلی هم در زمان مهندس جوادی به خوبی گسترش پیدا کرد. علاوه بر این، به دلیل روحیه و شخصیت فرهنگی که مهندس جوادی داشت، در ادامه برنامه قبلی سالن‌های مطالعه و سالن‌های ورزشی را به شهر اضافه کرد.

تقسیم کار بین شهرداری و میراث فرهنگی

قبل از زمان مهندس جوادی برای حفاظت از پل‌های تاریخی سازمان نوسازی بهسازی در شهرداری اصفهان تاسیس شد. با این حال سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، در آن دوره اعتقاد داشت که در زمینه بافت و بنای تاریخی و میراثی، همه‌کاره و تصمیم‌گیر اصلی اوست و این نوع نگرش، اختیارات شهرداری را برای فعالیت در حوزه بافت‌های تاریخی محدود می‌کرد. بنابراین در دوره مهندس جوادی برای اینکه این مشکل حل شود، طی جلساتی که با سازمان میراث فرهنگی برگزار شد، دو نهاد به این جمع‌بندی رسیدند که نظارت بر بناها و بافت تاریخی با میراث فرهنگی و تامین هزینه و اعتبار هم با شهرداری باشد.

مهندس جوادی، ادامه‌دهنده راه دوره عظیمیان

به یک معنا مهندس جوادی ادامه‌دهنده راهی بود که در دوره مهندس عظیمیان پی‌ریزی شد. او توانست پروژه «اصفهان ۲۲» را که در دوره عظیمیان، آغاز و بیشتر آن اجرا شده بود، به اتمام برساند. بحث بلندمرتبه‌سازی که در زمان عظیمیان تابوی آن شکسته شد، در زمان جوادی هم ادامه پیدا کرد. اما بین این دو دوره از نظر

بلندمرتبه‌سازی تفاوت‌هایی وجود داشت. در زمان عظیمیان در مرکز شهر و در بافت قدیم چند پروژه بلندمرتبه‌سازی انجام شد. مهندس جوادی هم بلندمرتبه‌سازی را ادامه داد، اما نه با این ایده که در مرکز شهر و بافت قدیم این کار را انجام دهد. بلکه این کار را به حاشیه شهر و به مناطقی مثل منطقه ۸ و منطقه ۱۰ برد.



تعیض و توسعه
خیابان آتشگاه
سال ۱۳۷۹



ساخت پل بزرگ غدیر
خیابان آبشار - مشتاق
سال ۱۳۷۶